

انجمن مدیران صنایع

کار آفرین

کشمکش یکمیدساله؛
از سیاست‌گذاری
تا تصدی‌گری

مهندس محسن خلیلی
رئیس هیأت‌مدیره انجمن مدیران صنایع



نشریه

شماره ۱۵۰ - تیر ۱۴۰۱ - ۴۰ صفحه

سایه سنگین بحران در اقتصاد جهان



توسعه صنعتی
راهبردهی خواهد

گزارش کارشناسی انجمن مدیران صنایع:
تحولات نرخ رشد
بخش‌های واقعی اقتصاد

تاریکی‌های
امروز اقتصاد



یک نام و هزار لبخند



شرکت صنایع غذایی سحر
تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۹۲۳۶-۹ دورنگار: ۰۲۱-۲۲۶۹۲۴۰
WWW.SAHARFOOD.COM @saharfood.co





www.takmakaron.com

☎ 1648

لِیزینگ اقتصادنوین

ENLEASING



حامی یک خرید خوب

متفاوت در خدمات

تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب بیمارستان تهران کلینیک، کوچه آزادگان، پلاک ۱۵



۱۵۸۶۷۴۷۸۱۱



۰۲۱-۸۸ ۷۰۰ ۷۷۶



www.enleasing.com





گروه صنعتی سپاهان (سهامی عام)

SEPAHAN INDUSTRIAL GROUP CO. (PJS)



تولید کننده انواع لوله های فولادی

لوله گاز خانگی توکار (ISIR3574)

لوله گاز خانگی روکار (ISIR3360)

لوله گاز شبکه IGS , API

لوله های صنعتی و ساختمانی

لوله های تست و آبرسانی (ISIRI6771)

تهران، خیابان بخارست، پلاک یک
ساختمان سپاهان

دفتر فروش تهران: ۰۲۱-۸۸ ۷۳ ۵۲ ۴۵ - ۷

دفتر فروش اصفهان: ۰۳۱-۳۲ ۶۴ ۷۶ ۴۵ - ۸

WWW.SEPAHAN.COM





چک‌ها را آسان مدیریت کنید



بانک خاورمیانه
Middle East Bank
www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

به منظور رعایت قانون جدید چک شما می‌توانید از طریق اینترنت بانک و وبسایت بانک خود عملیات مربوط به چک را انجام دهید. راهکارهای مختلف برای همه مشتریان از جمله اشخاص حقیقی، شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، حسابداران شخصی و افراد دارای حساب مشترک فراهم شده است تا شما بتوانید به راحتی چک‌های خود را در سامانه صیاد صادر، دریافت و منتقل کنید. با استفاده از راهکارهای اینترنتی بانک خاورمیانه، دسترسی‌ها و تاییدها در مورد اشخاص حقوقی با رعایت اساسنامه شرکت‌ها، اعضای مشترک اعضا دارای مجوز و به‌طور خلاصه رعایت تمام اصول و قوانین در بستر سامانه صیاد انجام می‌پذیرد. بانک خاورمیانه به سهولت، در دسترس بودن فوری و جامع بودن خدمات بانکداری شرکتی و تجربه خودساز مشتریان اعتقاد دارد.



خبری، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی
شماره ۱۵۰ - تیر ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: نجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویایی

سر دبیر: محمدصادق حنان صفت

اعضای تحریریه: شیما ستوده - احسان چمان صفت
فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:
علی صائم

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

حروفچین:
حمیدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استخرنهری، روستای روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

تلفن: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر صاحب آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه ها
لزوما نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسندگان است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس داده نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود

مقالات روی یکطرف برگ ۸۴ نوشته و فاصله بین سطرها رعایت شود

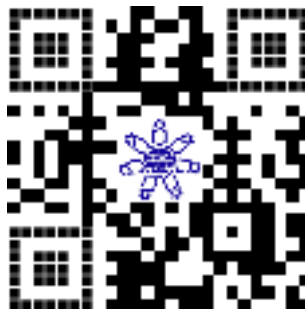
برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

آدرس چاپخانه:

مجمع چاپ دیجیتال ایران کهن

۸۸۳۴۴۳۸۷



توسعه صنعتی >>> صفحه ۶

شتاب گیری تهیه راهبرد توسعه صنعتی



نگاهی به مهم ترین صنایع کارخانه های ایران که تولیدات آنها در میان خانواده ها رایج و جاری است و اصولا برای خانواده ها تولید می شود نشان می دهد ایران در این باره از نظر شمار کارخانه و نیز تنوع تولید چیزی کم ندارد. به عبارت دیگر ایران همه جور کارخانه دارد. اما از سوی دیگر نیک می دانیم که بیشتر تولیدات کارخانه های ایرانی با رقابتی سرسختی در منطقه و جهان روبه رو هستند و اگر اقتصاد ایران عادی بود و تجارت خارجی آسان و بدون مانع بود بسیاری از کارخانه ها تعطیل می شدند چون توانایی رقابتی ندارند...

گزارش کارشناسی >>> صفحه ۱۷

بررسی آخرین مشکلات بخش صنعت با نگاهی به شاخص های کلان اقتصاد ایران



بر اساس برآوردهای اولیه، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۵ از ۱۳۹۶۱/۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ به ۱۴۵۷۱/۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است و با این ارقام، نرخ رشد GDP کشور در سال گذشته ۴/۴ درصد اعلام شده است. گروه صنایع و معادن یکی از بخش ها و گروه های اصلی فعالیت اقتصاد ایران را تشکیل می دهد و رشد این گروه در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹...

انتخاب سردبیر >>> صفحه ۲۶

شلاق تورم ۸۷ درصدی برخورد و خوراک مردم



روزی و معیشت شهروندان تهدیدست ایرانی زیر شلاق و تندباد تورم قرار دارد و در هر دوره از دوره های یک ماهه اندازه گیری نرخ تورم کالاهای خوراکی معلوم می شود تن و روح مردم زیر این شلاق له و کوفته و زخمی می شود. بر پایه اطلاعات آرایه شداز سوی نهادهای رسمی آمارگیری در ایران گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها در تیر ماه تورم نقطه به نقطه ۸۷ درصدی داشته اند. این در حالی است که این نرخ در خرداد ماه برابر با ۸۲٫۶ درصد بوده است...

تاریکی‌های امروز اقتصاد

■ دولت ناآشنا به کار

کاهش سهم و نقش قدرت نهاد دولت نسبت به سایر نهادها در هر حوزه‌ای در نیمه اول پارسال یک رخداد قابل اعتنا و محسوس بود. باقی مانده قدرت موجود در اختیار دولت قبل تکافوی سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و به ویژه دیپلماسی نمی‌کرد. این یک ناروشنی با پیامدهای تاریک بود که باید آن را آنالیز کرد. با تغییر دولت و آمدن گروهی تازه بر سر کار با عنوان دولت مردمی و انقلابی انتظار می‌رفت قدرت به دولت برگردد که این کار تا اندازهای انجام شد اما دولت سیزدهم فاقد عنصر کارآمدی و تجربه اداره اقتصاد را دارد و این با کم‌قدرتی دولت تفاوتی ندارد. در صورتی که ناکارآمدی دولتی ادامه داشته باشد سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و شهروندان به هیچ آدرسی در هیچ حوزه‌ای اعتماد نخواهند کرد. ایران باید بتواند از نهادهای بین‌المللی پولی برای چرخاندن اقتصاد خود استفاده کند. در حال حاضر به دلیل اینکه ایران (مقررات مبارزه با پولشویی در مسیر مبارزه با سازمان‌های تروریستی) نشده است در منطقه ریسک‌های عجیب قرار دارد.

■ سیاست ارزی

واقعیت این است که اقتصاد دولت، بنگاه‌ها و خانواده‌ها به سیاست ارزی و در قلب آن سیاست معطوف به رفتار نرخ دلار در بازار ارز گره خورده است. در سال گذشته دولت نتوانست یا نخواست سیاست ارزی روشن، ثابت و بانوسان کم و کارآمد اتخاذ کند. پیامد سیاست ارزی عجیب دولت و بانک مرکزی در سال ۱۴۰۰ به هدر دادن میلیاردها دلار کمیاب در یک سردرگمی عجیب‌تر شد و هیچ اثر ملموس و مشخص بر جای نگذاشت. در یک سال گذشته و در دولت جدید نیز نشانه‌ای از سیاست ارزی منسجم دیده نمی‌شود. آیا این نقص در نیمه دوم سال برطرف خواهد شد؟ ناروشنی در این باره کسب و کار و زندگی ایرانیان را به باتلاق می‌برد.

■ تجارت آزاد یا در بند

تجربه جهان معاصر نشان می‌دهد تجارت آزاد یک یاری‌دهنده بزرگ برای صلح جهانی، رشد و توسعه اقتصادهای ملی و بهره‌مند شدن فقیران جهان از برکت‌های این مقوله بوده است. تجارت آزاد می‌تواند نویدبخش باشد و انحصارهای داخلی در سمت تقاضا و در سمت عرضه را با چالش جدی مواجه کرده و سود شهروندان را افزایش دهد. اما تجارت آزاد در ایران در شرایط تحریم اقتصادی با ناآزادی و ناروشنی مواجه شده و روزه‌های نفس کشیدن آن باریک‌تر شده است. آیا در سال تازه که نیمه از آن سپری شده است شاهد آزادی تجارت خارجی خواهیم بود یا اینکه مقوله واردات و مقوله صادرات با تحدید و تهدید مواجه خواهند شد؟ این یک مسیر را نشان می‌دهد که روشنی یا ناروشنی آن برای سال‌های آینده سال تعیین‌کننده است.

مدیران ارشد اداره‌کننده جامعه وجود دارد. این یک ناروشنی و ابهام بزرگ است که همراه ایرانیان به سال جدید آمده است. این وضعیت که در ماه نخست تابستان بدتر شد احتمال بدتر شدن تحریم را افزایش داده است.

■ عادت به رشد منفی سرمایه‌گذاری

رشد تولید ناخالص داخلی با وجود همه شلاق‌هایی که بر تن آن خورده و می‌خورد هنوز معتبرترین متغیر برای ارزیابی کامیابی یا ناکامی اقتصاد کشورها به حساب می‌آید. آمار و ارقام آرایه شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نیز مرکز پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد رشد اقتصادی ایران هنوز کند است و هنوز از نظر مطلق تولید ناخالص داخلی به ۱۳۹۰ نرسیده‌ایم. چرا چنین وضعیتی داریم؟ واقعیت این است که اقتصاد ایران با منفی شدن نرخ رشد سرمایه‌گذاری روبه‌رو شده و این یک نقطه تاریک است که اگر ادامه یابد معنایش این است که سرمایه‌های موجود را نیز پیش‌خور کنیم. این یک علامت پریش است آیا می‌خواهیم تهدید شدن شهروندان را برایشان یک عادت کنیم و با چشم‌های باز به سمت فقیرتر شدن ایران و شهروندان آن گام برداریم؟ در این صورت چه امیدی باید در دل و ذهن جوانان باشد؟ ناروشنی که رشد منفی سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند بدترین میراثی است که از سال ۱۴۰۰ برای سال تازه آمده است.

■ تکلیف بخش خصوصی

فعالان بخش خصوصی ایران در سال ۱۴۰۰ یکی از بدترین سال‌ها را در دهه‌های اخیر سپری کرده و میراث بدی همراه آنها به سال ۱۴۰۱ آمده است. در سال گذشته بوروکرات‌های دولتی و مدیران با نفوذ بنگاه‌های غول‌پیکر به همراه طرفداران برخی از کسانی که با اقتصاد آزاد دشمن هستند روزگار فعالان خصوصی را سیاه کردند. آنها توپ پرش شدید نرخ دلار و تبعیت بازار کالا از نرخ تبدیل دلار به ریال را به زمین بخش خصوصی انداخته و پروژه ناکارآمد کردن اقتصاد از سوی خصوصی‌ها را کلید زدند. آیا قرار است سال ۱۴۰۱ این وضعیت ادامه یابد؟ به نظر می‌رسد دولت سیزدهم به دلیل ناکارآمدی شماری از مدیران و نیز بی‌اعتقادی به بخش خصوصی و ندیدن تعارض‌های تثبیت قیمت با افزایش هزینه تولید و فرمان‌های اداری می‌خواهد بخش خصوصی را سرکوب کند. این هم از نقاط تاریک اقتصاد است.

محمدصادق جنان صفت

سردبیر



این روزها، بر اندازه دلخوری‌های ایرانیان و نیز بر اندازه اندوه و حسرتشان از روزگار ناخوش کسب و کار در سطح کلان، بنگاه و خانوار افزوده شده است. ایرانیان در سال ۱۴۰۰ هم روزهای ناخوش و غم‌انگیزی را تجربه کرده و شهروندان به ویژه مزد و حقوق بگیران با حیرت و حسرت شاهد پرش بلند قیمت کالاها در محل‌های عرضه بودند. ایرانیان یک بار در تابستان پارسل به چشم دیدند که نرخ هر دلار آمریکا به ریال رشدی شتابان را تجربه کرد و به بالا پرتاب شد. این اتفاق که افتاد همه عرضه‌کنندگان کالا در هر وضعی که بودند نرخ تازه‌ای برای کالاهای خود لحاظ کرده و با توجه به تثبیت مزد و حقوق کارگران و کارمندان، قدرت خرید شهروندان از دست رفت. برخی باور دارند در سال ۱۴۰۱ قدرت خرید شهروندان دست‌کم ۴۰ درصد کاهش داشته و این اتفاق یعنی تهدیدتر شدن بدنه جامعه ایرانی. ایرانیان اما در بهار و تابستان امسال به چشم دیدند میانگین نرخ هر دلار آمریکا برای واردات با رشدی قابل اعتنا روبه‌رو شده است و هنوز میل به بالا رفتن دارد. اکنون در تابستان ۱۴۰۱ ایرانیان در حوزه کلان اقتصاد و سیاست با چند ناروشنی روبه‌رو هستند.

■ تکلیف ایران با تحریم

ایمن یک واقعیت است که جامعه غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا به رغم همه تکه تکه شدن‌های دوره ترامپ اما با آمدن جو بایدن متحد شده و ماهیت خود را حفظ کرده و اعضای مهم اتحادیه اروپا و انگلستان رهبری آمریکا را قبول دارند. تکلیف ایران در سال ۱۴۰۰ و در دولت دوازدهم با این قطب نیرومند جهان تعیین نشد و به نظر می‌رسد در تابستان امسال روزگار پرورنده هسته‌ای توفانی‌تر از هر سال دیگر در دهه ۱۳۹۰ است. تاریکی در سیاست خارجی نسبت به غرب به ویژه آمریکا برای کلیت جامعه ایرانی پیامدهایی دارد که بخشی از آن بدتر شدن کسب و کارهاست. این واقعیت را باید قبول کرد. آیا ایران قرار است در باقی مانده سال ۱۴۰۱ زندگی در تحریم را ادامه دهد یا راهی برای عبور از آن در ذهن و فکر

توسعه صنعتی راهبرد می خواهد

چرا صنعت ایران روزگار خوشی ندارد. این یک پرسش جدی است که باید به صورت همه جانبه و از طرف همه کسانی که به آینده این کشور نگاه می کنند و دلسوز این مرز

دکتر حسین سلاح ورزی

نایب رئیس اول اتاق بازرگانی،
صنایع، معادن و کشاورزی ایران



و بوم و شهروندان امروز و فردای آن هستند بررسی شده و دلایل نشانه های عقب ماندگی صنعتی را پیدا کنند. در صورتی که نشانه های عقب ماندگی صنعتی ایران خوب شناسایی نشده و دلایل اصلی رسیدن به وضعیت فعلی که صنعت ایران را از مدار توسعه یافتگی خارج کرده است در کانون توجه قرار نگیرد نمی توان به روزهای خوب رسید. برخی از نشانه های این پس ماندگی را به طور خلاصه یادآور می شوم.

یکی از مهم ترین نشانه های توسعه نیافتگی ایران در تولید صنعتی این است که در دنیای امروز هیچ کالای صنعت کارخانه ای نیست که مشتریان به ویژه خانواده ها که مصرف کننده مهم تولیدات صنعتی اند منتظر آن باشند. به طور مثال تلویزیون سامسونگ، یا اتومبیل تویوتا ژاپن و نیز گوشی تلفن همراه اپل یا شیائومی چین و نیز برخی دیگر از تولیدات صنعتی آلمانی و فرانسوی و حتی ترکیه در صنعت نساجی در دنیا مشهورند و توسعه صادرات آنها علاوه بر ارزآوری به رشد صنعت منجر شده است. این یک نشانه مهم دور شدن صنعت ایران از مسیر پیشرفت جهانی است. از طرف دیگر توجه داشته باشیم که صنعت ایران چندین دهه است با تکنولوژی روز دنیا ارتباط و تعامل واقعی و زود به زود ندارد. این یک نشانه است که صنعت ایران را عقب مانده نشان می دهد و یک واقعیت تلخ است. شما همین امروز محصولات لوازم خانگی ایران را با تولیدات دیگر کشورها مقایسه کنید و ببینید آیا تولید ایرانی قادر به رقابت با همتهای خارجی دارند. همین امروز هم با وجودی که واردات قانونی و تولید مونتاژی لوازم خانگی کره جنوبی در ایران ممنوعیت دارد اما شهروندان ایرانی ترجیح می دهند یخچال و فریزر کره ای خریداری کنند. تلویزیون سامسونگ هنوز در خانه ها وجود دارد و... به صنعت نساجی ترکیه و ایران نگاه کنید. صنعت نساجی ایران با وجود قدمت بیشتر نسبت به ترکیه اما خریدار کمتری دارد. تکنولوژی روز دنیا به کمک نساجی ترکیه آمده است و این کشور بازار ایران را تسخیر کرده است. بنابراین سومین نشانه دور شدن ایران از صنعت روز دنیا فقدان نوسازی تکنولوژیک است.

■ دلایل عقب ماندگی

اگر یک نگاه تاریخی به روندها و فرایندهای صنعتی ایران بیندازیم، می توانیم برخی از دلایل را به خوبی ببینیم. برای توضیح بیشتر به داستان انتخاب راهبرد صنعتی شدن در کشورهای کمتر توسعه یافته در دهه ۱۹۶۰ که به دهه ۱۳۴۰ این مطابقت دارد بیندازیم. در آن دهه دو راهبرد صنعتی شدن دیده می شد. راهبرد توسعه صادرات و راهبرد جایگزینی واردات. ماهیت و محتوای راهبرد جایگزینی واردات این بود که کشورها مثلاً ایران به جای اینکه کالاهای با دوام صنعتی مثل اتومبیل و لوازم خانگی را وارد کنند در داخل تولید کنند این نظریه که از ذهن طرفداران نظریه وابستگی پیرامون به مرکز بیرون آمده بود می گفت راهبرد جایگزینی واردات علاوه بر اینکه مانع خروج ارز از ایران می شود

کشمکش یکصد ساله؛ از سیاست گذاری تا تصدی گری

موضوع جایگاه دولت و دستگاه های

اجرایی در اقتصاد و صنعت و نقش آنها در روند توسعه ای میهنمان، موضوع پرچالشی است. در طول حدود ۹۰ دهه حیات نگارنده در این سرزمین و هفت دهه کار و فعالیت صنعتی ام،

مهندس محسن خلیلی

رئیس هیأت مدیره
انجمن مدیران صنایع



همواره دو تفکر و روش و منش اقتصادی با یکدیگر در کشاکش بوده اند. از یک سو تفکر به میراث مانده از صدر مشروطه در قالب «اتاق تجارت» و «اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن» که نقش و جایگاه دولت را در حد ایجاد بسترهای لازم برای کار و فعالیت اقتصادی جامعه و نه مداخله در کسب و کار مردم و رقابت با بخش خصوصی معنای کرد؛ نزدیک به آنچه امروزه تفکر لیبرالی قلمداد می شود و از سوی دیگر، باوری که بر حضور بیشتر دولت در اقتصاد و موتور توسعه پنداشتن این نهاد در توسعه کشور تأکید می کرد؛ رویکردی که در دوران پهلوی اول و افکار و اقدامات علی اکبر خان داور، تجلی یافت و براساس آن دهها شرکت دولتی انحصاری در حوزه های مختلف، از قند و شکر تا بیمه و حمل و نقل و... تأسیس شد و در ادامه با همراهی و پشتیبانی تفکر تمرکزگرای چپ، ساختار غالب اقتصادی و صنعتی میهن مان را به شکل امروزی اش شکل داد.

من به عنوان صنعتگر و خدمتگزار اقتصاد ملی، در تمام طول زندگی و فعالیت حرفه ای ام، به راه و روش اول و نقش سیاست گذاری دولت باور داشته ام و اینکه تصدی گری و اداره بنگاه های اقتصادی و صنعتی کار فعالان این بخش هاست.

همواره معتقد بودم، وظیفه صنعتگر و فعال اقتصادی و صاحب بنگاه تولیدی این است که بر مبنای نقشه و طرح مشخص برآمده از علم، دانش و تجربه، فعالیت تولیدی خود را با فراهم آوردن سرمایه، نیروی انسانی و مواد اولیه آغاز کند و در روند انجام کار با درس گرفتن از ضعف ها و خطاها و یادگیری مستمر و بهینه کاوی و... به ارتقای کمیت و کیفیت محصولات و رشد و توسعه بنگاه تحت تصدی خود بپردازد. من بنگاهداری را بهبود امکانات لازم به منظور ارتقای فعالیت هایم به قول پرفسور مایکل پورتر باید «استراتژی» مخصوص خود را داشته باشم تا بتوانم «در شرایط سخت و دشوار» تصمیم گیری و «هدفمند» کار کنم. بخشی از این استراتژی طبعاً همکاری با سایر بنگاه ها در قالب انجمن ها و اتحادیه ها و سایر نهادهای تشکیلی به منظور پیگیری خواست ها و مطالبات مشترک و در نهایت ارتقای اقتصاد ملی است.

اما آن چنان که تمام عالمان اقتصادی امروز بر آن تأکید دارند (به جز موارد خاص که همین عالمان از آن به «شکست بازار» یاد می کنند) کار دولت، تأمین کالای عمومی است. دولت موظف است قانون، امنیت و ثبات مولفه های اقتصاد کلان را تأمین کند و به عنوان نماینده منافع و خیر عمومی، فضای برون بنگاهی را برای حرکت روان و هر چه سهل تر بنگاه های اقتصادی و صنعتی فراهم آورد. باید نظام قانونی و اجرایی و قضایی به گونه ای سامان یابد که کارآفرین و صنعتگر واقعی هر چه بیشتر استعدادهای مادی و فکری خود را مصروف فعالیت خود کند و از طریق بزرگ شدن بنگاه های اقتصادی، اقتصاد ملی یا به قول معروف، یک اقتصاد بزرگ تر شود. رشد و توسعه در ابعاد کلان کشوری و «توان رقابتی یک کشور، به توان و ظرفیت نوآوری در بنگاه های صنعتی آن کشور بستگی دارد و این بنگاه ها هستند که در سطح جهان با هم رقابت می کنند و نه کشورها» (مایکل پورتر). اما دولت متأسفانه در کشورمان به جای انجام این وظایف و کارویژه های ذکر شده، وظیفه خود را علاوه بر سیاست گذاری، تصدی و مداخله گری تعریف کرده و از آن به «حمایت اجتماعی» تعبیر می کند و نظام اداری و دستگاه بوروکراتیک را در این جهت سازمان داده و می دهد.

اتاق ایران

به رشد صنعت کمک می‌کند و نیز اشتغال صنعتی ایجاد می‌کند. این راهبرد اما یک الزام بزرگ داشت و آن محدودیت واردات با وضع تعرفه‌های بالا بود. این الزام اجرایی شد و صنعت ایران به جای اینکه در بازارها با رقبای خود نبرد کند و پیشرفت واقعی به دست آورد گلخانه‌ای و نازپرورده شد و از رشد واقعی دور ماند. این راهبرد پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شدت بیشتری دنبال شد. در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی که اصولاً بورژوازی صنعتی سرکوب شد و در وضعیتی که صنعت جهان از تکنولوژی روزآمد و فزاینده استفاده می‌کردند صنعت ایران باز هم عقب افتاد. دلیل بعدی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نگاه راهبردی خودکفایی در تولید همه چیز بود. این راهبرد سیاسی از یک‌سو صنعت را از چشم مدیران دور کرد و کشاورزی را در محور توسعه قرار داد. رهبران سیاسی امیدوار بودند بتوانند نان و برنج و سایر خوردنی‌های اساسی را در ایران تولید کنند و به خارج از کشور نیاز نداشته باشند. از طرف دیگر می‌خواستند همه کالاهای صنعتی را نیز بدون توجه به نظریه مزیت نسبی در داخل تولید کنند. دادن مجوزهای صنعتی به شهروندانی که به ویژه برای استفاده از رانت‌های ارزی و ریالی و نیز زمین ارزان سوله‌های بی‌نهایت در ایران برپا کرده و کار رها شده است. در حال حاضر هزاران هزار میلیارد تومان از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و کوچک ایرانیان ناتمام مانده و بدقابلی این است که هر سال بر ابعاد این مصیبت اضافه می‌شود. مساله و عامل دور شدن ایران از توسعه صنعتی غرب‌ستیزی ایران بوده و هست. واقعیت این است که غرب‌ستیزی موجب شد ایران دنبال توسعه صنایع سنگین برود بدون اینکه توجه شود صنایع سنگین باید در داخل مشتری داشته باشد. اینها بخشی از دلایل عقب ماندن توسعه صنعت در ایران به لحاظ تاریخی بوده است.

■ عقب ماندن توسعه صنعتی

واقعیت تلخ این است که سیاست در ایران به دلایل گوناگون نقش بازدارنده داشته و دارد. بزرگ‌ترین نقش بازدارنده سیاست داخلی از دهه ۱۳۳۰ به این سو به مناسبات بخش خصوصی و دولت‌ها برمی‌گردد. در ایران پس از اینکه دولت صاحب درآمدهای هنگفت به دست آمده از صادرات نفت شد به بخش خصوصی بی‌اعتنایی کرد. بوروکرات‌های دولتی و مدیران دولتی با این تصور که عقل آنها بیشتر از صنعتگران است بخش خصوصی را

در حاشیه نگهداشته و اجازه رشد همه‌جانبه به آنها ندادند. این وضعیت موجب شد بخش خصوصی ایران به رانت‌های دولتی دلخوش شود و از توسعه کیفی صنعتی دور بماند. از سوی دیگر در داخل دولت‌ها نیز از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون مجادله بی‌فایده کشاورز یا صنعت یا بازرگانی محور توسعه باشد در جریان بود و هست و به همین دلیل فقدان یکپارچگی کار توسعه صنعت را عقب انداخت. در سیاست خارجی نیز ایران به دلیل اینکه با غرب و شرق جهان رابطه متوازن نداشت و اصولاً به غرب حتی پیش از انقلاب اعتماد وجود نداشت و حالا که تحریم‌ها مزید بر علت شده است. از طرف دیگر در دنیا هیچ مشتری چشم به راه رسیدن کالای تازه‌ای از یک برند مشهور شده ایرانی نیست. ایران شاید روزی در دنیا به داشتن بهترین و زیباترین فرش دستیافت مشهور بود اما همین هم در حال نابودی است. حالا با وجود طعم و مزه خاص پسته ایرانی اما مزیت آن به دلیل رشد صادرات پسته آمریکا از دست رفته است. خاویار ایران دیگر ممتاز نیست. تولیدات صنعتی در ایران به دلیل لوس و نازپرورده شدن و دور بودن از میدان مبارزه با رقبای سرسخت هرگز راستی‌آزمایی نشده است تا توانایی‌های آن آشکار شود. ایران از مزیت‌های طبیعی خود نیز استفاده نامناسب کرد. در حالی که به‌طور مثال صنعت پتروشیمی می‌توانست عمیق‌تر شده و به تولید کالاهای با تکنولوژی بالاتر دست یابد اما اینگونه نشد. سیاست‌گذاری صنعتی در ایران به دلیل نبود راهبردی درازمدت و با آمدن و رفتن دولت‌هایی با سلیقه‌های سیاسی متفاوت در نوسان‌های عجیب گرفتار شده است. از سوی دیگر دست دولت در صنایع دراز شده و در هر تولید هر کالایی سهمی دارد و انحصار ایجاد کرده است. بخش خصوصی ایران در این بستر دخالت‌آلود دولت محلی برای رشد نداشته است. به همین دلیل است که شما به پایتخت کشورهای جهان که می‌روید از هر کشوری دست‌کم یک یا دو برند نامدار رادر بازارهایشان می‌بایید و ساختمان‌های بلند آنها بر افراشته است جز ایران.

■ توسعه صنعتی راهبرد می‌خواهد

در ایران نهاد دموکراسی تازه پاگرفته است و مشارکت شهروندان در تعیین روش زندگی و انتخاب کسب و کار خود و نیز توسعه فعالیت‌ها از سوی دولت‌هایی که به دموکراسی دلبسته نیستند در معرض خطر است. یکی

از بدبختی‌های این سرزمین این است که روشنفکران و بوروکرات‌ها تصور می‌کنند عقل آنها از عقل معیشت شهروندان بیشتر است. بنابراین فلسفه است که در ایران عمدتاً دولت‌ها بوده و هستند که خود را مستحق نوشتن استراتژی توسعه صنعتی می‌دانند. این مساله در قانون تاسیس وزارت صنایع و معادن در دولت دوم آقای خاتمی برجسته‌تر شد و این وزارتخانه موظف شد که استراتژی توسعه صنعتی را بنویسد. دولت وقت می‌توانست اعلام کند و از همه افراد و گروه‌های مدعی توانایی در نوشتن استراتژی صنعتی دعوت کند در مزایده شرکت کنند. کار بهتر اما این بود که دولت وقت نوشتن استراتژی صنعتی را با منابع مالی آن به اتاق‌های بازرگانی واگذار کند. دولت اصلاحات هیچ‌کدام از این دو کار را نکرد و تهیه استراتژی توسعه صنعتی را به مسعود نیلی که البته بهترین انتخاب بود سپرد. کار تدوین این استراتژی از همان روز نخست با زرد و بند روبه‌رو شد. منتقدان نویسندگان استراتژی را لیبرال خواندند و کار به نتیجه نرسید. دولت بعدی که آمد خواست خودش طرح استراتژی توسعه صنعتی بنویسد که دانش و تخصص نداشت و آن دولت نیز کاری نکرد. دولت آقای روحانی نیز اصولاً به دلیل تشمت در وزارت صمت و تهاجم روزانه منتقدان دنبال این کار نبود.

همه کشورهای جهان به ویژه کشورهای نوظهور صنعتی مثل کره جنوبی، ترکیه، تایوان و اندونزی و برزیل برای توسعه صنعت خود استراتژی تهیه کردند. در انتخاب استراتژی توسعه صنعتی چند شرط لازم است که اگر نباشند و پایه اجرا قرار نگیرند راه به جایی نمی‌بریم. نخستین مساله این است که راهبرد یا استراتژی توسعه صنعتی به وسیله نهادی خارج از دولت نوشته شود و نهادهای بالادستی در وضعیت موجود تضمین دهند اجرای آن با رفت و آمد دولت‌ها تغییر نمی‌کند. شرط بعدی این است که استراتژی توسعه صنعتی از تجربه‌های جهانی استفاده کند و چرخ را از اول اختراع نکند. شرط بعدی این است که حتی از متخصصان ورزیده جهانی استفاده شود. چطور است برای پیشرفت فوتبال از سرمربی خارجی استفاده می‌شود اما برای تهیه استراتژی صنعتی از کسانی که دانش و تخصص دارند استفاده نمی‌شود. بنابر این بدون راهبرد درازمدت استراتژی صنعتی که در آن مزیت‌های صنعتی ایران با روش‌های علمی شناسایی و رشد داده شوند صنعتی شدن بسیار دور از انتظار است.

سایه سنگین بحران در اقتصاد جهان

از اوج‌گیری پی‌درپی تورم و دستمزدها به وجود می‌آید.

نرخ بهره: در کشورهای پیشرفته صنعتی و نیز در شماری از قدرتهای نوظهور و در حال توسعه، بانکهای مرکزی تورم را دشمن شماره یک تلقی می‌کنند و مقابله با آن را در صدر ماموریت‌های خود قرار می‌دهند. نرخ بهره مهم‌ترین اهرمی است که بانکهای مرکزی برای عقب راندن تورم در اختیار دارند. صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود بر این اهرم تأکید می‌کند، ولی همزمان از یادآوری عوارض منفی ناشی از افزایش نرخ بهره نیز غافل نیست.

در سال‌های اخیر با توجه به سطح بسیار نازل تورم، نرخ بهره در همه کشورهای پیشرفته صنعتی به گونه‌ای بی‌سابقه کاهش یافت و خانوارها همچون بنگاه‌های تولیدی و دولت‌ها، اعتبارهای مورد نیاز خود را در شرایطی بسیار مساعد دریافت می‌کردند. به عنوان نمونه متقاضیان خرید خانه در اتحادیه اروپا می‌توانستند اعتبار مورد نیاز خود را با نرخ بهره‌هایی در محدوده یک تا دو درصد دریافت کنند.

زیر فشار افزایش تورم، این وضعیت به سرعت در حال تغییر است و بانکهای مرکزی نرخ بهره پایه را با شتاب بالا می‌برند. همین چهارشنبه ۲۷ ژوئیه، بانک فدرال آمریکا به منظور کنترل تورم برای چهارمین بار در پنج ماه گذشته نرخ بهره پایه را افزایش داد. در واقع بانکهای مرکزی با افزایش نرخ بهره، شرایط دستیابی خانوارها و بنگاه‌های تولیدی و دولت‌ها را به اعتبارهای بانکی دشوارتر می‌کنند، با این هدف که موتورهای محرکه تورم را از نفس بیاندازند.

ولی عوارض منفی این ابتکار را نباید از نظر دور داشت. در واقع افزایش نرخ بهره برای مقابله با تورم، به مصرف و سرمایه‌گذاری نیز ضربه می‌زند و چرخ فعالیت اقتصادی را کند می‌کند. در این شرایط شهروندان از دریافت اعتبارهای ارزان برای تأمین مالی خرید خانه محروم می‌شوند، سرمایه‌گذاران در انجام پروژه‌های خود باید بار مالی سنگین‌تری را تحمل کنند و هزینه دولت‌ها برای بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌هایشان به شدت بالا می‌رود.

اقتصادی نوظهور و دنیای در حال توسعه، به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه مقابله با تورم دست یافتند. با تلاش بانکهای مرکزی در مناطق پیشرفته، از ایالات متحده گرفته تا منطقه یورو، نرخ تورم به زیر دو درصد کاهش یافت و طی یک دوران نسبتاً طولانی در همین سطح باقی ماند. از سال ۲۰۲۱ به این سو ورق برگشته و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در این مناطق رو به افزایش گذاشت.

در مرحله نخست، مسوولان پولی و سیاسی هم در آمریکا و هم در اروپا حرکت رو به افزایش قیمت‌ها را جدی نگرفتند، آن را به سیاست‌های اتخاذ شده در دوره گسترش کووید-۱۹، که بر انبساط پولی و کمک‌های وسیع اجتماعی متکی بودند، نسبت دادند، و نتیجه گرفتند که با عقب‌نشینی این بیماری همه‌گیر و پایان حالت اضطراری، تورم متوقف خواهد شد و همه چیز به حالت عادی باز خواهد گشت. امروز دیگر از این خوش‌بینی خبری نیست. در پایان ماه ژوئن گذشته نرخ تورم سالانه هم در آمریکا و هم در انگلستان برای نخستین بار در ۴۰ سال گذشته از مرز ۹ درصد گذشت. در همان ماه ژوئن، نرخ تورم سالانه در منطقه یورو به ۸.۶ درصد رسید که بالاترین رقم در تاریخ اتحادیه پولی اروپاست. در قدرتهای نوظهور و دنیای در حال توسعه نیز میانگین نرخ تورم سالانه در سه ماهه دوم سال جاری میلادی به مرز ۱۰ درصد رسید. این فرآیند عمدتاً زاییده سیاست‌هایی است که دولت‌ها برای مقابله با کووید-۱۹ در پیش گرفتند، ولی بحران اوکراین و پیامدهای مستقیم آن، به ویژه افزایش قابل ملاحظه بهای انرژی و مواد غذایی، به تورم دامن زدند.

از سوی دیگر بخش‌های وسیعی از شهروندان که به دلیل اوج‌گیری نرخ تورم، قدرت خرید خود را از دست داده‌اند، طبعاً خواستار افزایش دستمزدهای خود هستند و برای دستیابی به این هدف بسیج شده‌اند. در این شرایط بیم آن می‌رود که بالا رفتن دستمزدها خود به عامل دامن زنده تورم بدل شود و مناطق مهمی از جهان، از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا، همچون دهه ۱۹۷۰ میلادی، در «دایره شر» گرفتار شوند که

نسخه به‌روز شده گزارش صندوق بین‌المللی پول زیر عنوان «چشم‌انداز اقتصاد جهانی»، که اواخر ژوئیه منتشر شد، افق کم و بیش تاریکی را، هم برای کشورهای پیشرفته صنعتی و هم برای قدرتهای نوظهور و دنیای در حال توسعه پیش‌بینی می‌کند.

این یکی از بدبینانه‌ترین پیش‌بینی‌های اقتصادی است که در چند سال گذشته از سوی این نهاد بین‌المللی انتشار یافته و در آن بر تردیدها و ابهام‌ها درباره زمان و چگونگی خروج از بحران تأکید شده است. عامل اصلی این بدبینی اما مجموعه رویدادهای غیر اقتصادی است که بر آینده چرخ فعالیت در جهان تأثیر می‌گذارند. بحران زاییده کووید-۱۹ ظاهراً نقطه اوج خود را پشت سر گذاشته و در مناطق گسترده‌ای از جهان زیر کنترل نسبی قرار گرفته، ولی تهاجم دوباره آن غیرممکن نیست و حتی اقتصاد بسیار نیرومند چین از سیاست‌هایی که دولت این کشور برای ریشه‌کنی این بیماری همه‌گیر به اجرا گذاشته، همچنان رنج می‌کشد.

در ورای شبح بازگشت احتمالی بحران بهداشتی، رویدادهای ژئوپولیتیک نیز به شدت بر چشم‌اندازهای اقتصاد جهانی سنگینی می‌کنند. جنگ اوکراین بسیاری از معادلات بین‌المللی را بر هم زده و با تأثیرگذاری بر شماری از بازارها به ویژه انرژی و مواد غذایی، تنش‌های تازه‌ای را در مقیاس جهانی به وجود آورده و متغیرهای زیادی را در عرصه اقتصادی دگرگون کرده است.

همچنین تنش‌های روزافزون در روابط ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین، بر آینده تجارت جهانی و زنجیره‌های تولید و مبادله تأثیر گذاشته و حتی تداوم فرآیند «جهانی شدن» را زیر پرسش برده است. در میان شاخص‌های صرفاً اقتصادی تأثیرگذار بر چشم‌اندازهای اقتصاد جهانی، بخش مهمی از گزارش تازه صندوق بین‌المللی پول بر نرخ تورم، نرخ بهره و نرخ رشد اقتصادی متمرکز شده است:

نرخ تورم: از سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی به این سو، کشورهای پیشرفته صنعتی همزمان با شمار زیادی از قدرتهای

ساده که ژئوپولیتیک بر ژئواکونومی غالب شده و سرنوشت اقتصاد جهانی در مقیاسی گسترده به فرجام تنش‌هایی گره خورده که به گونه‌ای ناگهانی روابط بین‌المللی را دربر گرفته‌اند.

کافی است به جنگ اوکراین و تأثیر آن بر کل شبکه روابط بین‌المللی از جمله در عرصه اقتصادی نگاهی بیندازیم. محروم شدن اروپا از گاز روسیه، که به مراحل بسیار حساس خود رسیده، کل بازار انرژی را در سراسر جهان زیر فشار قرار داده و بهای نفت و الکتریسته را به گونه‌ای چشمگیر بالا برده است. صدها میلیون نفر از ساکنان زمین در حال حاضر بهای سنگین این دگرگونی بزرگ را می‌پردازند. از سوی دیگر جنگ روسیه و اوکراین، دو کانون بزرگ تولید و صدور غلات به ویژه گندم، امنیت غذایی را در سراسر جهان زیر پرسش برده و به موج تورمی در جهان دامن زده است.

این رویداد بسیار بزرگ، و تنش‌های خطرناک دیگری که در گوشه و کنار سیاره زمین رو به گسترش می‌روند، ابهام‌های فراوانی را به وجود آورده‌اند و آینده‌نگری را با دشواری‌هایی چشمگیر روبرو کرده‌اند. اقتصاد جهانی و آینده آن طبعاً از این دشواری‌ها در امان نیست.

بین‌المللی پول، نرخ رشد دومین اقتصاد جهانی از ۸.۱ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۳.۲ درصد در سال جاری میلادی سقوط خواهد کرد.

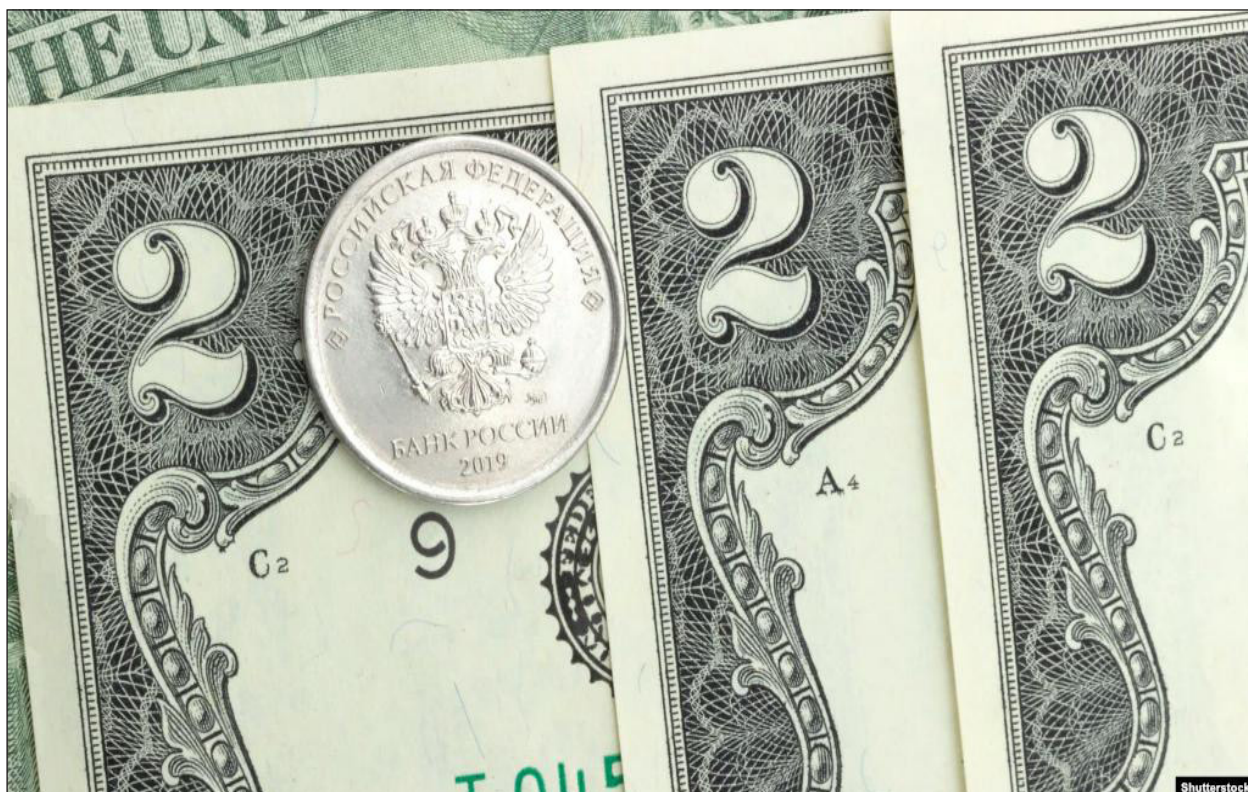
اگر این پیش‌بینی درست از آب درآید، پر جمعیت‌ترین کشور جهان با پایین‌ترین نرخ رشد خود در ۴۰ سال اخیر روبرو خواهد شد. با توجه به تأثیر چین بر اقتصاد جهانی، سقوط نرخ رشد اقتصادی در این کشور بر چرخ فعالیت در شمار زیادی از مناطق جهان تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در یک سناریوی بدبینانه‌تر، صندوق بین‌المللی پول احتمال سقوط نرخ رشد اقتصادی جهان به دو درصد در سال ۲۰۲۳ را پیش می‌کشد. اگر این سناریو محقق شود، جهان با یکی از پایین‌ترین نرخ رشد در ۵۰ سال گذشته روبرو خواهد شد. در همین سناریوی بدبینانه، نرخ رشد اقتصادی در آمریکا و اتحادیه اروپا به نزدیک صفر خواهد رسید. نرخ رشدهایی چنین نازل طبعاً خطر اوج‌گیری نرخ بیکاری را در جهان مطرح می‌کند.

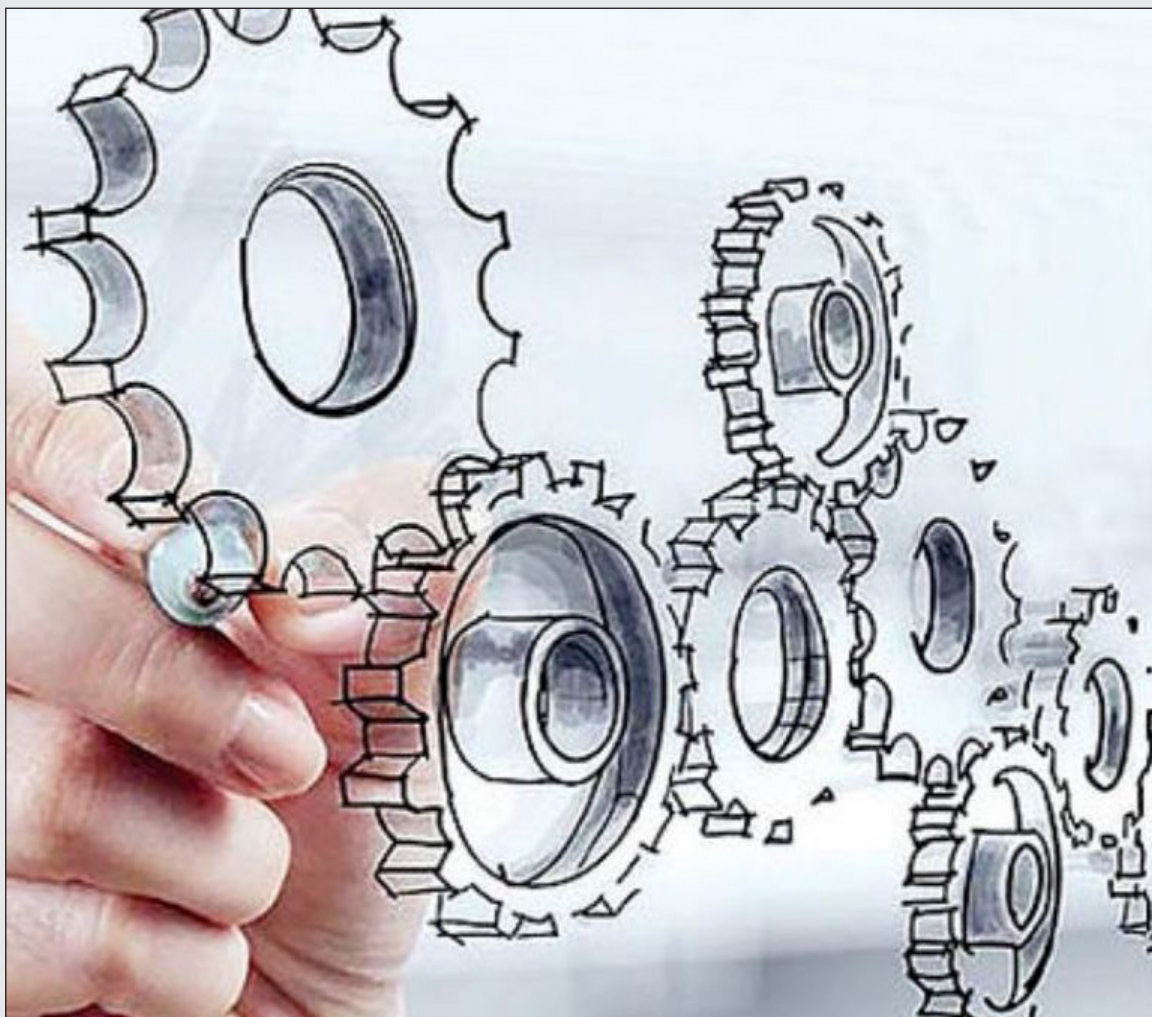
می‌بینیم که از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد جهانی در یکی دو سال آینده با چالش‌هایی بزرگ دست به گریبان است. غلبه کردن بر این چالش‌ها و خروج از بحران کار آسانی نیست، به این دلیل

در وضعیت کنونی بسیاری از دولت‌ها با یک انتخاب بسیار دشوار روبرو هستند: آیا مقابله با تورم مهم‌تر است یا حفظ و ایجاد زمینه‌های لازم برای تأمین رشد اقتصادی. افزایش نرخ بهره نشان می‌دهد که بسیاری از بانک‌های مرکزی تورم را دشمن اصلی می‌دانند، ولو آنکه این انتخاب به زیان رشد اقتصادی تمام شود. ولی این خطر وجود دارد که جهان دست کم در کوتاه‌مدت هم با تورم رو به افزایش روبرو شود و هم با نرخ رشد رو به کاهش. این همان پدیده معروف به «رکود تورمی» است که در حال حاضر اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند و شبح آن نیز بر گزارش تازه صندوق بین‌المللی پول سنگینی می‌کند.

نرخ رشد: صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود می‌گوید که نرخ رشد اقتصادی در جهان بعد از جهش ۶.۱ درصدی سال ۲۰۲۱، در سال جاری به ۳.۲ درصد کاهش می‌یابد و در سال آینده میلادی از ۲.۹ درصد بیشتر نخواهد بود. همین گزارش می‌افزاید که در سال ۲۰۲۳ نرخ رشد اقتصادی در آمریکا به یک درصد و در منطقه یورو به ۱.۲ درصد کاهش می‌یابد. آنچه به نگرانی دامن می‌زند، پیش‌بینی کند شدن آهنگ رشد اقتصادی در جمهوری خلق چین است. بر پایه ارزیابی‌های صندوق



شتاب‌گیری تهیه راهبرد توسعه صنعتی



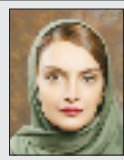
این معنی که دولت‌ها باید چارچوب و راهبردهای کلان توسعه صنعت را با توجه به ماهیت اقتصاد کلان در حال اجرا یا ماهیت اقتصاد آینده تهیه کند و به مثابه قانون و مانیفست حکومتی به شهروندان و متقاضیان سرمایه‌گذاری صنعتی اعلام کند. به این ترتیب باید معلوم شود به‌طور مثال آیا در ایران با توجه به مجموع وضعیت اقتصادی امروز کشور و متغیرهای اصلی و نیز پیش‌بینی آینده و نیز وضعیت هر صنعت در دنیا و در منطقه باید کارخانه تولید یخچال در ایران باشد یا نباشد یا میزان تولید چقدر باشد. در ایران چنین سندی تاکنون به شکل قانون درنیامده است. در دهه‌های تازه سپری شده اما در دولت اصلاحات وزارت تازه تاسیس صنایع و معادن و البته پیش از آن انجمن مدیران صنایع اقدام به تهیه راهبرد صنعتی کردند که هیچ کدام قانون نشد و بنابر این الزامی هم برای اجرا نداشت. در دولت‌های بعدی یعنی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی نیز تلاش شد راهبرد توسعه صنعتی نوشته شود که به جایی نرسید. حالا به نظر می‌رسد دولت تازه این بار نه از سوی وزارتخانه مربوطه بلکه از مسیر معاون اقتصادی رئیس‌جمهور

نگاهی به مهم‌ترین صنایع کارخانه‌ای ایران که تولیدات آنها در میان خانواده‌ها رایج و جاری است و اصولاً برای خانواده‌ها

تولید می‌شود نشان می‌دهد ایران در این باره از نظر شمار کارخانه و نیز تنوع تولید چیزی کم ندارد. به عبارت دیگر ایران همه جور کارخانه دارد. اما از سوی دیگر نیک می‌دانیم که بیشتر تولیدات کارخانه‌های ایرانی با رقابتی سرسختی در منطقه و جهان روبه‌رو هستند و اگر اقتصاد ایران عادی بود و تجارت خارجی آسان و بدون مانع بود بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل می‌شدند چون توانایی رقابتی ندارند. از طرف دیگر کارشناسان باور دارند صنایع بزرگ مثل فولاد و مس و پتروشیمی نیز به دلیل اینکه از رانت انرژی ارزان استفاده می‌کنند که البته دارد به انتها می‌رسد سرپا مانده‌اند. چرا چنین شده است؟ شماری از فعالان صنعتی در ایران باور دارند دلیل آن فقدان استراتژی توسعه صنعتی یا همان سیاست‌های صنعتی است. به

شیما ستوده

عضو هیات تحریریه



کیفیت آن بسیار گله‌مند بودند و رهنمودهای ویژه‌ای ارائه فرمودند که در جهت اجرایی شدن این رهنمودها از سوی رئیس‌جمهور به معاون اول رئیس‌جمهور ماموریت داده شد در جهت تهیه سند نقشه راهبردی صنعتی و ارتقا تولید داخل اقدام کند. در ادامه این روند از موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی خواسته شد که با توجه به جایگاه علمی و پژوهشی و سوابق مطالعات متولی تهیه این سند شود.

مشاور رئیس‌جمهور و رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی افزود: در جهت اجرای این ماموریت بلافاصله تیم کاری تشکیل و سازماندهی شد که معاون اول رئیس‌جمهور در راس این تیم است. شورای راهبری طرح نیز تشکیل و دو بخش شورای علمی و مشاورین در ذیل مجری طرح سازماندهی شده است. وی تصریح کرد: تلاش شده از افراد کارشناس حوزه صنعت و نظریه پردازان و دانشگاهیان متخصص در حوزه صنعت دعوت به عمل آید و با تشکیل دبیرخانه و کار گروه «روش‌شناسی و تلفیق» و کارگروه‌های پشتیبان بنا به تناسب رشته‌های تخصصی در لایه‌های افقی (بین بخشی) مانند نظام تامین مالی و لایه‌های عمودی به شکل تخصصی ورود شود. دکتر عادل آذر افزود: تلاش ما این است که تمام دستگاه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، پژوهشکده‌ها، اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها اگر کسی نظری حتی به شکل انفرادی در این حوزه دارد و صاحب‌نظر است، نظرش را دریافت کنیم که یک کار جمعی و مشارکتی اتفاق بیافتد. وی اضافه کرد: در چارچوب عقلانی نقشه راهبردی صنعتی به یک مجموعه شش وجهی دست یافته‌ایم که عبارتست از «اقتصاد سیاسی و عوامل حکمرانی»، «ژئوپلتیک،

و نیز از مسیر موسسه‌های آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی دنبال کار است. پرونده حاضر با استفاده از رخدادهای این موسسه درباره توسعه صنعتی تهیه شده است.

■ روند کار تهیه سند

اولین نشست تخصصی «طرح تدوین نقشه راهبردی صنعتی و ارتقا تولید داخل» با حضور معاون اقتصادی رئیس‌جمهور و جمع قابل توجهی از استادان و اندیشمندان دانشگاهی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، صاحب‌نظران و فعالان حوزه صنعت در سالن خواجه نصیرالدین طوسی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی برگزار شد.



دکتر عادل آذر رئیس موسسه در این نشست گفت: در تاریخ دهم بهمن سال ۱۴۰۰ که تولیدکنندگان و فعالان صنعتی با مقام معظم رهبری دیدار داشتند معظم‌له در خصوص وضعیت صنعت و



اولین مساله موضوع ژئوپلیتیک ایران است درس‌های بسیار مهم و تلخی در تاریخ گذشته در ارتباط با اراده و دخالت‌های خارج از ایران در محدود کردن پیشرفت ایران و کمک نکردن به توسعه ایران پیش آمده است. ما نمی‌توانیم آنها را در نظر بگیریم و استراتژی توسعه نمی‌تواند به این مساله توجه نداشته باشد.

وی با اشاره به مجموع گسست‌های اقتصاد ایران گفت: بین علم و فناوری؛ فناوری و صنعتی شدن، صنعتی شدن و تجارت در حال حاضر گسست وجود دارد؛ مجموع این گسست‌ها باعث منقطع شدن برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌شود و ما نیاز داریم با استفاده از تجارب صاحب‌نظران و ابتکارات خاص محیط اقتصادی ایران گسست‌ها را حل و فصل کنیم. معاون اقتصادی رئیس‌جمهور با اشاره حوزه روابط بین‌الملل گفت: که روابط بین‌الملل مرتب در حال تغییر و تحول است هم در ماهیت قدرت و هم در ماهیت ارتباطات بین‌المللی. زمانی که بوش به عراق و افغانستان حمله کرد، تصاویر حمله اعجاب‌انگیز بود و صحنه جنگ به مانند صحنه یک تئاتر از نمایش قدرت نظامی آمریکا آمده بود در حالی که امروزه اقتدار نظامی آمریکا کاهش پیدا کرده و حتی آثار این کاهش اقتدار در حوزه اقتصاد هم قابل مشاهده است. دکتر رضایی تصریح کرد: روابط بین‌الملل به‌شدت تغییر کرده و ما وقتی به ده سال گذشته نگاه می‌کنیم باید ده سال آینده را هم ببینیم که روابط بین‌الملل تحت تأثیر چه عواملی قرار خواهد گرفت. وی افزود: ما فرصت‌های خوبی در سراسر دنیا داریم و باید از همه ظرفیت‌ها و فرصت‌های بین‌المللی چه در غرب و چه در شرق استفاده کنیم و استراتژی صنعتی خود را محدود نکنیم. ما باید از ظرفیت‌ها استفاده کنیم و در روابط بین‌الملل خود را به چند کشور محدود نکنیم. با رویکرد واقع‌گرایانه به سوی آرمان‌های بزرگ حرکت کنیم به عبارتی پیمان روی زمین باشد و نگاهمان به آسمان. لذا از صاحب‌نظران و کارشناسان امر می‌خواهم وقت فشرده بگذارند و سند را با بهترین کیفیت تهیه و به دولت تحویل دهند.



در ادامه نشست، دکتر خداداد حسینی رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس و همچنین دکتر عیسی منصوری از همکاران تهیه‌کننده طرح نقشه راهبردی صنعت به ارایه توضیحاتی در خصوص ساختار علمی و اجرایی طرح و مبانی علمی و چارچوبی تدوین سند راهبردی صنعت پرداختند. در پایان نشست اساتید، کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه صنعت در هشت کارگروه تخصصی با عناوین «فراگیری اقتصادی»، «پایداری و تاب‌آوری»، «حکمرانی و اقتصاد سیاسی»، «ژئوپلیتیک»، «فناوری»، «تامین مالی»، «منابع انسانی» و «شبکه زنجیره ارزش، جهش و میانبر» به بحث، بررسی و ارایه راهکار در خصوص مسائل مرتبط با تدوین نقشه راهبردی صنعتی و ارتقا تولید داخل پرداختند.

فراگیری اقتصادی»، «پایداری»، «توسعه فناوری و شبکه ارزش ملی و منطقه‌ای». وی افزود: از اسفند ۱۴۰۰ بالغ بر سه هزار نفر ساعت‌ها فعالیت جدی و هدفمند داشته‌اند که منتج به یافته‌های اثرگذاری بوده و محورهایی نیز تولید شده است. در این فرایند اجرایی تعداد ۸ کارگروه (یافته‌های شش وجهی به انضمام بخش‌های منابع انسانی و نظام تامین مالی) تشکیل شده که با مشارکت صاحب‌نظران نسبت به تهیه پیش‌نویس برای محورهای تعیین شده اقدام کنند.

دکتر عادل آذر ادامه داد: از همه نخبگان و فعالان دانشگاهی و صنعتی دعوت می‌کنیم که در این کارگروه‌ها با ارایه نقطه نظرات خود ما را یاری کنند تا طبق زمانبندی ماموریت ابلاغی تا پایان تابستان سال جاری سند تهیه و تقدیم دولت شود

■ نیاز به سند راهنما



در این نشست تخصصی دکتر محسن رضایی معاون اقتصادی رئیس‌جمهور گفت: این سند اولین بار نیست که مورد توجه قرار گرفته در گذشته هم تلاش می‌کردند بتوانند در این مسیر گام‌هایی بردارند اما امروز بیش از گذشته ما نیاز داریم که یک سند راهنمایی برای سیاست صنعتی کشور داشته باشیم.

وی ادامه داد: نهاد دولت و نهاد بازار نقش مکملی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارند. کشورهایی مانند چین و کره جنوبی از نهاد دولت بیشتر استفاده کردند و هند و برزیل نیز از نهاد بازار بیشتر استفاده کردند. معاون اقتصادی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه دولت باید در این بخش ورود کند، گفت: ورود دولت نیز باید منطبق و یک چارچوب کارآمد داشته باشد اگر نامش را سیاست صنعتی بگذاریم آنگاه استراتژی صنعتی نقشه‌ای است که کمک می‌کند که دخالت دولت و سیاست آن صنعت کارآمد باشد. وی ادامه داد: حسن این نقشه و سند آن است که پلی باشد بین اراده رهبری با اجرا یعنی پلی بین سیاست‌های کلان کشور با برنامه‌های اجرایی خواهد بود. خوشبختانه شخص مقام معظم رهبری بر این موضوع بسیار تأکید داشته‌اند.

دکتر رضایی گفت: اکنون که ما در حال تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه و همچنین تهیه برنامه ۱۴۰۲ قرار داریم بهترین فرصت است که این سند آماده شود، نباید مانند گذشته به سندهای راهبردی با نگاه کتابخانه‌ای برخورد شود؛ یعنی این اسناد باید مبنای حرکت کشور باشد. وی در ادامه افزود: در این سند باید مقولاتی باشد که آرمانها را با واقعگرایی ارتباط دهد لذا بایستی از مباحث رویایی که خارج از واقعیت‌های جامعه ایران است پرهیز کنیم.

استراتژی توسعه صنعتی کشور

سخنرانان برزین جعفر تاش امیری (پژوهشگر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه) دکتر سید حبیب‌الله طباطباییان

(رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری)

اعضای پنل: دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

دبیر جلسه: دکتر علی متوسلی (عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

■ نکات اصلی

سیاست‌گذاران کشورهای دیگر بودند که این تجربه موفق برای آنها الهام بخش بود. دسته دیگر، پژوهشگران بودند که تلاش کردند ساز و کارهای حاکم بر این کشورها که منجر به نتایج موفقیت آمیز شده است را درک کنند. البته توجه به استراتژی صنعتی به معنای کلی نقش دولت در توسعه بخش‌هایی خاص از اقتصاد، بدون مناقشه هم نبوده است و همواره در جبهه در اختلاف باهم قرار داشتند. عده‌ای طرفدار زمینه‌سازی و فراهم کردن زیرساخت‌ها توسط دولت بودند تا خود مکانیزم‌های بازار و بدون اینکه انتخابی از طرف دولت انجام شود به توسعه و رشد اقتصاد منجر شود. در مقابل، عده‌ای معتقد بودند که به دلیل کم

■ رسیدن به یک فهم مشترک راهبردی یعنی یک بازمانی مورد توافق از وضعیت موجود در بین مدیران و کارشناسان اولین گام در حوزه طراحی و پیاده‌سازی استراتژی سیاست صنعتی است. ■ مراحل تدوین راهبردی توسعه صنعت کشور به ترتیب، تجسم فضای تفکر راهبردی حاکم بر صنعت کشور، انتخاب مهم‌ترین سوال‌ها و در نهایت، تدوین شیوه مناسب پاسخگویی به سوال‌های انتخاب شده است.

■ در کشور ما، بهره‌مندی از منابع طبیعی زیرزمینی مانند تفت و معادن سبب شده است سیاست صنعتی با اقبال چندانی مواجه نباشد. به دلیل هدایت رانت به سوی صنایع منابع محور و میل گروه‌های ثروت و قدرت به سرمایه - گذاری در صنایع استخراجی، صنایع منابع محور توسعه زیادی پیدا کرده و بخش کشاورزی و صنایع کارخانه‌ای ضعیف و نحیف باقی مانده است.

■ اساساً توزیع قدرت سیاسی در کشور به گونه‌ای انجام شده که امکان سیاست‌گذاری صنعتی وجود ندارد. در پی واگرایی اقتصادی سیاسی به دلیل نحوه توزیع قدرت در پارلمان، دنباله‌ای از واگرایی بحثی، پارلمان واگرا، دولت واگرا، سیاست پولی و مالی واگرا و به شکل گرفته است که در نهایت به صنعت واگرا ختم می‌شود. در چنین اکوسیستمی که تحت تاثیر یک سری کلان الگوهای اقتصاد سیاسی است هر قدر هم که اولویت‌بندی شود، بدون توجه به لایه اقتصاد سیاسی، راه به جایی نمی‌توان برد. پیش از آنکه به دنبال سیاست صنعتی بگردیم باید به دنبال مبنای توزیع قدرت سیاسی و سینیای حکمرانی و مبنای تعارض بین منافع بخشی و منافع عمومی (به عبارتی، کشمکش بین سود بنگاه و زنجیره ارزش که در کشور گسترش یافته است) باشیم و اگر سندی بتواند کاری برای اقتصاد ما انجام دهد سندی است که بتواند این واگرایی‌هایی که شاهد هستیم را به همگرایی تبدیل کند.

نشست «استراتژی توسعه صنعتی کشور» با سخنرانی آقایان برزین جعفر تاش امیری (پژوهشگر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه) و دکتر سید حبیب‌الله طباطباییان (رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری و با حضور دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر) به عنوان عضو پنل و با شرکت جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی: موضوع استراتژی توسعه صنعتی از نیمه دوم قرن بیستم و با تجربه موفق کشورهای شرق آسیا در سیاست‌گذاری موفق دولتی که منتج به توسعه بخش‌های صنعتی آنها شد، مورد توجه گروه‌های مختلف قرار گرفت. دسته اول،



سدهای قبل دچار خواهد شد؟ از جمله دلایلی که برای عدم اجرای استاد توسعه صنعتی پیشین ذکر شده می‌توان مواردی همچون، کیفیت پایین سند، عدم اعتقاد دولت‌ها به سند، فقدان منابع کافی، بحران‌های بیرونی و تغییر دولت را نام برد. اما به نظر می‌رسد که مشکل عمیق‌تر است و باید آن را در لایه اقتصاد سیاسی کشور جست‌وجو کرد. شاید سوال اصلی این باشد که چرا الیت حاکم، رویکرد توسعه گرا ندارند و حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد در اولویت آنها نیست. برای رسیدن به پاسخ این سوال به بررسی سه مبحث اقتصاد منبع محور، استقرار سیاسی و رویکرد اقتصادی مسلط می‌پردازیم.

بانک جهانی، اقتصاد کشوری را که ۲۰ درصد صادرات با درآمد دولت آن از فروش منابع طبیعی حاصل می‌شود اقتصاد منبع‌محور می‌نامد. از آنجا که عمده درآمد کشور ما از فروش منابع طبیعی مانند منابع معدنی، نفت و گاز به دست می‌آید، اقتصاد ما یک اقتصاد به‌شدت منبع‌محور محسوب می‌شود.

طبق ادبیات پژوهشی، اقتصادهای منبع‌محور با مشکلاتی مانند بیماری هلندی، نوسانات در آمدی، اثر حصار و بی‌توجهی به سرمایه انسانی مواجه هستند، در بیماری هلندی، افزایش درآمدهای حاصل از فروش منابع باعث افزایش ارزش پول شده و به دنبال آن موجب کاهش رقابت‌پذیری تولید داخل می‌شود. نوسانات درآمدی نیز به علت نوسانات قیمت کامودیتی‌ها در بازارهای جهانی روی می‌دهد و اقتصاد کلان را دچار بی‌ثباتی کرده و در نهایت به ضرر بخش تولید تمام می‌شود. مشکل دیگر اقتصادهای منبع‌محور، اثر حصار است. در این اقتصادها صنایع استخراجی و صنایعی که حول محور منابع شکل گرفته‌اند به گونه‌ای چشمگیر رشد می‌کنند. در این صنایع تخصص‌ها و حقوق‌ها بسیار بالا است ولی به علت اینکه جنس این صنایع با جنس سایر حوزه‌های اقتصادی یک کشور متفاوت است، سرریز خاصی برای بخش‌های دیگر ندارند و گوی حصار به دور این صنایع کشیده شده است. آسیب بعدی، بی‌توجهی به سرمایه انسانی است. وقتی کشوری به راحتی بتواند ارز حاصل از فروش منابع را داشته باشد دیگر انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی خود ندارد و این منابع را با طرح‌هایی مانند خدمت اجباری هدر می‌دهد. در عوض کشورهای شرق آسیا که درآمد ارزی حاصل از فروش منابع نداشتند، مجبور بودند که روی سرمایه انسانی خود حسابی ویژه باز کنند و از آن برای رشد بخش‌های مختلف اقتصاد بهره بگیرند. مجموع این رویدادها باعث می‌شود که بخش تولیدی به ویژه صنایع ساخت تضعیف شود و تحت فشار قرار گیرد.

اینکه چرا راهبردهای سیاست صنعتی اجرایی نمی‌شود به استقرار سیاسی کشور نیز برمی‌گردد. در کشورهای انقلابی با کشورهایی که احزاب مسلط دارند و دسته بزرگی از مردم طرفدار یک حزب هستند، حاکمان برای اینکه همچنان حمایت این بخش گسترده از جامعه را حفظ کنند نیازمند توزیع گسترده رانت برای اقشار و گروه‌های مختلف هستند. یعنی بر خلاف دولت‌های توسعه گرا در شرق آسیا که عموم رانت‌ها و حمایت‌ها به بخش تولیدی و مولد، سرمایه‌گذاری صنعتی و کارگران صنعتی می‌رسد، در اینجا

و کاستی‌های ساز و کار بازار مانند شکست بازار، لازم است دولت به‌طور انتخابی مداخله کند و توسعه بخش‌هایی که برای رشد و توسعه کشور موثرتر است را در دستور کار قرار دهد. اگرچه مدتی بحث توسعه صنعتی در جریان اصلی اقتصاد کنار رفته بود اما در سال‌های اخیر با گسترش داده‌های دقیق‌تر در سطح خرد و بنگاه‌ها، بخشی از پژوهشگران اقتصادی به مطالعه موضوع استراتژی صنعتی و تجربه کشورهایمانند کره جنوبی و ارایه توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران روی آورده‌اند و در عرصه سیاست‌گذاری در کشور ما نیز اقبال به موضوع استراتژی صنعتی افزایش یافته است. هدف این نشست آن است که از نظرات کارشناسان و محققانی که در این حوزه صاحب‌نظر هستند، استفاده کرده و تصویری جامع از ابعاد مختلف توسعه صنعتی به دست آوریم.

برزین جعفر تاش امیری: طی ۲۰ سال گذشته، حداقل ۲ سند با موضوع سیاست توسعه صنعتی در ایران تدوین شده است. اما این استاد هیچ‌گاه در سیاست‌ها مورد حمایت واقع نشده است. اکنون که پنجمین سند توسعه صنعتی کشور نیز در حال نگارش است این پرسش مطرح می‌شود که آیا این سند نیز به سرنوشت



سرمایه‌گذاری حرکت دهد و سرمایه‌گذاری باید در دارایی‌های واقعی داخلی و خارجی باشد، تا هنگامی که پول‌ها در بخش مصرف خرج می‌شود، پولی برای اجرای سیاست‌های صنعتی نخواهیم داشت.

در راستای مدیریت توسعه‌ای رانت منابع در ایران، یک سیاست صنعتی موفق باید دارای اجزای سه‌گانه شامل سیاست تجاری، سیاست ارزی و سیاست یادگیری باشد، در سیاست تجاری باید حمایت تعرفه‌ای، محدودیت واردات و یارانه صادرات، هم جهت با اولویت‌های صنعتی وجود داشته باشد. در سیاست ارزی نباید ارزش پول ملی از سطح بهره‌وری اقتصاد فاصله بگیرد. باید نوسانات نرخ ارز کنترل و به ویژه در دوران وفور درآمدهای ارزی، این نرخ مدیریت شود. در سمت عرضه نیز باید به سیاست‌های یادگیری توجه زیادی کرد. بنگاه‌ها برای یادگیری شیوه تولید، استخدام متخصصان خارجی، به روز کردن رویه‌های سازمانی، تحقیق و توسعه و خرید تجهیزات باید مورد حمایت قرار گیرند.

دکتر سید حبیب‌الله طباطباییان: متأسفانه ما از استراتژی‌های صنعتی خود که در سال‌های گذشته اتخاذ شده است راضی نیستیم و این پرسش مطرح می‌شود که چرا از استراتژی‌های تدوین شده قبلی رضایت نداریم؟ آیا استراتژیست‌ها خوب نبوده‌اند؟ آیا متدولوژی تدوین خوب نبوده است؟ آیا شرایط کشور درست احصاء شده بود؟ به نظر نمی‌رسد که اینطور باشد. به علاوه، این نارضایتی تنها به صنعت محدود نمی‌شود و از استراتژی‌های دیگر مانند استراتژی فرهنگی کشور و استراتژی حفظ محیط زیست هم راضی نیستیم. پس مشکل کجاست؟ به نظر می‌رسد که مشکل برمی‌گردد به اینکه ما پاسخ سوال‌های خود را در اسناد استراتژی‌های قبلی پیدا نمی‌کنیم. مثلاً پاسخ این سوال که چرا مردم برای خرید خودرو باید صف بکشند یا در قرعه کشی چند میلیون نفری شرکت کنند و نتوانند یک خودروی با کیفیت پایین یا متوسط را هم بخرند؟

بررسی‌های متعدد ما، چه در مواجهه با موضوعات داخلی و چه مسائل و فرصت‌های خارجی، نشانگر آن است که همواره انتخاب سوال مهم‌تر از پاسخ دادن به سؤال است، زیرا این سوال است که ارزش حل مساله را نمایان می‌کند و نحوه پاسخ به سئوالات است که متدولوژی را تبیین می‌کند. حال یک سوال مینایی وجود دارد و آن اینکه، در مواجهه با موضوعات مختلف، سوال‌های مهم چگونه طراحی می‌شوند یا از کجا سرچشمه می‌گیرند؟

نحوه توافق در انتخاب مهم‌ترین سوال‌ها، منوط به رسیدن به یک فهم مشترک راهبردی است. فهم راهبردی مشترک، یک بازنمایی مورد توافق از وضعیت موجود است که موجب همگرایی مدیران و کارشناسان در حوزه طراحی و پیاده‌سازی راهبردی می‌شود. مهم‌ترین عناصر سازنده یک فهم مشترک راهبردی شامل ۱- توافق در خصوص مفهوم توسعه صنعتی، ۲- شناخت مهم‌ترین بازیگران یک حوزه راهبردی، ۳- درک درست تحولات محیطی، ۴- شناخت محدودیت‌های اصلی چه در داخل یا خارج کشور و ۵- احصاء مهم‌ترین پیش فرض‌ها، بایدها و نبایدهای هر کشور، می‌شود. با رسیدن به چنین تفاهمی می‌توانیم امیدوار باشیم که

به صورت بسیار گسترده رانت توزیع می‌شود که باعث کسری بودجه و در نتیجه بی‌ثباتی اقتصاد کلان شده و در نهایت بر بخش تولیدی و مولد فشار می‌آورد. به علاوه، اگر در یک کشور در حال توسعه با منابع محدود بخواهید برای عمده گروه‌های اجتماعی رانت توزیع کنید دیگر رانتی برای سیاست صنعتی و حمایت از تولید باقی نمی‌ماند.

برای مثال در کشور ما برای حمایت از صنعت خودروسازی انحصار ایجاد شد تا این صنعت بخشی از سودی که کسب می‌کند را برای پیشرفت و رسیدن به خودروسازی‌های جهان سرمایه‌گذاری کند. از طرف دیگر برای انحصارزایی با ایجاد نهادهایی مانند شورای رقابت دست به قیمت‌گذاری خودرو زده شد. در حقیقت، تمایل ما به سیاست‌های توزیع رانت اجتماعی و حمایت از اقشار مختلف مردم باعث شد که آن سود اضافه که قرار بود خودروساز صرف سرمایه‌گذاری کند را از او گرفته و خودروساز را مجبور کنیم که با قیمت پایین محصول خود را بفروشد. این کار یکی از عوامل بزرگ ضرر کنونی دو خودروساز معروف ما است.

رویکرد اقتصادی مسلط در دنیا در دهه ۶۰ میلادی سیاست‌های حامی تولید بود. بنابراین در آن دوره، هم در ایران و هم در کشورهای دیگر دنیا مانند هند، ترکیه و پاکستان سیاست‌های صنعتی، رویکرد مرسوم و فراگیر بود. اما رویکرد اقتصادی مسلط از دهه هشتاد میلادی تا امروز سیاست‌های حامی بازار بوده است. کشور ما نیز از این موضوع اثر پذیرفته و نهادهایی مانند سازمان خصوصی‌سازی و شورای رقابت و بحث‌هایی از قبیل بهبود فضای کسب و کار، تنظیم‌گری و شفافیت، نمونه‌ای از آن است. بر این اساس، یکی از دلایلی که ما اقبال چندانی به سیاست صنعتی نداشته‌ایم آن است که در این سال‌ها سیاست صنعتی در دنیا مرسوم و پررنگ نبوده است.

بنا بر آنچه گفته شد، مجموع سه موضوع نفرین منابع، استقرار سیاسی و رویکرد مسلط اقتصادی سبب شده است که در کشور ما به سیاست صنعتی توجه زیادی نشود و در نتیجه، به دلیل هدایت رانت به سوی صنایع منابع محور و میل گروه‌های ثروت و قدرت به سرمایه‌گذاری در صنایع استخراجی، صنایع منابع محور توسعه زیادی پیدا کنند و بخش کشاورزی و صنایع کارخانه‌ای ضعیف و نحیف باقی بمانند. در چنین اکوسیستمی که تحت تأثیر یک سری کلان الگوهای اقتصاد سیاسی است هر چقدر که اولویت‌بندی شود، بدون توجه به لایه اقتصاد سیاسی، راه به جایی نمی‌برد. چون اولاً پولی برای حمایت از دیگر بخش‌ها مانند صنایع کارخانه‌ای وجود ندارد و همه پول‌ها یا به سمت یارانه‌ها، خدمات اجتماعی و نهادهای فرهنگی یا به سمت صنایع منابع محور رفته است. دوم اینکه توجه و تمرکز حاکمیت به سمت صنایع کارخانه‌ای نیست. برای مثال از تمام پروژه‌های سازمان گسترش و نوسازی صنایع کشور به عنوان متولی اصلی سیاست صنعتی کشور تنها دو یا سه پروژه در حوزه صنایع کارخانه‌ای هست.

راهبرد صنعتی شدن ایران در صحنه عمل باید این رویکرد را داشته باشد که درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی را از سمت مصرف (مانند یارانه مصرف‌کننده و مخارج جاری دولت) به سمت

جمعیت نیروی انسانی تغییر کرده است. افزایش چشمگیر نیروی تحصیل کرده در اقتصاد کشور و افزایش تقاضا برای مشاغل تخصصی با درآمدهای بیشتر، ضرورت توسعه صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته که نیازمند اشتغال افراد متخصص بیشتری است را گوشزد می‌کند.

سبک زندگی مردم ایران تغییر کرده است. تغییر الگوی مصرف، وجود تنوع سلاقی و تشدید مصرف گرایی در کشور، لزوم تغییر الگوی توسعه صنعتی متناسب با تنوع سلاقی و نیازهای متنوع مردم و لزوم ورود جدی به تولید سفارشی و منعطف محصولات و خدمات را بیشتر کرده است. بنابراین لازم است جایگاه صنعت در اقتصاد ملی مورد بازنگری اساسی قرار گیرد. در وضعیت فعلی نه تنها صنعت قهرمان توسعه ملی نیست بلکه در جایگاه یکی از متهمان اصلی مشکلات جاری قرار گرفته است.



ما در ایران به عصر پیامدها رسیده‌ایم، عدم توجه مناسب به اثرات اجتماعی و زیست محیطی توسعه صنعتی موجب بروز خسارت‌های جدی در کشور شده است. اغلب مشکلات امروز ما، ناشی از همان راه‌حل‌های دیروز هستند. مداخلات اشتباه، به ویژه توسط دولت‌ها، یک ملاحظه مهم در تدوین هر راهبرد اصلاحی است. به دلیل محدودیت منابع (اعم از تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر)، نیاز به جبران پیامدها، از مهم‌ترین دغدغه‌ها در مسیر توسعه صنایع خواهد بود.

موضوعات ژئوپلیتیک نیز بر شرایط ایران همواره موثر بوده است. تحریم‌ها تا زمانی که موثر باشند، هرگز برداشته نخواهند شد و باید در کنار تحریم زندگی کرد. با این وجود، الحاق به پیمان شانگهای و کشورهای متحدالمنافع و مانند آنها فرصت جدی برای حضور در زنجیره‌های تولید جهانی است که ناپیوستی مورد غفلت قرار گیرد. پارادوکس حضور در زنجیره‌های جهانی تولید در کنار وجود

وقتی سند استراتژی صنعتی تهیه شد به سرنوشت اسناد قبلی دچار نشود.

برای رسیدن به یک فهم راهبردی مشترک، ابتدا باید مروری بر مهم‌ترین تحولات اثرگذار بر توسعه صنایع، الگوی کسب درآمد و الگوی توزیع ارزش افزوده در جهان داشته باشیم، امروزه چهار پدیده شامل تحولات فناورانه که ماهیت توسعه صنایع را دگرگون کرده است؛ تحولات ژئوپلیتیک که منجر به تغییر الگوی تقسیم کار جهانی در صنایع شده است؛ جهانی شدن که سبک زندگی و رفتار مردم را تغییر داده است و همچنین، تغییرات اقلیمی، مهم‌ترین تحولات اثرگذار بر توسعه صنایع در جهان هستند.

الگوی کسب درآمد در جهان امروز ما تغییر کرده است. اکنون شاهد جایگزینی شرکت‌های صنعتی مبتنی بر فرآوری مواد اولیه با شرکت‌های فعال در صنعت فرآوری اطلاعات همچون گوگل در فهرست مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی و اهمیت روز افزون تولید محصولات و خدمات اعتباری در مقابل محصولات و خدمات فیزیکی، همچون درآمد بیشتر صنعت سرگرمی در مقابل بسیاری از صنایع معدنی هستیم. در چنین شرایطی، افزایش تنوع در تولید محصولات جدید و نوآورانه برای خروج از رقابت‌های پرهزینه و توجه بیشتر به حوزه‌های تولیدی با ارزش افزوده بیشتر و رقابتی کمتر مانند مسیریابی هوشمند در ترافیک، منطقی به نظر می‌رسد. الگوی توزیع ارزش افزوده در جهان شامل سه بخش ۱- طراحی، ۲- ساخت و ۳- مدل کسب و کار است. در اغلب حوزه‌های صنعتی، تولید کاری پرزحمت با حاشیه سود اندک است، لذا تولید در مقیاس، استراتژی جیرانی این نقیصه به شمار می‌رود. به دلیل تکثر سلاقی مختلف در مصرف، اهمیت نقش طراحی در فرآیند تولید را دو چندان کرده است (برای مثال صنعت تولید لباس و نقش بی‌نظیر طراحی در آن و با گسترش شبکه تبادلات اقتصادی در سطح بین‌الملل در کنار تحول فناوری‌های نوظهور به ویژه ظهور پلتفرم‌های دیجیتالی، تنوع در مدل‌های کسب و کار به صورتی بی‌سابقه گسترش یافته است (برای مثال، صنعت حمل و نقل و نقش بسیار مهم مدل کسب و کار تاکسی‌های اینترنتی).

اکنون به بررسی گزاره‌هایی از وضعیت ایران خواهیم پرداخت تا به یک فهم راهبردی مشترک برسیم. ابتدا نگاهی به بخش مهمی از اقتصاد ایران یعنی صادرات نفت می‌اندازیم. افزایش تولید نفت اقتصادی به ویژه توسط آمریکا، افزایش میزان تولید انرژی‌های جایگزین نفت به ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تقاضای جهانی برای نفت ایران، افزایش مصرف داخلی نفت و گاز در کنار محدودیت افزایش تولید و در نتیجه کاهش صادرات و در نهایت، تحریم و کاهش جدی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ایران، سبب شده است که توسعه صنعتی کشور دیگر نتواند متکی به دلارهای نفتی صورت پذیرد و الگوی سرمایه‌گذاری دولتی منگی به دلارهای نفتی برای توسعه صنعت باید تغییر کند. بنابراین، حرکت به سوی جذب سرمایه از طریق منابع غیردولتی مانند بخش خصوصی و جذب سرمایه خارجی برای توسعه صنعت کشور ضروری است.

نگاهی به هرم سنی جمعیت ایران حاکی از آن است که ترکیب

هستند و اغلب علی رغم تبلیغات و تخفیف‌های بسیار در جذب مشتری به اندازه مناسب، ناموفق هستند. این اتفاق عمدتاً به خاطر سرمایه‌گذاری بالا بدون توجه لازم به بازار تقاضا و عدم توازن ظرفیت واحدهای مختلف صنعتی در یک زنجیره ارزش، رخ می‌دهد.

۳- صنایعی با ظرفیت تولید بزرگ و با تقاضای بالا. مانند بسیاری از صنایع با الگوی تولید انبوه همچون پتروشیمی‌ها، تولید سیمان، تولید برق و مانند آنها که علی رغم برخورداری از رانتهای بسیار و وجود بازار بزرگ داخلی زیان‌ده هستند. شاید علت این امر نگیه بیش از حد بر استفاده از منابع داخلی و عدم طراحی دقیق و در مقیاس‌های بزرگ به منظور دستیابی به قیمت پایین و کیفیت مناسب باشد.

۴- صنایعی با ظرفیت تولید کم و همچنین تقاضای کم در بازار. برخی از این صنایع روز گاری صنایعی پرمنفعت و مفید بوده‌اند ولی به دلیل ظهور صنایع رقیب، سهم بازار خود را از دست داده و به حاشیه رفته‌اند.

بدون شک شناخت صحیح دلایلی که منجر به بروز وضع فعلی شده‌اند، یکی از مهم‌ترین ارکان طراحی سیاست صنعتی مناسب برای کشور است تا از این طریق مانع از تکرار اشتباهات فوق شویم. همانطور که عرض شد دلایل افتادن در شرایط موجود در هر یک از چهار دسته صنعت مورد اشاره به نحو قابل توجهی متفاوت است. به بیان روشن‌تر، یک راه‌حل کلی و قابل تعمیم برای حل مشکلات صنایع کشور وجود ندارد بلکه بایستی برای هر دسته از صنایع و حتی برای هر صنعت در یک دسته خاص نیز به دنبال راه‌حل‌های اختصاصی بود.

اکنون با داشتن تصویری از وضعیت موجود می‌توان الگوی پایه تدوین راهبرد صنعتی ایران را ترسیم کرد. اگر چه در برخی از حوزه‌های تولید کشور هنوز حلقه‌های مفقوده‌ای وجود دارد ولی در اغلب حوزه‌ها، ظرفیت‌های خالی قابل توجهی وجود دارد که مستقر در زیرساخت‌هایی فایل اکتاء هستند، در تدوین راهبرد صنعتی باید کانون توجه توسعه صنعتی کشور در هر حوزه فعالیت به بخش‌های قبل و بعد از خط تولید معطوف شود. در قبل از تولید، توجه خاص به طراحی‌های متنوع به کمک حضور شرکتهای دانش بنیان لازم است؛ در خط تولید، توجه ویژه به افزایش انعطاف‌پذیری برای تولید سفارشی مبتنی بر تقاضا و متنوع به کمک توسعه صنعت ماشین‌سازی و در بعد از تولید، اصلاح مدل‌های کسب و کار برای بهبود روش‌های بازاریابی محصولات صنعتی و حضور مناسب در زنجیره ارزش جهانی اهمیت دارد.

در جمع‌بندی باید به دو بخش مهم در روش تدوین راهبرد صنعتی اشاره کرد. بخش اول، فرآیند طراحی و تدوین استراتژی مستقل از موضوع صنعت است که شامل ۱- انتخاب حوزه‌های راهبردی (صنایع منتخب با حوزه‌های مهم اثرگذار بر صنایع مختلف، ۲- مشارکت خبره‌ترین افراد در حوزه راهبردی، ۳- احصاء چالش‌ها و راه‌حل‌ها در هر حوزه راهبردی، ۴- تدوین برنامه تحول می‌شود. بخش دوم نیز محتوای فرآیند یعنی فهم مشترک راهبردی از تجسم فضای حاکم، تجسم مفهوم رقابت در بخش‌های مختلف تولیدی، شناخت پیشران‌های کسب و کار در هر بخش

تحریم‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیک، یک مبارزه جدی فکری و خلاقانه را می‌طلبد. بسیاری از دوگانگی‌های فوق بر خلاف تصور عمومی راه‌حل‌های تخصصی و به ویژه فناورانه مانند استفاده از رمز ارزها، پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه و تهاتر دارند و نایبستی با ساده انگاری و عقب‌نشینی سیاسی تن به زیاده خواهی دشمنان داد.

اکنون الگوی مداخلات دولت در ایران باید تغییر کند. به دلیل کاهش درآمدهای ارزی، دولت دیگر نمی‌تواند مجری و تامین‌کننده منابع حتی در حوزه زیرساخت و کالاهای عمومی باشد. البته دولت‌ها نه فقط در ایران، بلکه در اغلب کشورهای جهان، به دولت‌هایی قاعده گذار و تنظیم‌گر تبدیل شده‌اند. دوره دخالت‌های مستقیم برای ایجاد صنایع دولتی به پایان رسیده است و شاید تنها در بخش‌های حیاتی مثل صنایع دفاعی و راهبردی، حضور دولت به عنوان سرمایه‌گذار توجیه پذیر باشد و در سایر بخش‌ها دولت نیازمند زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌های خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی است.

طبق الگوی توزیع ارزش افزوده، صنعت ایران در مرحله ساخت قرار دارد. اما در شرایط خاص ایران، در اغلب حوزه‌های صنعتی درآمد کمتر از صنعت مشابه و حاضر در یک زنجیره ارزش جهانی است. در نتیجه صنعت فعلی نمی‌تواند با اتکاء به درآمدهای خود اقدام به نوسازی کرده و در نتیجه توانایی رقابت با صنایع مشابه را از دست می‌دهد. متأسفانه این صنایع برای بقای خود ناچار به کاهش کیفیت تولید برای جبران هزینه‌ها و به تبع آن افزایش هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی می‌شوند. بنابراین این الگوی توسعه صنعتی محکوم به شکست است.

مشاهده دیگر ما از وضعیت ایران حاکی از مشاهده مدافعان حفظ وضع موجود در ایران است. با وجود عدم رضایت عموم مردم و مسئولان از وضعیت فعلی صنعت در کشور، برخی بنگاه‌های تولیدی و ذی‌نفعان آنها که از انواع امتیازات خاص و رانت همچون انحصار، منابع با قیمت ارزان برخوردارند، در حفظ وضع موجود منافع بسیاری دارند. این موضوع نشان‌دهنده تعارض منافع بخشی با منافع ملی در ایران است. بنابراین مقدمه هر گونه اقدام اصلاحی، اصلاح این زنجیره‌های ضد ارزش در صنعت کشور است.

صنایع با توجه به حوزه فعالیت خود، فناوری‌های مورد استفاده، ویژگی‌های بازار مرتبط و بالاخره شرایط اقتصادی و اجتماعی زنجیره ارزش مربوطه از یکدیگر متفاوت هستند. در یک دسته‌بندی بر مبنای ظرفیت تولید و تقاضا صنایع به چهار گروه زیر تقسیم شده‌اند:

۱- صنایعی با ظرفیت تولیدی کمتر از تقاضا مانند صنعت خودرو در این دسته از صنایع تقاضای خرید با وجود کیفیت بعضاً نامناسب) بسیار بالاتر از تولید است. با این وجود تولیدکننده میلی به استفاده حداکثری از ظرفیت تولید خود ندارد چه رسد به آنکه اقدام به سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت کند. علت این رفتار به عواملی از قبیل قیمت‌گذاری دستوری و وجود بازار کاذب با سوداگرانه برمی‌گردد.

۲- صنایعی با ظرفیت تولیدی بیشتر از تقاضا همچون صنعت فرش ماشینی این دسته از صنایع با مازاد ظرفیت تولید مواجه

نشست استراتژی توسعه صنعتی کشور برگزار شد



نشست «استراتژی توسعه صنعتی کشور» با سخنرانی آقایان برزین جعفر تاش امیری (پژوهشگر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه) و دکتر سید حبیب‌الله طباطباییان (رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری) و با حضور دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر) به عنوان عضو پنل و با شرکت جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان به صورت آنلاین برگزار شد.

در این نشست دکتر علی متوسلی گفت: موضوع استراتژی توسعه صنعتی از نیمه دوم قرن بیستم و با تجربه موفق کشورهای شرق آسیا در سیاست‌گذاری موفق دولتی که منتج به توسعه بخش‌های صنعتی آنها شد، مورد توجه گروه‌های مختلف قرار گرفت. دسته اول، سیاست‌گذاران کشورهای دیگر بودند که این تجربه موفق برای آنها الهام بخش بود. دسته دیگر، پژوهشگران بودند که تلاش کردند سازوکارهای حاکم بر این کشورها که منجر به نتایج موفقیت آمیز شده است را درک کنند.

مدیرکل دفتر خدمات پژوهشی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی افزود: عده‌ای طرفدار زمینه‌سازی و فراهم کردن زیرساخت‌ها توسط دولت بودند تا خود مکانیزم‌های بازار و بدون اینکه انتخابی از طرف دولت انجام شود به توسعه و رشد اقتصاد منجر شود. در مقابل، عده‌ای معتقد بودند که به دلیل کم و کاستی‌های سازوکار بازار مانند شکست بازار، لازم است دولت به‌طور انتخابی مداخله کند و توسعه بخش‌هایی که برای رشد و توسعه کشور موثرتر است را در دستور کار قرار دهد. اگرچه مدتی بحث توسعه صنعتی در جریان اصلی اقتصاد کنار رفته بود اما در سال‌های اخیر با گسترش داده‌های دقیق‌تر در سطح خرد و بنگاه‌ها، بخشی از پژوهشگران اقتصادی به مطالعه موضوع استراتژی صنعتی و تجربه کشورهایی مانند کره جنوبی و آرایه توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران روی آورده‌اند و در عرصه سیاست‌گذاری در کشور ما نیز اقبال به موضوع استراتژی صنعتی افزایش یافته است.

وی گفت: هدف از این نشست آن است که از نظرات کارشناسان و محققانی که در این حوزه صاحب نظر هستند، استفاده کرده و تصویری جامع از ابعاد مختلف توسعه صنعتی به دست آوریم.

وی افزود: بانک جهانی، اقتصاد کشوری را که ۲۰ درصد صادرات یا درآمد دولت آن از فروش منابع طبیعی حاصل می‌شود اقتصاد منبع محور می‌نامد. از

تولید (قبل، حین و پس از خط تولید و احصاء نظام مسائل در هر دسته از صنایع می‌باشد).

بنا بر آنچه گفته شد، مراحل تدوین راهبردی توسعه صنعت کشور عبارت است از:

• تجسم فضای تفکر راهبردی حاکم بر صنعت کشور

• انتخاب مهم‌ترین سوال‌ها

• تدوین شیوه مناسب پاسخگویی به سوال‌های فوق

دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده: در مورد اقتصاد سیاسی مساله قدری پیچیده‌تر از آن است که گفته شد. اساساً توزیع قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی به گونه‌ای انجام شده که امکان سیاست‌گذاری صنعتی وجود ندارد. برای مثال ساختار پارلمان ما به صورتی است که نمایندگان مجلس بدون داشتن هیچ فصل مشترک با نقطه کانونی که بتواند در بلندمدت نظرات آنها را همسو کند رای می‌آورند. به علاوه، هر یک از وزیران به صورت مجزا در مقابل نمایندگان پاسخگو هستند و مشکلات خود را با یکدیگر حل می‌کنند. در حالی که در بسیاری از کشورهایی که تجربه دموکراسی دارند، کابینه را به این شکل تکه تکه نمی‌کنند و بسیاری از مسائل کشور باید از طریق طرح‌های مشترک بین وزارتخانه‌ها و بخش‌های مختلف دولت حل و فصل شود ولی این اتفاق در ایران نمی‌افتد و ما در واقع هیات وزیران داریم، نه کابینه دولت. بنابراین این واگرایی که در دولت‌ها وجود دارد و ناتوانی دولت‌ها در حکمرانی زنجیره‌های ارزش و حکمرانی معطوف به سیاست صنعتی به ساختار پارلمان و توزیع قدرت برمی‌گردد. بنابراین ما شاهد بحران واگرایی در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی هستیم و رانت‌ها از بد مرکزیت حکومت خارج است.

همان‌طور که اشاره شد، در کشور ما تعارض بین منافع بخشی و منافع عمومی که من آن را کشمکش بین سود و ارزش نام‌گذاری می‌کنم گسترش یافته است. یعنی زنجیره ارزش در کشور ما شکل نمی‌گیرد چون سود در بنگاه‌ها به گونه‌ای تعریف شده که هر نگاهی به دنبال بیشینه کردن منافع خود است و این سوددهی در قالب زنجیره ارزش قرار نگرفته است.

با توجه به وجود واگرایی اقتصاد سیاسی به دلیل نحوه توزیع قدرت در پارلمان، دنباله‌ای از واگرایی یعنی، پارلمان و اگر، دولت و اگر، سیاست پولی و مالی و اگر... شکل گرفته است که در نهایت به صنعت و اگر ختم می‌شود. شاخه اصلی در صنعت ما یعنی شاخه خام فروشی و مبتنی بر منابع، در بالادست تکثیر شده و به پایین دست گسترش نیافته است. شاخه کارخانجات تولیدی ما هم با همان انگاره دهه ۴۰ که مبتنی بر جایگزینی واردات بود و بدون رعایت صرفه در مقیاس ادامه می‌دهد و اقتصاد ملی ما باید تاوان تولید زیر ظرفیت، هزینه‌های غیرقابل جذب، تحقیق و توسعه از دست رفته و در نهایت، فناوری ممکن نشده اینها را بپردازد.

بنابراین ما بیش از آنکه به دنبال سیاست صنعتی بگردیم باید به دنبال مینای توزیع قدرت سیاسی و مبنای حکمرانی و مبنای کشمکش بین سود و ارزش باشیم و اگر سندی بتواند کاری برای اقتصاد ما بکند سندی است که بتواند این واگرایی‌هایی که شاهد هستیم را به همگرایی تبدیل کند.

آنجا که عمده درآمد کشور ما از فروش منابع طبیعی مانند منابع معدنی، نفت و گاز به دست می‌آید، اقتصاد ما یک اقتصاد به شدت منبع محور محسوب می‌شود.

پژوهشگر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه اضافه کرد: مشکل دیگر اقتصادهای منبع محور، اثر حصار است. در این اقتصادها صنایع استخراجی و صناعی که حول محور منابع شکل گرفته‌اند به گونه‌ای چشمگیر رشد می‌کنند. در این صنایع تخصص‌ها و حقوق‌ها بسیار بالا است ولی به علت اینکه جنس این صنایع با جنس سایر حوزه‌های اقتصادی یک کشور متفاوت است، سرریز خاصی برای بخش‌های دیگر ندارند و گویی حصاری به دور این صنایع کشیده شده است. آسیب بعدی، بی‌توجهی به سرمایه‌انسانی است. وقتی کشوری به راحتی بتواند ارزش حاصل از فروش منابع را داشته باشد دیگر انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی خود ندارد. مجموع این رویدادها باعث می‌شود که بخش تولیدی به ویژه صنایع ساخت تضعیف شود و تحت فشار قرار گیرد.

وی گفت: راهبرد صنعتی شدن ایران در صحنه عمل باید این رویکرد را داشته باشد که درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی را از سمت مصرف (مانند یارانه مصرف‌کننده و مخارج جاری دولت) به سمت سرمایه‌گذاری حرکت دهد و سرمایه‌گذاری باید در دارایی‌های واقعی داخلی و خارجی باشد. تا هنگامی که پول‌ها در بخش مصرف خرج می‌شود، پولی برای اجرای سیاستهای صنعتی نخواهیم داشت.

جعفری تاش افزود: در سیاست تجاری باید حمایت تعرفه‌های، محدودیت واردات و یارانه صادرات، هم جهت با اولویت‌های صنعتی وجود داشته باشد. در سیاست ارزی نباید ارزش پول ملی از سطح بهره‌وری اقتصاد فاصله بگیرد. باید نوسانات نرخ ارز کنترل و به ویژه در دوران وفور درآمدهای ارزی، این نرخ مدیریت شود. در سمت عرضه نیز باید به سیاست‌های یادگیری توجه زیادی کرد. نگاه‌ها برای یادگیری شیوه تولید، استخدام متخصصان خارجی، به روز کردن رویه‌های سازمانی، تحقیق و توسعه و خرید تجهیزات باید مورد حمایت قرار گیرند.

همچنین در این نشست دکتر سید حبیب‌الله طباطباییان گفت: ابتدا باید مروری بر مهم‌ترین تحولات اثرگذار بر توسعه صنایع، الگوی کسب درآمد و الگوی توزیع ارزش افزوده در جهان داشته باشیم. امروزه چهار پدیده شامل تحولات فناورانه که ماهیت توسعه صنایع را دگرگون کرده است؛ تحولات ژئوپلیتیک که منجر به تغییر الگوی تقسیم کار جهانی در صنایع شده است؛ جهانی شدن که سبک زندگی و رفتار مردم را تغییر داده است و همچنین، تغییرات اقلیمی، مهم‌ترین تحولات اثرگذار بر توسعه صنایع

در جهان هستند. رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست‌جمهوری افزود: الگوی کسب درآمد در جهان امروز ما تغییر کرده است. اکنون شاهد جایگزینی شرکت‌های صنعتی مبتنی بر فرآوری مواد اولیه با شرکت‌های فعال در صنعت فرآوری اطلاعات همچون گوگل در فهرست مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی و اهمیت روزافزون تولید محصولات و خدمات اعتباری در مقابل محصولات و خدمات فیزیکی، همچون درآمد بیشتر صنعت سرگرمی در مقابل بسیاری از صنایع معدنی هستیم. در چنین شرایطی، افزایش تنوع در تولید محصولات جدید و نوآورانه برای خروج از رقابت‌های پرهزینه و توجه بیشتر به حوزه‌های تولیدی با ارزش افزوده بیشتر و رقابتی کمتر مانند مسیریابی هوشمند در ترافیک، منطقی به نظر می‌رسد.

وی گفت: الگوی توزیع ارزش افزوده در جهان شامل سه بخش ۱- طراحی، ۲- ساخت و ۳- مدل کسب و کار است. در اغلب حوزه‌های صنعتی، تولید کاری پرزحمت با حاشیه سود اندک است، لذا تولید در مقیاس، استراتژی جبرانی این نقیصه به شمار می‌رود. به دلیل تکرار سلاقی مختلف در مصرف، اهمیت نقش طراحی در فرآیند تولید را دو چندان کرده است (برای مثال صنعت تولید لباس و نقش بی‌نظیر طراحی در آن) و با گسترش شبکه تبادلات اقتصادی در سطح بین‌الملل در کنار تحول فناوری‌های نوظهور به ویژه ظهور پلتفرم‌های دیجیتال، تنوع در مدل‌های کسب و کار به صورتی بی‌سابقه گسترش یافته است.

دکتر طباطباییان در ادامه با اشاره به اهمیت صادرات نفت در این فرایند گفت: افزایش تولید نفت اقتصادی به ویژه توسط آمریکا، افزایش میزان تولید انرژی‌های جایگزین نفت به ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تقاضای جهانی برای نفت، افزایش مصرف داخلی نفت و گاز در کنار محدودیت افزایش تولید و در نتیجه کاهش صادرات و در نهایت، تحریم و کاهش جدی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ایران، سبب شده است که توسعه صنعتی کشور دیگر نتواند متکی به دلارهای نفتی صورت پذیرد و الگوی سرمایه‌گذاری دولتی متکی به دلارهای نفتی برای توسعه صنعت باید تغییر کند. بنابراین، حرکت به سوی جذب سرمایه از طریق منابع غیردولتی مانند بخش خصوصی و جذب سرمایه خارجی برای توسعه صنعت کشور ضروری است.

وی با اشاره به هرم سنی جمعیت ایران اظهار داشت: شرایط موجود حاکی از آن است که ترکیب جمعیت نیروی انسانی تغییر کرده است. افزایش چشمگیر نیروی تحصیل کرده در اقتصاد کشور و افزایش تقاضا برای مشاغل تخصصی با درآمدهای بیشتر، ضرورت توسعه صنایع مبتنی

بر فناوری‌های پیشرفته که نیازمند اشتغال افراد متخصص بیشتری است را گوشزد می‌کند. سبک زندگی مردم ایران تغییر کرده است. تغییر الگوی مصرف، وجود تنوع سلیق و تشدید مصرف‌گرایی در کشور، لزوم تغییر الگوی توسعه صنعتی متناسب با تنوع سلیق و نیازهای متنوع مردم و لزوم ورود جدی به تولید سفارشی و منعطف محصولات و خدمات را بیشتر کرده است. بنابراین لازم است جایگاه صنعت در اقتصاد ملی مورد بازنگری اساسی قرار گیرد. در وضعیت فعلی نه تنها صنعت قهرمان توسعه ملی نیست بلکه در جایگاه یکی از متهمان اصلی مشکلات جاری قرار گرفته است.

وی به تأثیر موضوعات ژئوپلیتیک بر شرایط ایران اشاره کرد و گفت: الحاق به پیمان شانگهای و کشورهای متحدالمنافع و مانند آنها فرصت جدی برای حضور در زنجیره‌های تولید جهانی است که ناپیوستگی مورد غفلت قرار گیرد. پارادوکس حضور در زنجیره‌های جهانی تولید در کنار وجود تحریم‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیک، یک مبارزه جدی فکری و خلاقانه را می‌طلبد. بسیاری از دوگانگی‌های فوق بر خلاف تصور عمومی راه‌حل‌های تخصصی و به ویژه فناورانه مانند استفاده از رمز ارزها، پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه و تهاوت دارند و ناپیوستگی با ساده‌انگاری و عقب‌نشینی سیاسی تن به زیاده‌خواهی دشمنان داد. دکتر طباطباییان در ادامه گفت: در تدوین راهبرد صنعتی باید کانون توجه توسعه صنعتی کشور در هر حوزه فعالیت به بخش‌های قبل و بعد از خط تولید معطوف شود. در قبل از تولید، توجه خاص به طراحی‌های متنوع به کمک حضور شرکت‌های دانش بنیان لازم است؛ در خط تولید، توجه ویژه به افزایش انعطاف‌پذیری برای تولید سفارشی مبتنی بر تقاضا و متنوع به کمک توسعه صنعت ماشین‌سازی و در بعد از تولید، اصلاح مدل‌های کسب و کار برای بهبود روش‌های بازاریابی محصولات صنعتی و حضور مناسب در زنجیره ارزش جهانی اهمیت دارد.

وی در پایان مطالب خود ضمن جمع‌بندی به دو بخش مهم در روش تدوین راهبرد صنعتی اشاره کرد. و گفت: بخش اول، فرآیند طراحی و تدوین استراتژی (مستقل از موضوع صنعت) است که شامل ۱- انتخاب حوزه‌های راهبردی (صنایع منتخب یا حوزه‌های مهم اثرگذار بر صنایع مختلف)، ۲- مشارکت خبره‌ترین افراد در حوزه راهبردی، ۳- احصاء چالش‌ها و راه‌حل‌ها در هر حوزه راهبردی، ۴- تدوین برنامه تحول، می‌شود. بخش دوم نیز محتوای فرآیند یعنی فهم مشترک راهبردی از تجسم فضای حاکم، تجسم مفهوم رقابت در بخش‌های مختلف تولیدی، شناخت پیشران‌های کسب و کار در هر بخش تولید (قبل، حین و پس از خط تولید) و احصاء نظام مسائل در هر دسته از صنایع می‌باشد.

بررسی آخرین مشکلات بخش صنعت با نگاهی به شاخص‌های کلان اقتصاد ایران

GDP



سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹ به میزان ۶/۲ واحد درصد کاهش یافته است و نرخ رشد ۱/۱ درصدی را در سال ۱۴۰۰ تجربه کرده است. با این میزان و این رقم رشد، سهم آن در نرخ رشد سال ۱۴۰۰ معادل ۰/۳ واحد درصد محاسبه می‌شود. بخش صنعت نیز در سال ۱۴۰۰ نرخ رشد ۳/۳ درصدی را رقم زده است، این در حالی است که نرخ رشد صنعت در سال ۱۳۹۹ به میزان ۷/۲ درصد بود. با این رقم و مقایسه این دو مشخص می‌شود که حدود ۴۶ درصد از نرخ رشد صنعت در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. جزئیات مربوط به تحولات بخش‌های واقعی در جدول زیر آمده است.

بر اساس برآوردهای اولیه، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ از ۱۳۹۶۱/۲ هزار میلیارد

ریال در سال ۱۳۹۹ به ۱۴۵۷۱/۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است و با این ارقام، نرخ رشد GDP کشور در سال گذشته ۴/۴ درصد اعلام شده است.

گروه صنایع و معادن یکی از بخش‌ها و گروه‌های اصلی فعالیت اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد و رشد این گروه در

شیما ستوده
عضو هیات تحریریه



جدول ۱: تحولات مربوط به بخش‌های واقعی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰

۱۴۰۰					۱۳۹۹	به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵
سال	فصل چهارم	فصل سوم	فصل دوم	فصل اول	سال	
-۲,۶	-۳,۴	-۳	-۲,۵	-۲,۳	۳,۳	گروه کشاورزی
۱۰,۱	۰,۲	۱,۷	۵,۴	۳۶,۶	۹,۶	گروه نفت
۱,۱	۵	۲,۴	-۴,۴	۱,۷	۷,۳	گروه صنایع و معادن
-۰,۴	۱,۵	-۰,۵	-۳,۶	۱	۱۴,۴	استخراج معدن
۳,۳	۴,۱	۵,۹	-۱,۹	۵,۲	۷,۲	صنعت
۳,۱	۱,۶	۳,۸	۱,۱	۶,۳	۵,۹	تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا
۵,۲	۳,۷	۶,۲	۶,۳	۴,۵	۲,۶	آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیتهای تصفیه
-۶,۹	۱۱,۹	-۱۰,۶	-۱۵,۶	-۱۱,۳	۷,۲	ساختمان
۶,۵	۷	۸,۱	۴,۱	۶,۷	۲,۲	گروه خدمات
۳,۷	۴,۹	۵	۰,۳	۴,۶	۴,۳	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه موتوری
۶,۹	۲,۲	۹,۹	۰,۴	۱۷,۳	-۱,۷	حمل و نقل و انبارداری
۲۸,۲	۲۷,۹	۳۰,۱	۲۶,۸	۲۸,۱	-۴۰,۵	فعالیت‌های مربوط به تامین جا و غذا
۱۳,۱	۷	۱۳,۹	۱۵,۳	۱۶,۵	۳۴,۱	اطلاعات و ارتباطات
-۲,۴	۱۲,۴	۷,۸	-۸,۱	-۱۷,۹	۸,۳	فعالیت‌های مالی و بیمه
۱,۱	۱,۵	۰,۹	۰,۷	۱,۲	۳,۲	فعالیت‌های املاک و مستغلات
۱۵,۸	۹,۶	۳۷,۲	۳,۱	۱۳,۲	-۱۵,۷	فعالیت‌های حرفه ای، علمی و فنی
-۲	-۰,۸	-۷	-۴,۴	۴,۷	-۳,۵	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۱۰,۷	۱۱,۹	۹,۹	۱۱,۷	۸,۸	-۲	اداره عمومی، دفاع و تامین اجتماعی
۱۴,۲	۲۰,۱	۱۵,۹	۱۳,۳	۶,۶	-۶,۳	آموزش
۱۵,۴	۱۳	۱۳,۵	۱۳,۶	۲۲,۷	-۰,۲	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۱۴,۶	۱۳,۸	۲۱,۱	۸,۵	۱۵,۹	۰,۴	هنر، سرگرمی، تفریح، ورزش و سایر فعالیتهای خدماتی
۴,۴	۵,۷	۴,۸	۱	۶,۷	۴,۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه
۳,۹	۶,۳	۵	۰,۷	۴,۴	۳,۶	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (بدون نفت)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش تحولات بخش واقعی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰

توجه در این بخش که اهداف و برنامه‌های توسعه با تکیه بر این ظرفیت‌ها هدفگذاری شده‌اند، بیان‌کننده این واقعیت است که بخش صنعت با مشکلات و مسائلی مواجه است که بدون برطرف کردن آنها، بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها امکان‌پذیر نیست و بسیار سخت است. نظر به این که بخش‌های صنعت و معدن یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شود، در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ برای این بخش نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی تعیین شده است. لذا بدون در نظر گرفتن و شناسایی آن مشکلات، دستیابی به اهداف این چینی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای این منظور در بخش بعد چالش‌ها و تنگناهای کنونی این بخش ارائه می‌شوند.

■ مسائل اساسی بخش صنعت

برای برشماری مسائل و چالش‌های بخش صنعت بعد زمان بسیار مهم است و مسائل آن در ابعاد زمانی کوتاه‌مدت،

در سال ۱۴۰۰ برآورد شده است هزینه‌های مربوط به مصرف نهایی بخش‌های خصوصی و دولتی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ به ترتیب نرخهای رشد ۳/۹ و ۸/۳ درصد داشتند و نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برغم این که در سال ۱۳۹۹ به میزان ۳/۲ درصد بود، در سال ۱۴۰۰ صفر درصد برآورد شده است. نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخشهای ساختمان و ماشین‌آلات در سال گذشته به ترتیب ۷/۱ و ۱۲/۵ درصد اعلام شده است. کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان بدلیل کاهش سرمایه ثابت ناخالص ساختمان در بخش خصوصی بود و علت افزایش تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات هم ریشه در افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات تولید داخل ریشه دارد.

مقایسه این ارقام و بررسی وضعیت آن با سال‌های نه چندان دور نشان می‌دهد که برغم وجود برخی ظرفیت‌های جدی قابل

■ مهم‌ترین اقدامات اولویت‌دار

با توجه به آنچه که در این نوشتار مطابق آمارهای استخراج شده از بانک مرکزی آمده است، نرخ رشد سرمایه‌گذاری در کشور از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و نظر به این که در اقتصاد ایران بیش از ۹۰ درصد نرخ رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود و بهره‌وری به عنوان یکی دیگر از منابع رشد در اقتصاد ایران نقش زیادی ندارد و از آنجایی که متغیر سرمایه‌گذاری با تأخیر یک تا دو ساله بر میزان تولید بخش‌های اقتصادی اثر می‌گذارد، باید برای بهبود این وضعیت برنامه‌ریزی مناسب انجام شود. نکته مهم در خصوص این متغیر بسیار مهم نحوه مدیریت سرمایه‌ها است. با علم به این که کاهش درآمدهای نفتی، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت در کشور می‌شود، اما مدیریت سرمایه‌های موجود در جامعه در چنین دوره‌هایی از اهمیت زیادی برخوردار است. تلاطم و افزایش زیاد در نرخ ارز، قیمت طلا و سودهای زیاد در بازار بورس، سرمایه‌های جامعه را از فعالیتهای مولد به سمت فعالیتهای سوداگرانه سوق می‌دهد و بدیهی است کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد منجر به کاهش تولید در بخش‌های واقعی اقتصاد می‌گردد. با توجه به نکاتی که در قسمت‌های قبل بیان شد، برای حل مسائل و مشکلات در بخش صنعت و با رویکرد کوتاه‌مدت و در قالب یک برنامه یک ساله، لازم است یک سلسله اقداماتی انجام شود تا از طریق آن با انجام یک دسته از اقدامات هدفمند و مفید بتوان ظرفیتهای خالی تولید را در برخی از رشته فعالیتهای صنعتی و معدنی فعال کرد. برای این منظور نیاز است در برخی صنایع با ماهیت انحصار طبیعی که دارای زنجیره ارزش هستند، وزارت صمت و برخی معاونت‌های آن نظیر معاونت معدنی و دفاتر صنایع فلزی و غیرفلزی و معدنی با برقراری تعامل و ارتباطات مناسب با بخش خصوصی از جمله اتاق ایران و تشکلهای مرتبط این فضا را اصلاح کنند. البته برای برون‌رفت از این وضعیت، در حال حاضر برخی از این دفاتر بخشنامه‌ها و دستورالعملهایی را از ابتدای سال صادر کردند که در مورد اجرا و نظارت بر آن هیچ اقدام جدی صورت نمی‌گیرد. یکی دیگر از اقداماتی که لازم است توسط دولت و مجلس انجام شود این است که شورای رقابت و مرکز ملی رقابت به جایگاه واقعی خود برگردد و این اختیار را داشته باشد که آراء و نظراتی را که در مورد برخی دعاوی مطرح می‌کند قابلیت اجرایی داشته باشد و ابزارهای مربوط به اجرای آن را هم در اختیار این شورا قرار دهند. در حال حاضر این شورا احکام و آرایبی را برای برخی رشته فعالیتهای صادر کرده است که به‌رغم گذشت مدت زمان زیاد توسط بنگاه‌های خصوصی اجرا نمی‌شود.

میان‌مدت و بلندمدت قابل تقسیم‌بندی هستند. مسائلی مانند فشارهای ناشی از تحریم در دهه اخیر، افزایش هزینه‌های تولید ناشی از نوسانات نرخ ارز، تحولات جهانی، فضای خاکستری حاکم بر اقتصاد به دلیل برجام و... مشکلاتی هستند که ناشی از اتخاذ تصمیم در فضای خارج از فضای کسب و کار به اقتصاد ایران فشار می‌آورد و در این قسمت بنا نداریم مسائل این بخش را در این سه بازه مشخص کنیم و فقط می‌خواهیم مسائل اساسی و کوتاه‌مدت آن را احصاء کنیم. در واقع بدنبال بیان مسائلی هستیم که پس از تعیین آنها بتوان با اقداماتی که در قالب بودجه سالیانه و برنامه یک ساله بتوان بخشی از آنها را حل و فصل کرد و یا شدت آنها را کاهش داد.

این مشکلات بشرح ذیل هستند:

■ خالی بودن ظرفیت واحدها و بنگاهها و کاهش رقابتپذیری آنها

■ کمبود نقدینگی و تأمین مالی واحدهای تولیدی

■ ناتوانی وزارت صمت در کنترل و نظارت برای اجرای مصوبات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های صادره از سوی دولت و خود وزارتخانه

■ مداخله‌ها و کنترل‌های نامشخص در بازار و در صناعی که با افزایش هزینه‌های واردات مواد اولیه برای محصولات تولیدی و افزایش تورم و سایر هزینه‌ها مانند نرخ دستمزد، به‌دنبال قیمت‌گذاری دستوری در بازار اینگونه کالاها هستند. ■ عدم دسترسی به خوراک مطمئن و پایدار در صنایع

دارای زنجیره ارزش

■ یلاتکلیفی برخی نهادها نظیر شورای رقابت و نداشتن اختیار کامل برای تصمیم‌گیری در صناعی که ماهیت انحصار طبیعی دارند (علی‌الخصوص در صنایع دارای زنجیره ارزش)

■ بهره‌وری پایین و افزایش قیمت تمام شده بدلیل به‌روز نبودن تکنولوژی و فرسودگی ماشین‌آلات مورد استفاده در برخی رشته فعالیتهای بخش و بالطبع کاهش قدرت رقابت در فضای جهانی

■ کاهش سرمایه‌گذاری و کمبود تشکیل سرمایه ثابت در بخش

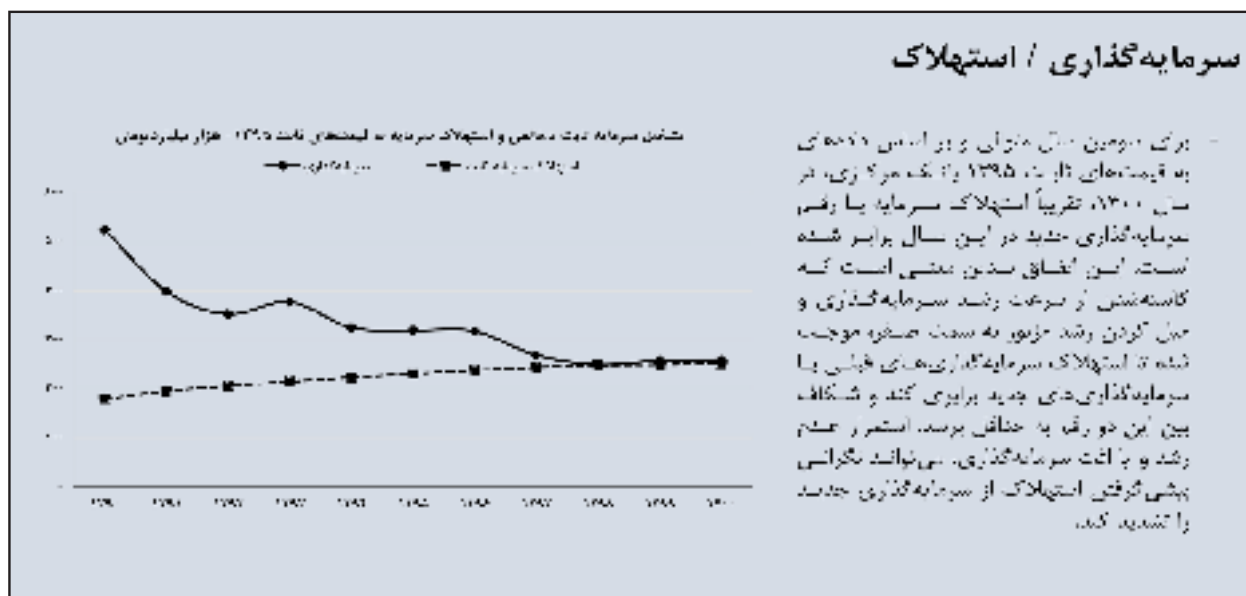
■ مشکلات مربوط به کمبود نقدینگی و تأمین مالی واحدهای تولیدی

■ وضع قوانین و بعضاً مقررات متناقض با برخی قوانین و احکام دائمی و اسناد فرادستی در قالب بودجه‌های سالیانه ■ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های مربوط به جراحی اقتصادی

■ عدم تسری تخفیف خوراک به بنگاه‌ها و واحدهای پایین‌دست در صنایع و فعالیتهایی که انحصار وجود دارد.

سد نزنند و راه ورود آن را نبندند یا به بیراهه نکشاند، هرگز سرمایه‌گذاری به زنجیر کشیده نمی‌شود. سرمایه‌گذاری مازاد درآمدهای دولت‌ها به ویژه دولت‌هایی مثل دولت‌هایی چون ایران که به درآمد نفت دسترسی دارند یک بخش مهم از جریان سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فاینانس و سایر روش‌های تامین سرمایه خارج از مرزهای یک سرزمین رودخانه‌ای است که می‌تواند تن خشک سرمایه‌گذاری ایران را تازه کند. متأسفانه هر سه راه بسته است. واقعیت تلخ این است که در دهه ۱۳۹۰ جریان سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران از هر سه محل با انجماد مواجه شده و دیری نمی‌پاید که سرمایه‌های مادی و فیزیکی انجام شده در دهه‌های تازه‌سپری‌شده به دلیل نوسازی نشدن و عدم جایگزینی و افزایش ضریب استهلاک، نیست و نابود شوند.

مریم خزاعی - اگر پای جریان سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی به زنجیر و طلسم بسته شود و تن و بدن بخش‌های گوناگون آن نتوانند به معنای واقعی حرکت کنند، کل اقتصاد یک کشور به اسارت گرفته می‌شود و به آرامی شاهد نابودی اقتصاد خواهیم شد. اگر رخدادهای سیاسی داخلی و خارجی به سویی روند که بر قطر زنجیرهای بسته شده بر دست و پای سرمایه‌گذاری ضخیم‌تر و قفل‌ها بزرگ‌تر شوند احتمال باز کردن آنها روندی کاهنده را تجربه می‌کند و باید نیروی فوق‌العاده‌ای فراهم آورد که شاید ناممکن شود. تجربه دنیای امروز و به ویژه کشورهایی که درهای همکاری با همه جهان به ویژه جهان آزاد را باز نگه داشته‌اند نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی از سه رود و دریا می‌تواند اقتصاد کشورها از جمله ایران را سیراب کند. جریان سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی دریا، است که اگر بر سر چشمه آن



نقش تشکلهای بخش خصوصی در تاب آوری اقتصادی در شرایط شکننده و دشوار: با تمرکز بر خاورمیانه و شمال آفریقا



■ خلاصه مدیریتی

از آنجا که جنگ و تنازع در بیشتر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شایع است، اقتصادهای این کشورها معمولاً در شرایط شکننده و دشواری قرار دارند که فعالیت اقتصادی را برای کسب و کارها در این کشورها دشوار می‌سازد. یکی از مناطقی که فعالان اقتصادی در آن با تنازعات و شرایط دشوار و شکننده دست به گریبان‌اند منطقه منا است که فعالان اقتصادی آن برای انجام کسب و کار روزانه با چالش‌های مختلف عملیاتی و سیستمی مواجه هستند. برخی از چالش‌های اصلی که فعالان کسب و کار در این منطقه عنوان کرده‌اند عبارتند از: بی‌ثباتی، فساد، نامطمئن بودن شبکه تأمین برق، موانع تجاری، کمبود نیروی کار آموزش دیده مناسب و عدم دسترسی بنگاه‌ها به کانال‌های مالی رسمی.

در شرایطی که اقتصاد با شرایطی مانند جنگ و تنازع روبه‌رو باشد، این چالش‌ها تشدید می‌شوند و همه بنگاه‌ها توان فعالیت در چنین شرایط دشواری را ندارند. در نتیجه، در این کشورها اقتصاد اغلب تحت سلطه خانواده‌های حاکم یا تحت کنترل دولت است. چالش دیگر به مساله عدم اعتماد بین دولت و کسب و کارها بازمی‌گردد که در این اقتصادها گاهی مردم دولت‌ها را غارتگر می‌دانند. معدود کارآفرینان این کشورها معمولاً تمایلی به همکاری ندارند. بنگاه‌های کوچک- و متوسط که به صورت خانوادگی اداره می‌شوند در این

اقتصادها فراوان هستند؛ و ظرفیت دولت برای طراحی و نظارت بر مقررات کسب و کار محدود است. وجود چنین محدودیت‌هایی ظرفیت اقتصاد این منطقه را محدود ساخته و این مسوولیت را بر دوش سیاست‌گذاران و تشکلهای کسب و کار گذاشته که به این موانع رسیدگی نمایند.

توصیه‌های ارایه شده در این گزارش، رهنمودهای مهمی در خصوص چگونگی استفاده از ظرفیت بخش خصوصی از طریق ایجاد تشکلهای کسب و کار قوی، موثر و پایدار ارایه می‌کند که به تاب‌آوری اقتصادی کشورها در شرایط شکننده و متأثر از تعارض کمک می‌کند. تشکلهای کسب و کار می‌توانند از طریق چانه‌زنی و اعمال فشار بر دولت و ظرفیت‌سازی در بخش خصوصی، به مساوی‌تر ساختن زمین بازی و ایجاد فرصت‌های درآمدی جدید برای گروه‌های محروم و در نهایت، کاهش نابرابری کمک کنند. تجارب موریس، زامبیا و زیمبابوه نشان می‌دهد که روابط مولد دولت - بخش خصوصی اغلب در زمان‌هایی ایجاد شده است که تشکلهای کسب و کار قوی ظاهر شده‌اند و به خوبی بخش خصوصی را نمایندگی کرده‌اند و البته، در طول زمان به تقویت پیوندهای خود با دولت پرداخته‌اند.

برخلاف تصور سنتی که تشکلهای را نهادهایی به دنبال رانت می‌بیند، تجربیات زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند تشکلهای

بخش خصوصی اجازه می‌دهد تا عملکرد خود را به عنوان موتور رشد اقتصادی به انجام رساند. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، انرژی زیادی را صرف تلاش برای اصلاح جو سرمایه‌گذاری در کشورهای کم‌درآمد و موقعیت‌های دشوار و شکننده می‌کنند. با این حال، ایجاد فضای سرمایه‌گذاری قوی به زمان نیاز دارد. تجربه نشان می‌دهد برنامه‌های سنتی بهبود فضای سرمایه‌گذاری که در سطح بخش‌های مختلف گسترده شده‌اند نتوانسته‌اند در شرایط اقتصادی شکننده و متأثر از تعارضات موفق ظاهر شوند. حال آنکه تشکلهای کسب و کار می‌توانند نقش اساسی در بهبود فضای کسب و کار و حمایت از رشد اقتصادی فراگیر و تاب‌آوری در اقتصادهای شکننده داشته باشند.

۱. سهم بالقوه تشکلهای در ایجاد تاب‌آوری اقتصادی در شرایط اقتصادی شکننده و متأثر از تنازعات

تشکلهای کسب و کار نهادهایی هستند که افراد و کسب و کارهایی که در بازار با یکدیگر رقابت دارند را در چارچوب دو مولفه خودیاری و همکاری جمعی گرد هم می‌آورند که منافع متقابل افراد و کسب و کارها را تأمین می‌کنند. تشکلهای کسب و کار انواع مختلفی دارند و روش واحدی برای طبقه‌بندی آنها وجود ندارد (کادر ۱). تشکلهای می‌توانند دولتی یا خصوصی باشند، دامنه فعالیتشان می‌تواند یک بخش با طیف گسترده‌تری را در بر بگیرد و می‌توانند اهداف متفاوتی داشته باشند. با این حال، به‌طور کلی تشکلهای کسب و کار، بخش خصوصی با بخش‌هایی از آن را گرد هم می‌آورند تا برنامه‌ای فراتر از منافع کسب و کارهای واحد را پیش ببرند.

کادر ۱. انواع تشکلهای کسب و کار

* تشکلهای کارفرمایی: اگرچه این تشکلهای می‌توانند عمومی باشند، نهادهای کارفرمایی معمولاً به‌طور مستقل و به عنوان همتای اتحادیه‌های صنفی، غالباً بدون توجه به صنعت، توسعه یافته‌اند.

* تشکلهای کسب و کار و اتاق‌های بازرگانی با صنایع: این گروه از تشکلهای، نماینده صنایع و بخش‌های خاصی‌اند که معمولاً با هم رقابت تجاری دارند.

* کنفدراسیون‌ها با اتحادیه‌های صنفی: این گروه، چندین تشکل کسب و کار را بر اساس بخش با موقعیت جغرافیایی آنها گرد هم می‌آورند تا قدرت مذاکره خود را افزایش دهند و با دولت در سطوح عالی تعامل داشته باشند.

* انجمن‌های حرفه‌ای: این انجمن‌ها، نماینده فعالان اقتصادی در حرفه‌های مجزا هستند.

تشکلهای کسب و کار وظایف مختلفی از جمله چانه‌زنی و اعمال نفوذ، برقراری ارتباط و تعامل با دولت در سطوح بالا را بر عهده دارند. عمده فعالیت تشکلهای حول ارائه خدمات کسب و کار به اعضا می‌گردد و درآمد حاصل از این فعالیت‌ها به آنها این امکان را می‌دهد که مستقل و غیر وابسته باشند.

در اقتصادهای در حال توسعه با متأثر از تعارض و شرایط دشوار، بسیاری از بنگاه‌ها در بخش‌هایی فعالیت می‌کنند که رقابت در آنها

نقش مثبتی در اجرای سیاست‌های صنعتی داشته‌اند. برای نمونه می‌توان از تشکل تولیدکنندگان پوشاک ترکیه یاد کرد که هدف از ایجاد آن برقراری نوعی توازن در نظام سهمیه‌بندی برای شرکتهای تولیدی کوچک‌تر بوده است. نمونه دیگر مورد بنگلادش است که نشان می‌دهد چگونه تشکلهای کسب و کار در قامت گروه‌های صنعتی اثربخش ظاهر شده‌اند و منافع صنعت خود را تعقیب کرده‌اند.

در زامبیا، تقویت تعامل تشکلهای با دولت، حدوداً افزایش ۲۰ درصدی بهره‌وری بنگاه‌های عضو تشکلهای را به همراه داشته است که این امر به‌طور عمده به پرکاربردترین کارکرد تشکلهای کسب و کار یعنی اعمال فشار و چانه‌زنی با دولت باز می‌گردد. در زامبیا، اتیوپی و آفریقای جنوبی که عضویت فعالان اقتصادی در تشکلهای تجاری نسبتاً بالا است، چانه‌زنی و فشار به دولت و احصاء اطلاعات در مورد مقررات دولتی در مورد از مهم‌ترین خدمات ارائه شده توسط تشکلهای کسب و کار هستند.

کمک به برابری جنسیتی در قالب حمایت از کسب و کارهای تحت مالکیت زنان، فراهم ساختن فرصت کار شایسته و رشد اقتصادی، ارتقاء صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها از طریق کمک به شنیده شدن صدای نهادهای کوچک‌تر از موارد دیگری هستند که تشکلهای می‌توانند در اقتصادهای شکننده به خوبی در آنها ایفای نقش کنند و به تاب‌آوری اقتصادی بیانجامند.

■ مقدمه

با وجود آنکه نگاه سنتی به تشکلهای کسب و کار آنها را به عنوان سازمان‌هایی می‌بیند که در جست‌وجوی رانتهای غیر مولدی هستند که موجب افزایش منافع عمومی نمی‌شوند، اما واقعیت این است که تشکلهای کسب و کار می‌توانند نقش بسیار مثبتی در تقویت بخش خصوصی و ایجاد تاب‌آوری اقتصادی در شرایط اقتصادی دشوار و شکننده ایفا کنند. یکی از مناطقی که فعالان اقتصادی در آن با تنازعات و شرایط دشوار و شکننده دست به گریبان‌اند منطقه مناست که بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران آن برای انجام کسب و کار روزانه با چالش‌های مختلف عملیاتی و سیستمی مواجه هستند. برخی از چالش‌های اصلی که فعالان کسب و کار در این منطقه عنوان کرده‌اند عبارتند از: بی‌ثباتی، فساد، نامطمئن بودن شبکه تأمین برق، موانع تجاری، کمبود نیروی کار آموزش دیده مناسب و عدم دسترسی بنگاه‌ها به کانال‌های مالی رسمی. البته، کسب و کارها از طریق راه‌حل‌ها و جایگزین‌های خلاقانه، راه‌هایی برای مقابله با برخی از این چالش‌ها پیدا کرده‌اند. با این حال، وجود چنین محدودیت‌هایی ظرفیت اقتصاد این منطقه را محدود ساخته و این مسوولیت را بر دوش سیاست‌گذاران و تشکلهای کسب و کار گذاشته که به این موانع رسیدگی نمایند.

آیا تشکلهای کسب و کار در چنین شرایطی می‌توانند در تقویت فضای سرمایه‌گذاری نقش ایفا کنند؟ فراموش نکنیم که جو سرمایه‌گذاری قوی - به معنای برخورداری مناسب از شرایط اقتصادی، سیاست‌ها، زیرساخت‌ها، امنیت و نیروی کار - به

با چالش‌های بخش‌های مختلف کسب و کار در این کشور ارایه می‌دهد.

*کنیا: بخش خصوصی کنیا متشکل از یک کنفدراسیون فعال از تشکلهای کسب و کار است که در سطوح بالا به گفت‌وگو با دولت می‌پردازد. این کنفدراسیون که به‌طور ویژه بر سومین دستور از مجموعه دستورات ملی کسب و کار این کشور متمرکز شده است، به اصلاحاتی می‌پردازد که تعداد زیادی از بنگاه‌ها با آن درگیر هستند، از جمله مساله مالیات‌های مزاحم این نهاد همچنین، طیف گسترده‌ای از خدمات را به سازمان‌های عضو محور، شرکت‌های بزرگ، کسب و کارهای کوچک و متوسط و استارت آپ‌ها ارایه می‌دهد.

*سومالی: رویکرد «گفت‌وگوی ملی» به عنوان بخشی از برنامه توسعه ملی سال ۲۰۱۶ در سومالی اتخاذ شد. همچنین، سازمان بین‌المللی کار رویکرد جامعی به توسعه تشکلهای کسب و کار با تمرکز بر زنان کارآفرین در این کشور داشته است. در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، می‌توان به تشکل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات سومالی به عنوان یک انجمن غیردولتی و غیرانتفاعی که هدف آن ترویج استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمام جنبه‌های زندگی با هدف تسریع توسعه است، اشاره کرد. تشکل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات سومالی با همکاری اتحادیه بین‌المللی مخابراتی به طراحی یک نظام مقرراتی اقدام کرده است که در قالب آن بتواند بر بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات و فعالین آنکه در یک فضای بدون مقررات تنظیمی فعالیت می‌کنند نظارت کند.

دولت در برخی از کشورها مانند رواندا و زامبیا به درجات مختلف، سیاست‌های توسعه بخش خصوصی را بدون مشارکت تشکلهای کسب و کار اجرا می‌کنند. این کار در بلندمدت لزوماً مثبت و پایدار نیست (براتیگام و همکاران، ۲۰۰۲؛ تیلور، ۲۰۱۲). دولت‌ها باید ارزش تشکلهای کسب و کار را به رسمیت بشناسند و با آنها به گفت‌وگو بنشینند. در سنگاپور، دولت با جلب مشارکت بخش خصوصی موفق شده است زمینه شکل‌گیری قوی تشکلهای کسب و کار و گفت‌وگو میان دولت و بخش خصوصی را پایه‌گذاری کند. به‌طور کلی، تشکلهای کسب و کار می‌توانند به توسعه اقتصادی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کنند (کادر ۳)

کادر ۳. نقش توسعه تشکلهای کسب و کار در اهداف توسعه پایدار

فعالیت تشکلهای فراگیر کسب و کار می‌تواند به دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کند. در این زمینه چهار حوزه نقش‌آفرینی تشکل‌ها قابل ذکر است:

برابری جنسیتی (مورد ۵ از اهداف توسعه پایدار): کسب و کارهای تحت مالکیت زنان اغلب با تبعیضهای تقنینی مواجه‌اند و زنان در توسعه کسب و کارشان همواره برای حمایت‌گرایی و ارشاد و راهبری متقابل ارزش‌قائل هستند. تشکلهای کسب و کار بستر را برای تحقق هر دوی این موارد فراهم و عرصه را برای رهبری قوی زنان باز می‌کنند.

محدود است، مانند بخش‌های صادراتی استخراج نفت و بخش‌های داخلی این صنعت که تحت سلطه شرکت‌های بزرگ دارای انحصار و رابطه هستند. در چنین فضایی، تشکلهای کسب و کار کمتر نقش خود را در تأمین و بهبود کالاهای عمومی ایفا می‌کنند. در واقع، تشکل‌ها به‌طور سنتی آوازه خوبی نداشته‌اند و پیوسته متهم بوده‌اند که به جای داشتن اهداف عمومی و مولد به دنبال رانت هستند (امین، ۲۰۰۹، ص ۲۶۱).

برخلاف تصور فوق، تجربیات زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند تشکل‌ها نقش مثبتی در اجرای سیاست‌های صنعتی داشته‌اند. برای نمونه می‌توان از تشکل تولیدکنندگان پوشاک ترکیه یاد کرد که هدف از ایجاد آن برقراری نوعی توازن در نظام سهمیه‌بندی برای شرکت‌های تولیدی کوچک‌تر بوده است. این تشکل، نه تنها نظام سهمیه‌بندی را در ترکیه مدیریت کرد، بلکه توزیع رانتهای صنعت پوشاک را نیز کنترل و امتیازات مرتبط با سهمیه‌بندی را به عملکرد تولیدکنندگان مرتبط ساخت. نمونه دیگر فدراسیون صنایع نساجی کره است که عملیات سهمیه‌بندی را به مدیریت صندوق نوسازی صنعت نساجی این کشور پیوند زد. موارد دیگری نیز مانند بنگلادش وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه تشکلهای کسب و کار در قامت گروه‌های صنعتی اثربخش ظاهر شده‌اند و منافع صنعت خود را تعقیب کرده‌اند.

تجارب کشورهایی چون موریس، زامبیا و زیمبابوه نشان می‌دهد که رابطه مولد بین دولت و بخش خصوصی اغلب در زمان‌هایی ایجاد شده است که تشکلهای کسب و کار، قوی ظاهر شده‌اند و به خوبی بخش خصوصی را نمایندگی کرده‌اند و البته در طول زمان به تقویت پیوندهای خود با دولت پرداخته‌اند (براتیگام و همکاران، ۲۰۰۲). در زامبیا، تقویت تعامل تشکل‌ها با دولت، حدوداً افزایش ۴۰ درصدی بهره‌وری بنگاه‌های عضو تشکل‌ها را به همراه داشته است که این امر به‌طور عمده به پرکاربردترین کارکرد تشکلهای کسب و کار یعنی اعمال فشار و چانه‌زنی با دولت بازمی‌گردد. در زامبیا، اتیوپی و آفریقای جنوبی که عضویت فعالان اقتصادی در تشکلهای تجاری نسبتاً بالا است، چانه‌زنی و فشار به دولت و احصاء اطلاعات در مورد مقررات دولتی دو مورد از مهم‌ترین خدمات ارایه شده توسط تشکلهای کسب و کار هستند. نمونه‌های دیگری از منطقه آفریقای سیاه قابل ذکر هستند که ظرفیت تشکلهای کسب و کار را در نقش‌آفرینی در سیاست‌های اقتصادی و ایجاد تاب‌آوری اقتصادی نشان می‌دهند (کادر ۲)

کادر ۲. نمونه‌هایی از تشکلهای اثربخش در آفریقای سیاه

نمونه‌های زیادی از فعالیت‌های موثر تشکلهای کسب و کار در منطقه آفریقای سیاه دیده می‌شود. برخی از این نمونه‌ها عبارتند از: *موریس: تشکلهای کسب و کار موریس می‌توانند الگوی خوبی در زمینه اثربخشی تشکل‌ها برای سایر کشورها باشند. اتاق بازرگانی و صنعت موریس، بسیار حرفه‌ای عمل می‌کند. این نهاد که هزینه‌هایش را خودش تأمین می‌کند، خدمات بسیاری را متناسب



بازی را برای آنها برابر می‌کند (کادر ۴). بخش خصوصی در بسیاری از اقتصادهایی که شرایط شکننده و تعارض آمیز دارند، تحت تسلط شرکت‌های بزرگ و بانفوذ قرار دارد که از ورود سایر تشکلهای به ویژه آنهایی که نماینده شرکت‌های کوچک و متوسط هستند- در فرآیند گفت‌وگو ممانعت به عمل می‌آورند.

کادر ۴. ماهیت بنگاه‌ها و منافع آنها در تشکلهای

کسب و کار

انگیزه بنگاه‌ها برای مشارکت در فرآیندهای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی را می‌توان تا حدی با ماهیت آنها مرتبط دانست. «بنگاه‌های رانتی» و «بنگاه‌های نزدیک به قدرت» که با رقابت اندکی روبه‌رو هستند، علاقه کمی به عضویت در تشکلهای کسب و کار دارند این امر فقط محدود به زمانی می‌شود که به کسب و کار خودشان مربوط گردد اما ممکن است به‌طور کلی، به رشد اقتصاد کلان علاقه‌مند باشند (جدول ۱)

جدول ۱: دسته‌بندی بنگاه‌های بخش خصوصی در خاور میانه و شمال آفریقا (بر اساس ماهیت آنها)

رقابت حاد (تعداد محدودی بنگاه‌های بزرگ، با نفوذ و برخوردار از رانت مقررات‌گذاری)	رقابت حاد (تعداد محدودی بنگاه‌های بزرگ، با نفوذ و برخوردار از رانت مقررات‌گذاری)	رقابت بازار (با تعداد حداکثری بنگاه‌ها)
بنگاه‌های صادراتی	بنگاه‌های صادراتی رانتی مانند: صادرکنندگان صنایع استخراجی	بنگاه‌های پیشرو مانند: تولیدات صنعتی و صادرکنندگان خدمات
بنگاه‌های داخلی	کارگزاران قدرت مانند: انحصارهای قانونی، بنگاه‌های بزرگ و بانفوذ، بازارهای خدمات دولتی	مراکز تولید و تجاری مانند: بخش‌هایی از بازار داخلی که تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک یا خرد را در خود جای داده‌اند. بازرگانان، خرده‌فروشان، بخش‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات و بخش‌های خدمات کوچک

در حالی که شرکت‌های «پیشرو» در بازارهای جهانی رقابت می‌کنند و در تلاش هستند از هیچ بازار بسازند، این شرکت‌ها می‌توانند از حمایت دولت برای مذاکره و باز کردن بازارهای صادراتی، خلق برند ملی، تعیین استانداردهای محصول در سطح بین‌المللی، ایجاد محیط تجاری مساعد و مشارکتی و غیره بهره‌مند شوند. درست همان گونه که

کار شایسته و رشد اقتصادی (مورد ۸ از اهداف توسعه پایدار): تشکلهای می‌توانند با تأمین مهارت‌ها و خدمات مورد نیاز کار آفرینان و کسب و کارهای جدید فرصت لازم را برای خلق درآمد بیشتر و رفع موانع مشارکت اقتصادی فراهم آورند.

ارتقاء صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها (مورد ۹ از اهداف توسعه پایدار): تشکلهای تربیون و صدای نهادهای کوچک‌تر هستند که در غیر این صورت صدای آنها شنیده نمی‌شد. تشکلهای به شکل‌گیری بخش‌های اقتصادی و ایجاد زنجیره‌های ارزش و توسعه ایده‌ها و هیأت‌های جدید کمک می‌کنند.

کاهش نابرابری (مورد ۱۰ از اهداف توسعه پایدار): تشکلهای می‌توانند از طریق چانه‌زنی و اعمال فشار بر دولت و ظرفیت‌سازی در بخش خصوصی، به مساوی‌تر ساختن زمین بازی و ایجاد فرصت‌های درآمدی جدید برای گروه‌های محروم و در نهایت، کاهش نابرابری کمک کنند.

۲. موانع نقش آفرینی مثبت تشکلهای کسب و کار در شرایط اقتصادی شکننده و متأثر از تعارض

تعامل و گفتگوی تشکلهای با دولت در کشورهای در حال توسعه، و به ویژه در شرایط شکننده و متأثر از درگیری، بدون چالش نخواهد بود. برخی از عوامل می‌توانند حتی مائع شکل‌گیری خود تشکلهای شوند. در این خصوص عوامل زیر را می‌توان نام برد

- * عدم وجود اعتماد بین ذی نفعان: نبود اعتماد بین بنگاه‌ها از یک سو و بین بخش خصوصی و دولت از سوی دیگر. بین تمام این ذی نفعان باید اعتماد حاکم شود. خیریه‌ها و سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند به عنوان پلی در این میان عمل کنند.
- * فقدان ذهنیت تشکلهای محور. در کشورهای در حال توسعه، ذهنیت کمک محور پر ذهنیت تشکلهای محور غالب است که این ذهنیت کارآمد نیست. از آنجاکه ذهنیت کمک محور همانند ماهی دادن به جای یاد دادن ماهگیری است اغلب نمی‌تواند موثر واقع شود، زیرا به جای تمرکز بر فعالیتهای تشکلی سازنده، بر سهم‌خواهی‌های مفرط «متمرکز است.

* میزان تخصیص منابع. عامل دیگری که نقش آفرینی تشکلهای را تحت الشعاع قرار می‌دهد، میزان علاقه تشکلهای به اختصاص منابع خود برای ایفای نقش فعال در سیاست‌گذاری‌ها است، زیرا این نوع فعالیت‌ها برخلاف سایر فعالیت‌های خدمات رسانی، درآمدزایی برای تشکلهای ندارد و به‌طور مستقیم به استقلال و پایداری آنها کمک نمی‌کند.

* ساختار و ماهیت بخش خصوصی. شاید بزرگ‌ترین چالش تشکلهای ساختار بخش خصوصی و ماهیت اکثریت بنگاه‌های هر کشور باشد. به‌طور کلی، بنگاه‌هایی که در شرایط شکننده و متأثر از تعارض فعالیت می‌کنند، با در یک محیط بدون رقابت با کم رقابت هستند، انگیزه‌های پایینی برای عضویت در تشکلهای بخش خصوصی دارند، چه برسد به چانه‌زنی با دولت بر سر سیاست‌هایی که زمین

باید تلاش کنند تا در تأمین مالی مستقل شوند و در قبال پول به اعضای خود ارزش ارایه‌کننده خدمات دهی باید در کنار کار کرد برقراری رابطه با دولت ارایه شود و مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، کارکرد تشکلهای برقراری رابطه با دولت ممکن است با فراز و نشیب‌هایی مواجه شود و در برهه‌هایی از زمان اسیر چالش‌هایی چون سواری مجانی گردد که از ارزش این کار کرد مهم می‌کاهد (دوره‌های سکون یا وقفه بین پیشرفت‌های اصلی در قانون‌گذاری). در این شرایط، خدمات، مزیت بسیار خاصی به شمار می‌روند که یک عضو می‌تواند در برابر پولی که پرداخت می‌کند ارزش آن را لمس کند. شرایط کلیدی مورد نیاز برای ظهور و اثربخشی تشکلهای کسب و کار در حوزه فعالیتشان عبارتند از:

ظرفیت: تشکلهای برای موثر واقع شدن، جذب تعداد اعضای بیشتر و ارایه خدمات ارزشمند و افزایش کارایی اجرایی در سازماندهی و جمع‌آوری دسترسی به اطلاعات، به قدرت سازمانی نیاز دارند.

نیروهای پیشران خارجی یا تهدیدها: نیروهای خارج از تشکلهای می‌توانند نقش دوگانه ای ایفا کنند. در واقع، این مورد می‌تواند هم به معنای آسیب‌پذیری اقتصادی بنگاه‌ها (در برابر رقابت خارجی، یا برعکس، فرصت دسترسی به بازارهای خارجی باشد. علاوه بر این، می‌تواند به معنای نیاز به مقاومت جمعی یا ایستادگی در برابر مداخلات دولت باشد.

ارایه ارزش: تشکلهای باید رشد کنند تا بتوانند خدماتی را ارایه دهند که برای اعضاء ارزشمند است. به موازات ارایه این خدمات، دریافت حمایت از جانب سازمان‌های کمک‌کننده، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر منابع می‌تواند برای تشکلهای حائز اهمیت باشد، در حالی که باید از «وابستگی به کمک‌ها» اجتناب گردد.

حمایت از جانب دولت: دولت‌ها باید از تلاشهای تشکلهای حمایت کنند و ارزش تشکلهای فراگیر را قدر بدانند. در اینجا نیز، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های اهداکننده کمک‌های مالی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند.

۵. نقش دولت‌ها، سازمان‌های اهداکننده کمک‌های مالی و سایر ذینفعان

دولت‌ها باید فرآیند گفت‌وگوی دولت به بخش خصوصی (PPD) را دست بگیرند و مشارکت طیف گسترده‌ای از ذینفعان بخش خصوصی را بطلبند. مشارکت بنگاه‌های کوچک و متوسط در این فرآیند به ویژه برای رشد اقتصادی همه‌جانبه و ایجاد فرصت‌های درآمدی و اشتغال زایی بسیار مهم است.

سازمان‌های اهداکننده کمک‌های مالی نیز می‌توانند نقش حمایتی بسیار مهمی در همه این زمینه‌ها ایفا کنند، اما باید مراقب باشند که از ترویج و ایستگی به کمک و خطرات تشکلهای ناپایدار اجتناب کنند. سازمان‌های اهداکننده کمک‌های مالی می‌توانند همچنین، از ظرفیت‌سازی ساختاری تشکلهای و توسعه خدمات رسانی به اعضاء حمایت کنند. این ظرفیت‌سازی می‌تواند شامل ایجاد ظرفیت برای رسیدگی به نیازهای مدیریت کسب و کارها و ارایه مشاوره فنی مورد نیاز اعضاء باشد. خدمات مرتبط با صلاحیت‌های حرفه‌ای، که در آن تشکلهای انگیزه قوی برای پیروی از استانداردهای بین‌المللی دارند، از مواردی هستند که می‌توانند به‌طور موثر مورد حمایت قرار گیرند.

منبع

How Can Private Sector Organisations Contribute to Economic Resilience in Fragile and conflict-affected contexts in the Middle East and North Africa? (December 2018). Islamic Development Bank. OECD: MENA-OECD, Competitiveness Programme.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تشکلهای کسب و کار کمک فراوانی به شکوفایی و رشد بنگاه‌ها در بخش‌های تولیدی در کشورهای آسیایی کرده‌اند.

شرکت‌های فعال در مراکز تولید و تجارت «عمومۀ بنگاه‌های کوچک یا خرد هستند که در بازارهای داخلی فعالیت می‌کنند. تشکلهای کسب و کار می‌توانند در شرایطی که قوانین و مقررات مبهم و غیرشفاف هستند، و جایی که بسترهای لازم برای پاسخگویی به نیازهای حداقلی ایجاد کسب و کارهای جدید موجود نیست ارزش بالایی داشته باشند. بخش‌های اقتصادی در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تحت تسلط معدود فعالان کسب و کار هستند که در نتیجه روابط طولانی با دولت، در برابر ورود بنگاه‌های کوچک‌تر و جدیدتر مقاومت می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۰۹، صفحات ۱۸۷-۹۱). بسیاری از تشکلهای تحت کنترل دولت هستند یا تحت تسلط شرکت‌های بزرگ بافوذی قرار دارند که وضعیت موجود را بر اصلاحات رشد محور و سودمندتر ترجیح می‌دهند. بخش خصوصی «جدید» که متشکل از بنگاه‌های تازه‌وارد و کوچک‌تر است، دارای سازمان‌دهی کافی برای ایجاد تغییر نیستند و در برخی کشورها محدودیت‌هایی برای ایجاد آنها وجود دارد.

۳. چارچوبی برای ایجاد تشکلهای کسب و کار کارآمد

تشکلهای کسب و کار درمانی توسعه می‌یابند که نیازهای جمعی اعضای آنها از شرایط رقابتی پیشی بگیرد». به عبارت دیگر، تشکلهای تنها در صورتی ایجاد می‌شوند و بقا پیدا می‌کنند که عضویت در تشکلهای بنگاه‌های اقتصادی دارای منافع خالص باشد. تشکلهای معمولاً کارکردهای مختلفی دارند. مجموعه‌ای از عوامل تعیین می‌کنند که آیا یک تشکل اقتصادی کارآمد است یا خیر. در زیر به این عوامل پرداخته شده است:

کارکردها

دو کارکرد اصلی تشکلهای کسب و کار برای شرکت‌های کوچک‌تر، خواه بنگاه‌های صادراتی، خواه بنگاه‌های فعال در بازار داخلی اهمیت ویژه‌ای دارد. نخست، کارکرد «تباط دولت - کسب و کار» که به آن «منطق نفوذ» نیز گفته می‌شود (Owuor2015)، که یک رابطه دو طرفه با چندین بعد است، تشکلهای کسب و کار می‌توانند: * اعمال نفوذ و چانه‌زنی با دولت برای پیشبرد اصلاحات به نفع اعضاء، به ویژه اصلاحات تنظیمی که زمین بازی را برای بازیگران بخش خصوصی و دولت یکسان می‌کند. * کمک به دولت‌ها در اولویت‌بندی و طراحی اصلاحاتی که بخش خصوصی را تقویت کرده و به رشد اقتصادی برابر آنها با بخش دولتی کمک می‌کنند. * ارایه اطلاعات از سمت دولت به اعضای تشکل و بخش خصوص، برای نمونه، تشریح جزییات و مزایای قوانین جدید.

نقش تشکلهای کسب و کار در جهت بخشی به اصلاحات در راستای تقویت بخش خصوصی به ویژه در شرایط متأثر از تعارض و درگیری مهم است - شرایطی که دولت اغلب ضعیف است و با تقاضاهای تعارض آمیز متعددی روبرو است که موجب می‌شود محیط کسب و کار در فهرست اولویت‌ها قرار نگیرد.

دومین کارکرد مهم تشکلهای خدمات رسانی به اعضاء است. «منطق خدمات» به منافع فردی اشاره دارد که اعضاء می‌توانند از تشکلهای خود دریافت کنند (Owuor2015). این مورد شامل فعالیت‌های تکمیل‌کننده بازار است که به جبران اطلاعات ناقص و پرهزینه، سرمایه‌گذاری عمومی کم در آموزش و باقی موارد کمک می‌کند. چند نمونه از خدماتی که تشکلهای به اعضاء خود ارایه می‌دهند عبارتند از:

- * ارایه مشاوره حقوقی، آموزش و ظرفیت‌سازی در بخش خصوصی
- * ارتقاء صنعت، از طرفی مانند مأموریت‌های تجاری
- * ارایه اطلاعات بازار
- * آموزش و ظرفیت‌سازی
- * ایجاد هماهنگی بین اعضاء
- * حل و فصل اختلافات

۴. پیش‌شرط‌ها

تشکلهای کارآمد معمولاً منبع ابتکارات غیر دولتی هستند که توسط شرکت‌ها رهبری می‌شوند. تشکلهای بر اساس اصول بازار سازماندهی می‌شوند و از نظر تأمین مالی مستقل و خودگردان هستند. از آنجا که تشکلهای قوی

شلاق تورم ۸۷ درصدی بر خورد و خوراک مردم



آمارهای ارایه شده این نکته مهم و اساسی را یادآور می‌شود که شاخص تورمی با سرعت بالا و بی‌توجه به اظهارات مقامات دولتی در مسیر رو به بالا حرکت می‌کند. با همه اینها مقامات دولتی به‌طور مستمر از عملکرد دولت سیزدهم دفاع و اعلام می‌کنند شاخص‌های کلان اقتصادی با بهبود همراه شده‌اند.

ارگان اقتصادی دولت یک بار از عقب‌نشینی اندک آمارهای پولی خبر می‌دهند و بار دیگر بر گزاره‌های خود مبنی بر توقف رشد قیمت‌ها، اما واقعیت حاکی از آن است که در دوران حضور دولت سیزدهم هیچ بهبودی در آمارهای یاد شده اتفاق نیفتاده و بر نگرانی‌ها در خصوص کوچک شدن سفره معیشت خانوار افزوده شده است. سرچشمه نگرانی‌ها در سال جاری اما سیاستی است که دولت در دومین ماه سال اجرایی کرد، سیاستی که از نگاه دولت راهی برای مبارزه با فساد و رانت خواری بوده اما به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های اجرایی آن به تحمیل فشارهای تورمی به معیشت گروه‌های متوسط و کم‌درآمد انجامید. آمارهای تورمی خرداد ماه نیز به روشنی نشان داد که دستاورد سیاست‌های مبارزه با رانت دولت ضربه به سفره خانوار بوده است. با همه اینها دست‌اندرکاران تیم اقتصادی دولت همچنان نسبت به آینده اقتصادی کشور امیدوارند و معتقدند که دولت سیزدهم در مسیر درست سیاست‌گذاری حرکت می‌کند.

ساعت ۲۴

روزی و معیشت شهروندان تهیدست ایرانی زیر شلاق و تندباد تورم قرار دارد و در هر دوره از دوره‌های یک ماهه اندازه‌گیری نرخ تورم کالاهای خوراکی معلوم می‌شود تن و روح مردم زیر این شلاق له و کوفته و زخمی می‌شود. بر پایه اطلاعات ارایه شد از سوی نهادهای رسمی آمارگیری در ایران گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیر ماه تورم نقطه به نقطه ۸۷ درصدی داشته‌اند. این در حالی است که این نرخ در خرداد ماه برابر با ۸۲٫۶ درصد بوده است. به این ترتیب مشخص است سهم هزینه‌ای این اقلام در سبد مصرفی خانوار کماکان در حال گسترش است. بررسی جزئی‌تر اقلام مصرفی نیز نشان می‌دهد که بالاترین تورم نقطه‌ای ثبت شده در گروه «روغن‌ها و چربی‌ها» اتفاق افتاده است به‌طوری که نرخ تورم نقطه به نقطه برای این گروه به عدد ۲۹۳ درصد رسیده است. به این ترتیب خانوارها در تیر امسال کالای روغن را ۲۹۳ درصد گران‌تر از مدت مشابه سال گذشته خریداری کرده‌اند. در ادامه نیز دو گروه «شیر، پنیر و تخم‌مرغ» و «نان و غلات» با نرخ‌های ۱۱۹٫۲ و ۱۰۱٫۱ درصدی بالاترین تورم نقطه‌ای تیر ماه را داشته‌اند. در سایر گروه‌های مصرفی نیز گروه «قند، شکر و شیرینی‌ها»، «سبزیجات»، «گوشت قرمز و ماکیان» و «گوشت قرمز و سفید» به ترتیب تورم نقطه به نقطه ۷۵٫۲، ۷۱٫۶، ۶۹٫۶ و ۶۵٫۷ درصدی در تیر ماه داشته‌اند. در سایر گروه‌های کالایی نیز تورم نقطه‌ای ۸۴٫۷ درصدی هتل و رستوران و تورم نقطه‌ای ۴۹ درصدی پوشاک جلب‌توجه می‌کند.

نبرد نابرابر

بانک مرکزی به راه انداخته تضعیف شده است؛ طی ماه‌های اخیر بازار سرمایه در رکودی عمیق فرو رفته به نحوی که در ادامه مسیری نزولی و پیوسته در واپسین روز معاملاتی هفته گذشته، ارزش معاملات خرد بازار سرمایه در سطح خطرناک یک هزار و ۶۹۳ میلیارد تومان قرار گرفت.

نامه خاندوزی به صالح‌آبادی از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه نگارش این نامه و تذکر وزیر اقتصاد به بانک مرکزی مهر تاییدی بر عدم استقلال بانک مرکزی از دولت در تعیین سیاست‌های پولی است. پیشتر نیز از آنجا که رئیس کل بانک مرکزی با پیشنهاد وزیر اقتصاد از سوی رئیس جمهوری حکم خود را دریافت می‌کند، عدم استقلال این بانک از دولت مورد توجه و انتقاد بوده است. بر همین اساس نمی‌توان بانک مرکزی را در

انتظار آن می‌رفت که دست کم بانک مرکزی بتواند مستقل از سیاست‌های مخرب دولت در قبال بازار سرمایه، با نگاه دقیق‌تری سیاست‌های پولی خود را تنظیم کند تا در بحبوحه فشارهای تورمی و تحریمی کمترین آسیب به شرکت‌ها، سهامداران آنها و کلیت بازار سرمایه تحمیل شود. با این حال اما از ابتدای دولت سیزدهم تاکنون مسیر به گونه دیگری طی شده و همواره شاهد رشد خرنده نرخ بهره بین‌بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر روند سرمایه‌گذاری در بورس بوده‌ایم؛ به نحوی که این رقم از ۱۸/۰۸ درصد در پایان هفته دوم مردادماه سال گذشته (آغاز به کار دولت سیزدهم) به ۲۱/۱۴ درصد در پایان هفته سوم تیرماه سال جاری رسیده و جز در مقطعی کوتاه، کاهشی نشده است. بر همین اساس به نظر می‌رسد بورس در جنگ نابرابری که

چند روزی است نامهای که گفته می‌شود وزیر اقتصاد به رئیس کل بانک مرکزی درباره افزایش بی‌رویه نرخ بهره بین‌بانکی نوشته، نقل محافل بورسی شده است. آن طور که در خبرها آمده و از سوی وزارت اقتصاد نیز تکذیب نشده، احسان خاندوزی در نامه‌ای محرمانه به علی صالح‌آبادی نسبت به تبعات رشد نرخ بهره بین‌بانکی بر بازار سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری هشدار داده است. نکته جالب توجه در این میان جهت‌گیری تازه وزیری است که طی ماه‌های اخیر بازار سرمایه را به حاشیه رانده و عموماً سیاست‌های ضدبورسی را اعمال کرده است. در همین حال علی صالح‌آبادی که مخاطب نامه وزیر است نیز از ابتدای ورود خود به بانک مرکزی سیاست‌های ضدبازار سرمایه‌ای خود را در بازار پول تشدید کرده است. این در حالی است که به دلیل سابقه وی در بورس

حسرتی از جنس سامسونگ



از تنگناها رسیدگی کرد. شاید کسانی باشند که بگویند این چه مقایسه‌ای است و تاکید کنند که سامسونگ یک شرکت چه و چه و کره جنوبی یک کشور چه و چه است. اما این واقعیت را نمی‌شود پنهان کرد که چه خرسندی در میان افراطیون ضداصلاحات راه افتاد که یک شرکت فریبده به اسم گازپروم وعده داده می‌خواهد در نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کند. اما اگر بخواهیم یک پاسخ کوتاه و کارشناسانه بدهیم که چرا سامسونگ زاد و رشدی چنین افتخارآمیز از نظر شهروندان دارد باید بگوییم آنها از خارجی‌ها هراس نداشتند و ندارند. آیا باید حسرت سامسونگی را بر دیگر حسرت‌های اقتصادی ایران اضافه کرد؟ جهان صنعت

گوشی در دست و جیب ایرانیان است. ایرانیان هنوز حاضرند تلویزیون، جاروبرقی، لباسشویی و ظرفشویی سامسونگ را حتی از بانه کردستان و دیگر شهرها و در بازارهای پنهان دیگر خریداری کنند و همه بدگویی‌ها از این مارک بر اشتیاق آنها اثر منفی نگذاشته است. اما سوی دیگر داستان غم‌انگیز تر است: چرا در ایران هیچ شرکت کوه‌پیکری در بخش صنعت زاد و رشد نکرده و چرا کارخانه‌داران ایرانی به‌رغم اینکه از نظر سابقه فعالیت و نیز هوشمندی فردی برتر از رقبای چینی هستند نتوانسته یا نخواسته‌اند بیش از اندازه رشد را تجربه کنند؟ اگر اداره‌کنندگان ایران بتوانند واقعا پاسخی کارشناسانه و علمی برای این پرسش پیدا کنند می‌توان از آن پاسخ به بسیاری

ساعت ۲۴- برخی خبرهایی که رسانه‌های جهانی در حوزه‌های گوناگون منتشر می‌کنند شاید در مناسبات ایران با دیگر کشورهای جهان و نیز حتی مناسبات میان نهادهای گوناگون در درون مرزهای سرزمین هیچ اثر کوتاه یا میان‌مدت ندارند اما برای کسانی که به تاریخ معاصر جهان و ایران نگاه می‌کنند جذاب است. به‌طور مثال به این خبر توجه کنیم: «گزارشی جدید نشان می‌دهد سامسونگ کره جنوبی قصد دارد با سرمایه‌گذاری هنگفت ۲۰۰ میلیارد دلاری، ۱۱ کارخانه تراشه‌سازی در ایالات متحده تاسیس کند. سامسونگ فرآیند ساخت کارخانه تراشه‌سازی ۱۷ میلیارد دلاری خود را در تگزاس آغاز کرده است. درخواست‌های سرمایه‌گذاری غول فناوری کره‌ای اخیراً در وبسایت کنترلر تگزاس ثبت شده است.» این خبر برای شهروندان کره جنوبی بسیار خرسندکننده و افتخارآفرین است که شرکتی با تابعیت این کشور سری در میان سرها در دنیای امروز درآورده و بیش از اپل آمریکا گوشی همراه می‌سازد و بیش از هر شرکتی در دنیا تلویزیون می‌فروشد. شهروندان کره جنوبی باید خرسند باشند که آرم و نشانه سامسونگ در بیشتر پایتخت‌های دنیا بر فراز است و توانسته بیشترین علاقه به کره جنوبی را در میان خانواده‌های متوسط جهان پدیدار کند. واقعیت این است که سامسونگ در میان خانواده‌های ایرانی نیز بسیار محبوب است و گوشی‌های همراه این شرکت بیش از هر



که به دلیل اعتمادسوزی در دولت قبل بازار سرمایه به این وضعیت دچار شده اما این مدعا هرگز نتوانسته اثر عینی سیاست‌های دولت سیزدهم بر بازار سرمایه و تخریب اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران وفادار به این بازار را لاپوشانی کند. جهان صنعت

ساختار سیاسی و اقتصادی ایران از دولت جدا دانست. از همین روی می‌توان گفت هر گونه سیاست‌گذاری در این بانک عموماً بدون چراغ سبز دولت و وزارت اقتصاد صورت نمی‌گیرد. از سوی دیگر همچنین نامه خاندوزی نشان می‌دهد وزیر ضدبورس بالاخره صدای زنگ خطر اقتصاد را - البته با تاخیر فراوان - شنیده و به اهمیت نرخ بهره بین‌بانکی و اثر نامبارک افزایش بی‌منطق آن بر روند سرمایه‌گذاری و وضعیت بازار سرمایه پی برده است. تاخیر وزارت اقتصاد در درک آثار سیاست‌های اقتصادی خود و نهادهای تابعه به ویژه از ابتدای دولت سیزدهم فشارهای زیادی را در حوزه بازار سرمایه (با چشم‌پوشی از وضعیت دیگر بازارها) ایجاد کرده است به نحوی که از سال گذشته تاکنون بازار سرمایه نسبت به اهرم‌ها و متغیرهای سنتی رشد خود بی‌حس شده و روند سرمایه‌گذاری و معاملات در این بازار فاز رکودی بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند. هر چند دولت همواره مدعی آن است

ذهن آشفته سیاستمداران و نوچه‌پروری در اقتصاد ایران



سیاستمدار ایرانی ذهن آشفته‌ای دارد. کمتر دیده‌ام ذهن سیاستمداری منسجم باشد. آنها معمولاً نظریه روشن ندارند و از اصول خاصی هم پیروی نمی‌کنند. نمی‌دانم دلیلش چیست، شاید به خاطر اثرپذیری زیاد از سنت سیاستمداری در ایران باشد که در صدسال گذشته گرفتار این تناقض‌ها بوده و شاید هم به این دلیل است که اغلب سیاستمداران ما انسان‌های تحصیلکرده‌ای نیستند. در کشور ما معمولاً افراد علوم سیاسی نمی‌خوانند که سیاستمدار شوند و سکان حکمرانی را در دست گیرند؛ همانطور که تحصیل در رشته اقتصاد لزوماً به پذیرش مسئولیت در سازمان‌های اقتصادی ختم نمی‌شود.

اگر اظهارنظرهای نیروهای سیاسی را از ابتدای انقلاب تا امروز دسته‌بندی کنیم، عموماً به چند سرفصل مشترک ختم می‌شود: ضدیت با بازار، عرضه رایگان یا مجانی خدمات دولتی، مسکن رایگان، انرژی رایگان یا ارزان، سهمیه‌بندی ارزاق عمومی، بانک بدون بهره، خودکفایی، ضدیت با تجارت آزاد، سرکوب قیمت، اقتصاد تحت کنترل و مواردی از این دست، جزو سرفصل‌های مشترک همه گروه‌ها و احزاب سیاسی در ایران است. سیاستمداران ما دنبال ایجاد کشوری محصور و محدود هستند و نیازی به مراوده با جهان نمی‌بینند. دنبال این هستند که اقتصاد را کاملاً تحت کنترل خود قرار دهند. بخش خصوصی در ذهنیت آنها جایی ندارد. طرفدار هیچ رابطهای با دیگر کشورها نیستند و معتقدند مذاکرات با کشورهای دیگر باید تعطیل شود و وزارت خارجه هم نداشته باشیم. همان سفیر و فرستاده کافی است. دنبال این هستند که ایران کشوری خودکفا باشد و هر چه تولید کنیم، خودمان هم مصرف کنیم و صادراتی در کار نباشد.

شبیه هم فکر می‌کنند و ممکن است در دیپلماسی و فرهنگ و سیاست، اختلاف نظر جدی وجود داشته باشد اما در راهبردهایی که اقتصاد را به وضع فعلی رسانده، به میزان زیادی به هم نزدیک‌اند. مثلاً تفاوت زیادی میان دیدگاه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در زمینه قیمت‌گذاری وجود ندارد. هر دو گروه در زمینه نقدینگی و تورم باور یکسان دارند. ضدیت با قواعد بازار جزو اصول هر دو جریان است و از همه مهم‌تر اینکه هم اصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان به تیول‌داری و نوچه‌پروری باور دارند و زمانی که سکان قدرت را در دست می‌گیرند، مدیریت سازمان‌های اقتصادی را مثل نقل و نبات میان رفقای خود تقسیم می‌کنند.

قیمت‌ها به دستور استانداران و فرماندهان یا قضات تغییر کند. بانک‌ها و بنگاه‌ها کاملاً در اختیار سیاستمداران باشد. سیاستمداران در مصاحبه‌های خود همواره به این مسائل به عنوان برنامه‌های اصلی خود اشاره می‌کنند و خواستار اجرایی شدن آنها هستند. اما این یک واقعیت است که در مقام عمل، هیچ کدام از این شعارها و آرزوهای سیاسی قابلیت اجرا ندارد. کشوری که دنبال خودکفایی است، سرنوشتی بهتر از کوبا و کره شمالی پیدا نمی‌کند. کشوری که اقتصاد متمرکز با برنامه‌ریزی دولتی می‌خواهد، سرنوشتی بهتر از اتحاد جماهیر شوروی پیدا نمی‌کند و کشوری که دانش اقتصادی را به سخره می‌گیرد، فرجامی بهتر از ونزوئلا نخواهد داشت. نکته عجیب این است که گروه‌های سیاسی در ایران در هر زمینه‌ای اختلاف نظر داشته باشند، در زمینه اقتصاد

صفحه تلگرامی محسن جلالپور
رئیس سابق اتاق بازرگانی

آمار تلخ از سوی بخش خصوصی

زبان مدیران جاری نشود و شاید مسوولان نهادهای قدرت نیز آنها را در لابه‌لای حرف‌ها و نوشته‌های مردانی که در بخش خصوصی مسوولیت دارند نمی‌شنوند. به‌طور مثال و بر اساس نوشته رئیس اتاق تهران که در سایت این اتاق منتشر شده دو آمار گوناگون از دو بخش اصلی اقتصاد ارایه شده است که ناراحت‌کننده است. آماری که از او وضعیت بانکداری داده و با صراحت تاکید می‌کند «مطابق با آمارهای ارایه‌شده از سوی وزارت اقتصاد گزارش اخیر وزارت امور اقتصادی و دارایی از صورت‌های مالی بانک‌های دولتی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نشان‌دهنده زیان انباشته گسترده این بانک‌هاست.» اما آمار ارایه‌شده از سوی خوانساری

شعارهای دهان‌پرکنی داده شده که اقتصاد را اینگونه از چاهی که روحانی برایش کنده بود بیرون می‌آوریم و چنین می‌کنیم و چنان می‌کنیم. هواداران افراطی دولت سیزدهم که بیشتر از بغض دولت پیشین با این دولت دوستی نشان می‌دهند نیز بی‌ترمز پیش رفته و با برجسته کردن آمارهایی از رشد‌های بخش‌های اقتصادی ذهن‌ها را گمراه می‌کنند و به چشم گردانندگان کشور خاک می‌پاشند. مدیران دولت سیزدهم نیز بدون اینکه توجه کنند دولت یک کلیت واحد است و باید همه اعضای دولت با هماهنگی و انسجام کلیت اقتصاد را به پیش رانند هر کدام از کامیابی در جزیره خود سخن می‌گویند. اما برخی از واقعیت‌ها بر

ساعت ۲۴ - در دهه ۱۳۹۰ یعنی از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ سه رئیس دولت با سه گرایش گوناگون مطابق قانون اساسی نظام سیاسی ایران تلاش کرده‌اند اقتصاد ایران را رونق دهند و راه را برای رفاه مادی شهروندان فراخ سازند. با این همه و با وجود همه شعارها، وعده‌ها و هزینه کردن هزاران هزار میلیارد تومان و صدها میلیارد دلار، حالا وضع و روز ایرانیان به‌گونه‌ای شده که مدیران اداره‌کننده کشور نیز ناچارند به وخامت آن اعتراف کنند و به شهروندان امید دهند روزگار خوب خواهد شد. در ستون نقد روز جهان صنعت اضافه شده است: «در همین چند ماه تازه‌سپری‌شده از فعالیت دولت سیزدهم

کاهش قدرت خرید باتلاق تولید شده است

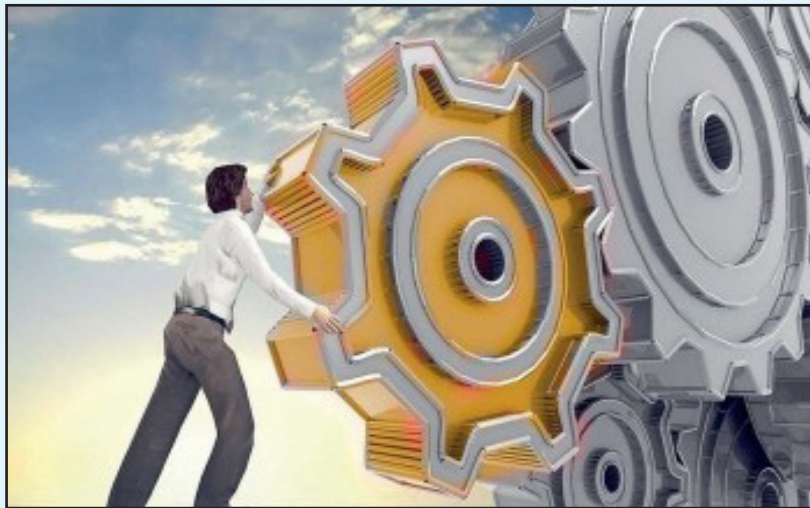


برای صنعت دامداری، صنعت مرغداری، صنایع لبنیات و صنایع وابسته به آرد گندم تامین کند؟ بدیهی است این کارها از توانایی دولت است و به همین دلیل است که دامداران دیروز در برابر وزارت جهاد کشاورزی تجمعی صنفی برگزار کردند. حالا شهروندان ایرانی بدون اینکه قصدی داشته باشند و از سر ناگزیری و استیصال به سیاستمداران درس اقتصادی می‌دهند و یادآور می‌شوند اقتصاد یک کل واحد است و نمی‌توان با اراده سیاسی هرگاه هر بخش را که خواستند مهار کنند و به میل خود بچرخانند. خطری که از این ناحیه کسب‌وکار ایرانیان را تهدید می‌کند بسیار خطرناک است و علاوه بر انتقام خاموش می‌تواند به پیامدهای ناشناس منجر شود.

که نخوردن آنها در بلندمدت به جسم شهروندان کشور آسیب جدی می‌زند و از میانگین وضعیت جسمی جهان پس می‌افتیم. کاهش مصرف اجباری گوشت قرمز، مرغ و تخم‌مرغ و برنج و شیر و ماست و کره و پنیر پس از سپری شدن کمتر از دو ماه در تحولات رخ داده و نرخ تورم چشمگیر تولید شیر و گوشت و مرغ و تخم‌مرغ را به وضعیت ناراحت‌کننده‌ای انداخته است. دولت و وزارت جهاد کشاورزی چند هفته پیش وعده دادند به مرغداران منابع ریالی تازه تزریق خواهند کرد تا بتوانند خوراک طیور خود را تهیه کنند و نیز وعده دادند تولیدات مازاد بر نیاز مصرف را با قیمت‌های مناسب خریداری می‌کنند. آیا دولت می‌تواند منابع این کار را

بازار کالاهای مواد غذایی در ایران در بحرانی‌ترین وضعیت قرار گرفته است. نهاد دولت و سایر نهادهای حکومتی بر اراده سیاسی خود در مسیر تثبیت قیمت مواد غذایی استوار ایستاده‌اند و با انواع بخشنامه‌ها و نیز دستور عمل‌ها راه را برای تثبیت قیمت‌ها باز نگه می‌دارند. دولت نیز امیدوارانه از کاهش شتاب نرخ تورم در ماه‌های آینده سخن می‌گوید و باور دارد با این روش‌های منسوخ‌شده در اقتصاد امروز دنیا مثل جلوگیری از صادرات، قیمت‌گذاری دستوری و ناگزیر کردن تولیدکنندگان به رعایت قیمت‌های دستوری و حتی فروش کالا زیر قیمت تمام‌شده می‌تواند بازار کالاهای اساسی را ساماندهی کند و میوه خود را بردارد.

اما اکنون برخی رخدادهای منتشرشده نشان می‌دهد این امیدواری دولت بر اعمال اراده سیاسی از دو سو با تهدید جدی و غیرسیاسی روبرو شده است و اگر این تهدیدها راهشان بسته نشود در آینده بازار مواد غذایی با بن‌بست واقعی و سردرگمی بزرگ روبرو خواهد شد. سرچشمه اصلی در بن‌بست احتمالی بازار مواد غذایی تله تقاضای موثر است. به این معنا که شتاب رشد قیمت مواد غذایی به رغم همه سخت‌گیری‌های دولت از شتاب افزایش قابل تصرف و قابل نقد شدن در بازار مواد غذایی فراتر رفته است. نتیجه این عدم تعادل کاهش قدرت خرید شهروندان و کاهش مصرف چشمگیر برخی کالاهایی است



عمومی به اطلاعات رسمی، این وضعیت موجب می‌شود شهروندان حتی جایی که باید به کمک نهادهای قدرت بیایند نیز با استناد به وعده‌های محقق نشده و آمارهای غیرکارشناسانه پای در این راه نهند. ساعت ۲۴

درباره صادرات بسیار تلخ است، او نوشته است: «گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد صادرات کالا و خدمات ایران در سال ۱۳۹۰ و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ حدود ۲۵۳ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۲۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرده که رقمی کمتر از سال ۱۳۹۰ است. میانگین رشد واقعی سالانه صادرات کالا و خدمات طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ منفی ۱/۲۹ درصد بوده است. بحث صادرات یک موضوع اساسی بوده و اگر قرار است کشور توسعه پیدا کند، قطعاً باید به این موضوع اهمیت بیشتری بدهیم.» به نظر می‌رسد دولت سیزدهم نباید بدون دقت کارشناسانه آمار دهد و توجه داشته باشد امیدوارسازی با آرایه آمارهای غیرواقعی آسیب‌های بیشتری دارد از جمله کاهش ضریب اعتماد

مشارکت راهبردی با روسیه یعنی نبرد دائمی با آمریکا



ساعت ۲۴ - ولادیمیر پوتین در هنگامه جنگی که در اوکراین راه انداخته و ناامنی در میان شهروندان جهانی را ژرف و گسترده می‌کند، به تهران می‌آید تا به همراه رجب طیب اردوغان درباره مسائل سوریه تبادل رای کنند. سفر رهبر بلامنازع روسیه به تهران تنها چند روز پس از سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان سعودی از نظر کسانی که هر موضوعی را از چشم ستیزندگان با آمریکا دنبال می‌کنند سفر پوتین به تهران به خودی خود دارای اهمیت راهبردی است. واقعیت این است که اکثریت شهروندان ایرانی نگاهشان به روسیه امروز و تحت قیمومیت ولادیمیر پوتین و باندهای مافیایی نزدیک به او ناخوشایند است و باور دارند اگر ایران به جای روسیه با آلمان اتحاد راهبردی داشت برای اقتصاد ایران و حال و روز کشور فایده بیشتری داشت. گروه پرشماری از کارشناسان اقتصادی و سیاسی که در نهادهای قدرت جایی ندارند نیز روسیه را رقیب غیراخلاقی ایران در اقتصاد می‌دانند. این گروه می‌گویند روسیه با ترفندهای درازمدت ایران را از غرب دور نگه داشت تا بتواند بازار انرژی اروپا را به‌طور انحصاری در اختیار بگیرد و در همین هنگامه از این استیلا بر بازار انرژی اروپا استفاده کند. گروه‌های سیاسی که دوستی راهبردی با روسیه را برای ایران مفید نمی‌دانند می‌گویند دو کشور که اقتصادی مشابه دارند و در بازارهای جهانی نفت، گاز،

پتروشیمی، فولاد، قیر و... رقیب هم هستند باید مناسبات عادی داشته باشند چون تجارت بین دو کشوری با مشابهت ایران و روسیه سخت است. اما دوستان ایرانی روسیه پوتین برای راهبرد درازمدت دوستی با روسیه استدلال خود را دارند. آنها باور دارند نظام سیاسی ایران باید بر نظام سیاسی غرب پیروز شود تا ایرانیان مزه آسایش و آرامش را بچشند و آمریکاستیزی رسالت نهایی آنها است. با توجه به اینکه در شرایط فعلی و ادامه شرایط و مناسبات توزیع قدرت در جهان، آمریکا و غرب به زودی نابود نمی‌شوند و بنابراین جنگ و جهاد علیه غرب درازمدت است و با کشوری که همین دیدگاه را دارد و با ذات غرب خصومت دارد و نیز کشوری است که از نظر داشتن تجهیزات نظامی پیشرفته در نوک قله نظامی گری ایستاده، باید پیمان راهبردی داشته باشیم. این یک استدلال بر پایه درکی از مناسبات قدرت در دنیای امروز و آینده است و براساس اصول اندیشه ضدآمریکایی چندان هم بیراه نیست. اما پرسش این است که ضرورت خصومت ابدی با آمریکا و غرب چیست و آیا شهروندان ایرانی به ویژه نسل جوان ایرانی هم این اندیشه را دارند؟ به نظر می‌رسد می‌توان با نظرسنجی از شهروندان در این باره به نتایج قطعی رسید که آیا باید تا ابد با غرب ستیز کنیم یا می‌توان در یک دوره میان‌مدت راهبردها را دگرگون کرد.

یادآوری به رئیس جمهور



با وجود همه اختلافات و تنش‌های جناحی داخلی، از آغاز بحران هسته‌ای در سال ۱۳۸۲ تاکنون، سیاست حاکمیتی نظام در دولت جناب‌عالی و آقایان خامنه‌ای و احمدی‌نژاد و روحانی بر حل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای از طریق دیپلماسی بوده و از آغاز توافق برجام در دولت آقای روحانی تا به امروز هم سیاست حاکمیتی بر مبنای تلاش برای حفظ برجام استوار بوده است.

با توجه به فتوای مقام معظم رهبری در مورد حرمت سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی، قدرت‌های جهانی اطمینان دارند که ایران بمب هسته‌ای نخواهد ساخت. با وجود این بلوک غرب به رهبری آمریکا، موضوع هسته‌ای را به عنوان ابزاری کارآمد در دستور کار حفظ کرده، اقیانوسی از تحریم‌ها علیه ایران اعمال کرده، در ۲۰ سال گذشته صدها میلیارد دلار به اقتصاد ایران ضربه زده، به وحشت همسایگان علیه ایران دامن زده، بهانه تقویت روابط اسرائیل با کشورهای عربی قرارداده و قس علی‌هذا. بنابراین استراتژی ایران باید ختم این دستاویز باشد. به فرض احیای برجام، بدون توجه به یک واقعیت نانوشته، تضمینی برای پایداری این توافق وجود نداشته و نخواهد داشت، اعم از اینکه رئیس‌جمهور آمریکا یک دموکرات باشد یا جمهوری‌خواه. آن

واقعیت هم این است که آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری اوباما سیاست تعامل با ایران را با قصد رفع تشنجات در روابط با ایران در دستور کار داشت و امیدوار بود که با نشان دادن حسن نیت در مورد برجام، بتواند در این مسیر موفق شود. چون به موجب برجام، غنی‌سازی و آب سنگین ایران پذیرفته شد، تحریم‌های هسته‌ای برداشته شد، میلیاردها دلار مطالبات ایران وصول شد، شرایط خروج کامل ایران از فصل هفت منشور سازمان به عنوان تهدید صلح و امنیت جهانی فراهم شد، سوئیفت و روابط بانکی ایران با دنیا عادی شد و...

منتها بعد از برجام، به ویژه در دوران ترامپ و خروج او از برجام، تنش‌ها در منطقه افزایش یافت. در شرایط فعلی هم در صورت احیای برجام، فرضیه ایران باید بر این مبنا باشد که چنانچه چنین شرایطی استمرار یابد، باز هم برجام پایدار و دایمی نخواهد ماند چون با وجود اتهامات روزمره، آمریکا و بلوک غرب اطمینان دارند که ایران بمب هسته‌ای نخواهد ساخت و تصورشان این است که با خروج ایران از برجام، هر شش قطعه‌نامه شورای امنیت در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد احیا خواهد شد و طبق قطعه‌نامه‌های مذکور غنی‌سازی و آب سنگین ایران غیرقانونی شده ضمن اینکه اجرای پروتکل الحاقی و

دسترسی‌های نامحدود به آژانس برای ایران الزامی خواهد شد. علاوه بر آن ۱۵۰۰ تحریم دوران ترامپ، تحریم‌های بیشتر علیه ایران هم اعمال خواهد شد و از نظر افکار عمومی جهان هم توپ در زمین ایران خواهد بود. انتخابات کنگره آمریکا، جنگ اوکراین و مشکلات اقتصادی داخلی آمریکا؛ مسائل اصلی دولت بایستن است و موضوع ایران یک اولویت نیست. هرچه به انتخابات آمریکا نزدیک‌تر شویم، کار دولت بایستن برای پیوستن به برجام سخت‌تر خواهد شد. چنانچه جمهوری‌خواهان در انتخابات پاییز کنگره به اکثریت دست یابند، احتمالاً شرایط دولت بایستن بهتر نمی‌شود. برجام نه حلال همه مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران است و نه بی‌تاثیر در بهبود روابط خارجی و مشکلات اقتصادی. محور تلاش دولت باید براساس حل مشکلات اقتصادی و توسعه اقتصادی و صنعتی ایران باشد. برجام را به مثابه بن‌زین برای یک اتومبیل بایستن در نظر گرفت، اتومبیلی که موتور آن اقتصاد غیردولتی و محوریت بخش خصوصی است، چرخ‌های آن روابط مناسب خارجی است و رفع فقر و فساد و بیکاری و تورم و... هم اجزای اساسی دیگر این اتومبیل هستند. بنابراین در مورد اهمیت برجام نه اغراق و نه اغماض. سیدحسین موسویان - دنیای اقتصاد

چالش‌های اساسی اقتصاد



زیان انباشته گسترده این بانک‌هاست. زیان این بانک‌ها ۸۱۶ هزار میلیارد ریال یعنی ۸۱ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که نشان می‌دهد بخشی از این بانک‌ها مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت هستند و باید نسبت به برگزاری مجمع عمومی و تعیین تکلیف آنها اقدام شود. همچنین در این گزارش به دلایل اصلی ایجاد این زیان انباشته هم پرداخته شده که شامل مطالبات از دولت، غیرمولد بودن دارایی‌ها، وجود پرشمار املاک مازاد، بازده بسیار پایین شرکت‌های وابسته، سوءمدیریت و اداره سیاسی و منطقه‌ای شرکت‌ها، وجود مطالبات غیرجاری و فساد در اداره بانک‌ها است. از آنجاکه می‌دانیم قسمت بزرگی از سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشور از طریق بانک‌ها انجام می‌شود، بنابراین سالم‌سازی فعالیت‌های بانکی از وظایف مهمی است که دولت باید نسبت به آن اقدام کند. سامان دادن به وضعیت نظام و سیستم بانکی کشور و تغییر ریل بانک‌ها از بانکداری به جای نگاه‌داری بیش از یک دهه است که مطرح شده اما هنوز به نتیجه نرسیده است که امیدواریم در این دولت شاهد آن باشیم.

مسعود خوانساری - اتاق بازرگانی تهران

بانک‌ها پول بیشتری را وارد زنجیره عرضه کنند و بتوانند با افزایش عرضه از رشد تورم جلوگیری کنند.

در ایران هم ما به تبع رشد تورم جهانی و همچنین تورم داخلی که چند سالی است درگیر آن هستیم، شاهد رشد تورم در ماه گذشته بوده‌ایم. اگرچه در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۰ و دوماه ابتدایی سال (فروردین و اردیبهشت) تورم به ۳۸/۷ درصد رسید و کمی کاهش یافت؛ ولی در خرداد دوباره تورم ۱۳/۲ درصد نسبت به ماه قبل (تورم نقطه به نقطه) رشد داشته است. البته این رشد تورم بهانه‌ای شد برای مخالفان حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی و پرداخت یارانه نقدی تا اعلام کنند که عامل اصلی تورم اصلاحات اقتصادی دولت بوده است. اما باید بدانیم که اگرچه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در رشد تورم تاثیر داشته، ولی تنها عامل نبوده و دلایل دیگری از جمله رشد پایه پولی و نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۰، افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی و کاهش امید به حل و فصل پرونده صلح‌آمیز هسته‌ای هم نقش مهمی داشته است. آشفتگی مالی نظام بانکی: گزارش اخیر وزارت امور اقتصادی و دارایی از صورت‌های مالی بانک‌های دولتی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نشان‌دهنده

رشد تورم در اکثر کشورهای جهان به چالش اصلی اقتصاد جهانی و البته کشور ما بدل شده است. عوامل اصلی این رشد، شیوع کرونا در سال‌های گذشته، جنگ روسیه و اوکراین و افزایش قیمت انرژی در جهان هستند. یک‌سوم کشورهای اروپایی که در سال‌های گذشته تورم ۲ درصدی داشته‌اند، امسال تورمشان دورقمی شده و تورم آمریکا هم به ۸/۶ درصد رسیده است که یک رکورد ۴۰ ساله در این کشور محسوب می‌شود. در این بین بانک جهانی در گزارشی پیش‌بینی کرده است که روند رشد تورم و کمبود کالاهای اساسی در بسیاری از کشورها ادامه داشته باشد و حتی در برخی از مناطق جهان از جمله کشورهای فقیر باعث بی‌ثباتی شود. علاوه بر این نگرانی دیگر بانک جهانی از افزایش تورم این است که برخی از کشورهای سرمایه‌داری با افزایش نرخ بهره باعث رکود در اقتصاد جهانی شوند و هشدار داده است که کشورها تجربه ۱۹۷۰ را در نظر داشته باشند که بانک‌های مرکزی با افزایش نرخ بهره یک رکود جدی در اقتصاد دنیا ایجاد کردند و پیشنهاد کرده است که به جای افزایش نرخ بهره از سایر ابزارهای تنظیمی برای کنترل تورم استفاده کنند؛ از جمله اینکه اجازه دهند

وعده‌های بی‌فرجام

لحاظ صرفه اقتصادی دارد؟ کدام مطالعه جدی اقتصادی در این خصوص انجام شده است که بتوان بر مبنای آن سیاست‌گذاری کرد؟ معضل نرخ ارز که در کشور ما بیش از چهار دهه قدمت دارد، اساسا و نهائیتا به سیاست‌های مالی و پولی، کسری بودجه و افزایش نقدینگی برمی‌گردد. با سرکوب بازار ارز نمی‌توان نرخ ارز را کنترل کرد؛ همچنان که با سرکوب قیمت‌ها در بازار کالاها و خدمات نمی‌توان با تورم مقابله کرد. یکی از وعده‌های معروف یک‌سال پیش کاندیدای ریاست‌جمهوری، نصف کردن نرخ تورم در وهله نخست و تکریمی کردن آن در مرحله بعد بود. اما آنچه در این نزدیک به یک‌سال در عمل می‌بینیم، تداوم و حتی افزایش نرخ تورم است که قدرت خرید اکثریت قریب به اتفاق مردم را

دست، منحصر به زمان انتخابات نبوده و پس از بر سر کار آمدن دولت سیزدهم، به‌تواتر از سوی رئیس دولت و وزرای اقتصادی تکرار شده است و می‌شود.

وعده دیگر، رفع وابستگی کالاهای اساسی به نرخ ارز است؛ به‌طوری که با نوسانات نرخ ارز، قیمت کالاهای اساسی تحت‌تاثیر قرار نگیرد. واقعیت این است که قیمت بسیاری از کالاهای اساسی، متأثر از قیمت نهاده‌هایی است که از خارج وارد می‌شود و طبیعتا قیمت آنها تابعی از نرخ ارز است. حال پرسش این است که رفع وابستگی قیمت این کالاها به نرخ ارز چگونه ممکن است؟ آیا تمام نهاده‌های موردنیاز برای تولید کالاهای اساسی را می‌توان در داخل تولید کرد؟ تلاش در این جهت چه توجیهی به

در آغاز به وعده‌های ناظر بر رابطه میان دولت و بازار اشاره می‌کنیم که تناقض‌های آن بارز و در عین حال معنادار است. رئیس دولت در قامت کاندیدا وعده می‌دهد که دولت در بازار دخالت نکرده و آن را به مردم واگذار خواهد کرد؛ اما همزمان می‌گوید، دولت نظارت بر بازار را افزایش خواهد داد، گرانی کالاها در بازار را کنترل خواهد کرد و به اصلاح نظام قیمت‌گذاری خواهد پرداخت. ظاهرا همه این اقدامات، در چارچوب واگذار کردن بازار به مردم و عدم دخالت دولت در آن صورت خواهد گرفت. این تناقض، آشکارا نشان می‌دهد که کاندیدای آن زمان و رئیس‌جمهور فعلی و به طریق اولی، مشاوران اقتصادی وی، تصور روشنی از نظام بازار و سازوکار قیمت‌ها در آن نداشته‌اند و طرفه اینکه سخنانی از این

اطلاعات نفت و گاز ایران را به گازپروم ندهید

به ویژه در دادوستد نفت و گاز نباید اتفاق بیفتد. پیش از آن نیز در سال ۱۳۸۶ در روزنامه دنیای اقتصاد با تیتر «رقیب ما نمی‌شود» به مدیران ارشد دولت وقت احتمال رفتار نادرست گازپروم را یادآوری کرده و نوشته بودم «ایران و روسیه دارای ذخایر غنی نفت و گاز صادرکنندگان بزرگ نفت به حساب می‌آیند و در تولید و صادرات نفت رقیب هستند و نمی‌توانند رقیب هم باشند.» توصیه‌های نگارنده و شمار دیگری از کارشناسان اقتصاد سیاسی درباره احتیاط در همکاری با گازپروم نتیجه نداد و بار دیگر در دی ماه ۱۳۸۷ یادآور شدم «گازپروم روس، رقیب ایران است و اتحاد استراتژیک با این شرکت بدون توجه به همه گوشه‌ها و کناره‌های مساله به منفعت ملی نیست.» حالا در شرایطی که گازپروم در تله تحریم قرار گرفته است و هر روز از اعتبارش برای فروش و صادرات کاسته می‌شود دعوت از این شرکت و عقد قرارداد با این شرکت بدسابقه باید با احتیاط کامل انجام شود. نوشته حاضر به هیچ صورت به مساله نگاه سیاسی ندارد و تنها از زاویه دید اقتصادی به این قرارداد نگاه می‌کند و تاکید چندباره دارد که هیچ شرکتی در دنیا اطلاعات خود را در اختیار رقیب خود قرار نمی‌دهد. چند بار باید گازپروم را آزمایش کنیم.

محمداصاغی جنان صفت
روز نامه جهان صنعت



عراق سرقت کرده است. شرکت گازپروم روسیه با امضای تفاهم‌نامه‌ای با شرکت ملی نفت ایران روی میدان آذر مطالعه کرد اما اطلاعات ایران را برای توسعه میدان نفتی رقیب ایران به خاک عراق برد و قرارداد توسعه میدان بدر را با عراق امضا کرد. این شرکت نفت و گاز روسیه در سال ۱۳۹۰ و زمانی که مطابق تعهدش باید قرارداد با ایران را امضا می‌کرد زیر همه‌چیز زده و حاضر به امضای قرارداد نشد.» نگارنده در همان روزها در روزنامه ابتکار نوشتیم «این رخداد ناراحت‌کننده نشان می‌دهد ایرانیان به این دلیل که رهبری روسیه شعار ضدآمریکایی می‌دهد و با ایران نیز همسایه است و ایران نیز با سیاست‌های آمریکا تضاد دارد نباید به این کشور اعتماد کند و این

آرزوی هر ایرانی دلسوز به این مرز و بوم بردبار و ستم‌کشیده تاریخ معاصر این است که از مدار توسعه‌نیافتگی بیرون بیاید و شاهد روزهایی شاد و پیروز در بخش کسب‌وکار شهروندان و نیز به درآمد رساندن ثروت‌های طبیعی خویش باشد. بدبختانه ایرانیان امروز به دلایل گوناگون از این روزها کمتر می‌بینند و بیشتر می‌خوانند و می‌شنوند که رقبای ایران در نفت مثل عراق و در گاز مثل قطر با سرمایه‌گذاری غول‌های نفت جهان با شتاب از ایران عبور کرده و جای ایران در بازار انرژی را تنگ‌وتنگ‌تر می‌کنند. در این روزها اما از سوی وزارت نفت خبرهایی منتشر می‌شود که البته در ظاهر خوشایند است و نشان می‌دهد قرار است اتفاقی در شکستن یخ سرمایه‌گذاری به اغما رفته نفتی رخ دهد اما واقعیت این است که خبرهای منتشرشده از سوی دیگر این نگرانی را پدیدار می‌کند که شاید خبرهایی را که می‌خوانیم لباس عمل نباشند. به‌طور مثال خبر سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری گازپروم روسیه در میدان‌های نفتی ایران در حالی که شاید خرسندکننده باشد اما با توجه به سابقه فعالیت گازپروم در ایران نگران‌کننده نیز هست. در سال ۱۳۹۹ بود که خبرگزاری تسنیم نزدیک به جبهه سیاسی اصولگرایان که روزانه ده‌ها خبر علیه آمریکا تولید و منتشر می‌کند، در یکی از معدود خبرهای «ضد روسیه» خود نوشت: «گازپروم روسیه اطلاعات نفتی ایران را به نفع رقیب ایران یعنی



داشتن تخصص لازم برای آن، به معنای واقعی کلمه، عین بی‌تعهدی اخلاقی است. موسی عینی‌نژاد

تعهد، اولویت می‌دهند و تخصص تحت‌الشعاع آن قرار دارد. اولویت دادن به تعهد، توجیه منطقی و عقلایی ندارد؛ چرا که پذیرفتن مسوولیت بدون

به‌شدت کاهش داده و موجب افزایش فقر در سطح جامعه شده است.

از وعده‌های فاقد مبنای منطقی به جهت علمی و عملی، می‌توان به وعده تولید چهار میلیون واحد مسکونی در چهار سال و ایجاد یک میلیون شغل در هر سال اشاره کرد. این وعده‌ها در وضعیت فعلی کشور ما که تحت تحریم‌های کمرشکن است و به همین دلیل و همچنین به دلیل مداخلات بی‌رویه دولت در همه بازارها، ریسک سرمایه‌گذاری در فضای کسب‌وکار به‌شدت بالاست، چیزی جز شعار نمی‌توانست باشد و در مدت یک‌سال گذشته هم دیدیم که عملاً چنین بود. مشکل بزرگ و اساسی دولت سیزدهم، مانند اغلب دولت‌های پیشین فقدان رویکرد منسجم و مبتنی بر نگاه کارشناسی بر مسائل است. این مشکل عمده‌تر از آنجا ناشی می‌شود که از صدر تا ذیل مسوولان این دولت، علناً اذعان دارند که به

کمبودهای تمام نشدنی در سیستان و بلوچستان

سیستان و بلوچستان که عنوان جوان‌ترین استان کشور را یدک می‌کشد رکورددار بازماندگان از تحصیل در کشور هم باشد. کودکانی که گاهی به دلیل فقر مالی و نبود امکانات عطای درس خواندن را به لقایش بخشیده‌اند و حالا برای کمک به خانواده، کار کردن و سوخت بری را جایگزین تحصیل کرده‌اند. این همه ماجرا نیست برخی به دلیل نبودن مدرسه در مقاطع بالاتر در روستایشان و عدم امکان رفتن به روستاهای اطراف، کمک به درآمدزایی خانواده و نداشتن شناسنامه از دنیای مدرسه خداحافظی می‌کنند. البته داستان برای دختران این دیار جور دیگری رقم می‌خورد. برخی از آنها به دلیل ازدواج زود هنگام به جای مدرسه راهی خانه بخت می‌شوند. رسولی‌زاده یکی از معلمان روستایی در شهرستان راسک که بارها شاهد بوده دانش‌آموزانش با چشمی گریان برای همیشه از مدرسه خداحافظی کرده‌اند به «ایران» می‌گوید: اینجا همیشه با مشکلات و کمبودها مواجه هستیم اما در دوران کرونا این کمبودها پررنگ‌تر و ترک تحصیل بیشتر شد. برگزاری کلاس‌های آنلاین در روستاهایی که اینترنت نداشته و خرید تبلت و موبایل برای دانش‌آموزان ممکن نبوده امری محال است برای همین ما در این مدت تلاش کردیم با برگزاری کلاس‌های حضوری با فاصله زمانی مشخص کاری کنیم که هیچ دانش‌آموزی از تحصیل جا نماند اما باز هم خیلی‌ها ترک تحصیل کردند.



تحصیل دو مقوله جداست اما این آمار در استان به صورت یکجا بیان می‌شود که این موضوع سبب شده تعداد بازماندگان از تحصیل رقم بزرگی باشد. در واقع در بحث ترک تحصیل برای فرد امکانات آموزشی ایجاد شده اما خود فرد به دلایلی از ادامه تحصیل انصراف داده اما جاماندن از تحصیل به معنای در دسترس نبودن امکانات آموزشی است. البته ما با توسعه مدارس شبانه روزی و طرح روستا مرکزی در تلاشیم تعداد بازماندگان از تحصیل را کاهش دهیم و اغلب افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند را دوباره به مدارس بازگردانیم. فقر، بیکاری، کمبود کلاس‌های درس، تعصبات خانوادگی، کودک همسری، نبود مدرسه، نداشتن شناسنامه و... همگی دست به دست هم داده‌اند تا

ساعت ۲۴ - استان سیستان و بلوچستان همچنان در صدر استان‌هایی قرار دارد که بیشترین دانش‌آموزان از تحصیل باز می‌مانند. براساس اعلام اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان بیش از ۴۲ هزار دانش‌آموز به دلایل مختلفی از جمله فقر فرهنگی و اقتصادی، کودکان کار، پراکندگی و سخت گذر بودن مناطق و روستاها در این استان ناخواسته از تحصیل بازمانده‌اند. این آمار جدای از ۱۰۶ هزار نفری است که به صورت خود خواسته ترک تحصیل کرده‌اند. هرچند عبارت ترک تحصیل خود خواسته نیز متأثر از دلایلی چون ازدواج زود هنگام، اجبار به کار، مشکلات اقامت اتباع بیگانه در ایران و... است.

«حسینعلی میرعبدی» مدیرکل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان عوامل متعددی از جمله فقر فرهنگی و اقتصادی، پراکندگی و سخت گذر بودن راه‌های روستاها، کمبود امکانات و فضای آموزشی، سیل مهاجرین از کشورهای همسایه و... را از دلایل تعداد زیاد بازماندگان از تحصیل می‌داند و می‌گوید: در کل کشور ۹۸۰ هزار و ۸۷۱ بازمانده از تحصیل شناسایی شده‌اند که ۱۵ درصد این جمعیت در سیستان و بلوچستان هستند. سرانه فضای آموزشی در استان به ازای هر دانش‌آموز ۳۰۲ مترمربع است که با میانگین کشوری فاصله معناداری دارد. تعداد زیاد بازماندگان از تحصیل را از مهم‌ترین مشکلات پیش روی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان عنوان می‌کند و می‌افزاید: مساله ترک تحصیل با افراد جامانده از

رئییسی و بدهکار کردن شهروندان بی خبر

ساعت ۲۴-سیدابراهیم رئیسی به هر میزانی که در اداره اقتصادی کشور نابلدی نشان می‌دهد و انگار که در بیراهه گام برمی‌دارد اما در سیاست به نظر می‌رسد در راهایی که بر سر رفتن آنها با نهادهای قدرت به توافق رسیده ورزیده خودنمایی می‌کند. دولت او در این چند ماه از سال ۱۴۰۱ از سر ناچاری تصمیم‌های اقتصادی سخت را از برابر دیدگان ایرانیان دور کرد و آدرس‌های دیگری داد و در یک حرکت شگفت‌انگیز قیمت هر دلار در اختیار خود را که به قیمت ۴۲۰۰ دلار می‌فروخت به قیمت ۲۴ هزار تومان رساند. اصل و بنیاد این تصمیم از سوی سیاست خارجی بر دولت سیزدهم تحمیل شد. به این معنی که رئیسی نیک می‌دانست آشتی با غرب برای پرونده هسته‌ای در دستور کار نیست و باید منابع درآمدی تازه‌ای برای اداره اقتصاد و برای هزینه‌های دولت پیدا کند.

با توجه به حساسیت افزایش قیمت بنزین که یک راه آسان و با قدرت نقدشوندگی زود هنگام بود و

ترس از پدیدار شدن رخدادهای تلخ پیشین وی از این کار دوری کرد و ارزهای خود را به بالاترین قیمت فروخت. دولت از این راه و با توجه به اختصاص حداقل ۱۰ میلیارد دلار برای واردات نهادهای دامی و برخی کالاهای دیگر حالا با فروش دلار به قیمت آزاد ۳۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد تازه به دست آورد. علاوه بر این آزادسازی قیمت آرد و دارو به طور نسبی نیز بر درآمد دولت افزوده است. با این همه اما رئیسی می‌داند این منابع تکرارشدنی نیستند و با توجه به نرخ تورم ۴۰ درصدی در ۱۴۰۱ باید بودجه سال بعد را با کسری ببندد. از سوی دیگر وی دانسته است با بسته شدن آخرین روزه‌های زنده‌سازی برجام و البته رقابت سنگین با روسیه برای صادرات نفت و فولاد و پتروشیمی که به گفته فعالان به زیان ایران بوده و خواهد بود باید روزهای سخت تحریمی را ادامه دهد.

بنابراین تنها جایی که هنوز می‌توان از آن برداشت کرد سفره مردم و نیز

مشروعیتی است که مردم می‌توانند به دولت بدهند یا از دولت سلب کنند. رئیسی و هم‌اندیشان‌اش در نهادهای قدرت به این نتیجه رسیده‌اند باید در برابر برجام دو ایستادگی کرد و می‌دانند معنایش سخت‌تر شدن زندگی و کسب‌وکار شهروندان است و رئیسی برای اینکه این اتفاق بیفتد دنبال بدهکار کردن شهروندان است. او با صراحتی شگفت‌انگیز می‌گوید مردم ایران به طور رسمی اعلام کرده‌اند دولت باید مقاومت کند و مقاومت دولت و حکومت در برابر آمریکا و مرگ برجام برای رضایت مردم انجام می‌شود.

این شگفت‌انگیزترین دادوستد میان یک جامعه ۸ میلیونی با یک دولت است. در یک سوی این دادوستد شهروندان بدهکار چیزی شده‌اند که هرگز از آن خبر ندارند و دولت طلبکار چیزی شده که بدون جلب رضایت طرف دیگر فروخته است. آیا دولت با شهروندان به محضر رسمی رفته است؟

روزنامه جهان صنعت



اوج گیری جنگ سیاسی ایران و آمریکا در این روزها

یک به صورت جداگانه سال‌ها در خصوص اقدامات احتمالی که می‌توان برای این امر صورت گیرد، صحبت کرده‌اند اما برخی از تحلیلگران نظامی ابراز تردید کرده‌اند که حتی انجام عملیات نظامی بتواند ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازدارد. این موضوع البته در صورتی خواهد بود که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران قصد انجام چنین کاری را داشته باشند. در سال ۲۰۱۵، ایران و قدرت‌های جهانی توافقی را امضا کردند که بر اساس آن برنامه هسته‌ای ایران تحت شدیدترین نظارت‌های بین‌المللی قرار گرفت و در مقابل ایالات متحده تحریم‌های گسترده علیه تهران را لغو کرد.

در حالی که این توافق به خوبی کار می‌کرد و مطابق با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران به تعهدات خود پایبند بود، ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ و با تصمیم دونالد ترامپ از این توافق خارج و تحریم‌های گسترده علیه ایران بار دیگر فعال شد. یک سال پس از آن، تهران به صورت مرحله‌ای شروع به کاهش اجرای تعهدات خود در توافق هسته‌ای کرد و حالا درصد اورانیوم غنی‌سازی شده ایران به ۶۰ درصد رسیده است.

دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای، «زور» خواهد بود. اقدامی که از دیرباز مد نظر اسراییل بوده و تل‌آویو در ماه‌های اخیر بارها از آمریکا خواسته اطمینان دهد در صورتی که مذاکرات دیپلماتیک برای احیای برجام به شکست انجامد، برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات اتمی به گزینه نظامی متوسل شود. جو بایدن پس از امضای این بیانیه در یک نشست خبری همچنین تأکید کرد که ایالات متحده اجازه نخواهد داد که ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد. به گزارش یورونیوز ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری ایران، ساعتی بعد از آنکه رهبران آمریکا و اسراییل متعهد شدند جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را حتی شده با توسل به زور خواهند گرفت، به تهدید این دو کشور پاسخ داد. رئیسی با بیان اینکه «متأسفانه برخی کشورهای منطقه در حال ترانزیت ناامنی و تروریسم از غرب و ایالات متحده به منطقه هستند» افزود: «به آمریکایی‌ها و متحدان آنها در منطقه می‌گویم که ملت بزرگ ایران هیچ‌گونه ناامنی و بحران را در منطقه نمی‌پذیرد و هرگونه خطایی در این منطقه با پاسخ سخت و پشیمان‌کننده‌ای مواجه خواهد شد.» واشنگتن و تل‌آویو هر

ساعت ۲۴- نظام سیاسی ایران بدون هیچ رفتار سازگار و منعطف در برابر غرب ایستاده و نمی‌خواهد یک سانتی‌متر هم عقب‌نشینی را در حرف و در عمل حتی در برابر بیشترین فشار نشان دهد. از سوی دیگر نظام سیاسی آمریکا نیز نشان می‌دهد بیشترین سخت‌گیری در برابر حکومت ایران را در دستور کار قرار داده است. رهبر آمریکا با صراحت می‌گوید خواست ایران برای حذف سپاه پاسداران از لیست تحریم‌ها را حتی به قیمت شکست برجام نمی‌پذرد و نیز با اسراییل پیمان می‌بندد از همه امکانات خود برای جلوگیری از رسیدن ایران به بمب اتمی استفاده کند. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و یایر لاپید، نخست‌وزیر اسراییل، روز پنج‌شنبه ۱۴ ژوئیه تعهد مشترکی مبنی بر ممانعت از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای امضا کردند که نشان می‌دهد احتمالاً دو هم‌پیمان پس از مدت‌ها اختلاف بر سر چگونگی تقابل با ایران با یکدیگر به اشتراک نظر رسیده‌اند. این تعهد که بخشی از «اعلامیه اورشلیم» است یک روز پس از آن امضا شد که جو بایدن، در گفت‌وگو با یک شبکه تلویزیونی اسراییلی تأکید کرده بود که آخرین راه‌حل برای مقابله با ایران برای پیشگیری از



نوع تولید: متشکل از ۱۸ شرکت (تولید انواع پاستا، لازانیا، پودر کیک، تولیدکننده انواع مستفات ذرت و...)

نشانی دفتر مرکزی: تهران، ونکه خیابان شیخ بهایی شمالی، نبش بن پست داتش

دوست، پلاک ۱۰۳

تلفن: ۸۷۷۰۰۴۰۰

فاکس: ۸۸۰۴۹۹۰۷

آدرس وب سایت: www.zargroup.ir



گروه صنعتی و پژوهشی زر

رئیس هیئت مدیره: مرتضی سلطانی



نوع تولید: تولید کننده قاشق، چنگال، کارد استیل، ظروف هتل تولید کننده لوازم آشپزخانه توکار (اجاق گاز، هود، فر، مایکروویو)

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، پایین تر از پل صدر، جنب فروشگاه ناب استیل، پ ۱۶۳۳

تلفن: ۲۷۰۸

فاکس: ۲۲۰۰۶۳۱۹

پست الکترونیک: Info@nabsteel.ir

وب سایت: www.nabsteel.ir



گروه صنعتی ناب استیل

مدیر عامل: علیرضا محمدی دانهائی

نوع تولید: سس های سرد شامل مایونز و انواع سس های سالاد (طعم دار) و... سس های گرم شامل کچاپ (سس موجه فرلگی) و... انواع کمتروهای غیر گوشتی مریجات، ترنس جات، خیار شور، نریتون در سس چیلی و...

نشانی دفتر مرکزی: کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، گندرو غرب به شرق، بین بلوار دکتر عبیدی و خیابان شانزدهم، جنب ساختمان تهران دیزل،

کد پستی: ۱۳۸۹۷۹۸۷۱۱

تلفن: ۴۴۵۳۶۰۹۰-۱

فاکس: ۴۴۵۳۶۰۹۲

پست الکترونیک: Info@behrouznik.com / ceo@takmakaron.com

وب سایت: behrouznik.ir



دوست من سلام

صنایع غذایی بهروزنیک

مدیر عامل: بهرنگ پورضیایی منن



نشانی: خیابان فاطمی رویه روی بارکینگ هتل لاله پلاک ۲۷۷ ساختمان ۲۷۷ طبقه پنجم، کد

پستی: ۱۴۱۴۶۱۸۵۶۴

تلفن: ۸۸۹۸۴۷۶۰

فاکس: ۸۸۹۸۴۷۶۵

وب سایت: sumerco.com



مهندسی پایش خودرو سومر

مدیر عامل: امین پوررستمی

نوع فعالیت: طراحی، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، فولاد، دارویی، شیشه سازی و خودرو

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک غربی، پلاک ۶۱

تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۶-۸۸۶۰۴۷۰۳۵

فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹

پست الکترونیک: office@otce-co.com



تجهیزات توربو کمپرسور نفت

مدیر عامل: مرتضی کاظمی



بیمه زندگی خاورمیانه

بیمه زندگی خاورمیانه
مدیرعامل: مهدی نوروزی



نوع فعالیت: خدماتی

نشانی: تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، خیابان هفتم، شماره ۱۰

کد پستی: ۱۵۱۳۷۱۵۵۱۱، صندوق پستی: ۳۴۶۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۱۳۶۳۰۰۰

فاکس: ۸۸۷۱۶۰۲۰

پست الکترونیک: info@melico.ir

وب سایت: www.melico.ir



گروه صنعتی رازی
مدیر هماهنگی: محمدرضا نفی ثنجنی

نشانی: تهران- خیابان گاندی جنوبی- کوچه یکم- ساختمان گروه صنعتی رازی

تلفن: ۸۸۸۸۰۰۷۲

فاکس: ۸۸۸۸۰۰۷۱

وب سایت: razi-group.com



شرکت تولیدی شیرسازی سامین
شرکت تولیدی شیرسازی سامین

نوع تولید: تولید سیرالات تاسیساتی، ساختمانی، صنعتی

نشانی: تهران خیابان دماوند خیابان هلیسای پلاک ۱۳، کد پستی: ۱۶۵۴۹۹۳۶۱۱

پست الکترونیک: edari@samin.com



گروه صنعتی صفا
رییس هیات مدیره: محمد رستمی صفا



نوع تولید: تولید کننده لوله های نفت، گاز، پتروشیمی، پالایشگاهی، آب و فاضلاب،

پروفل و مقاطع ساختمانی

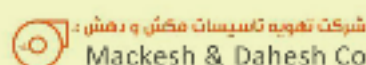
نشانی: تهران، بلوار کشاورز، روبروی بیمارستان پارس، شماره ۱۴۶

تلفن: ۸۸۹۵۵۶۱۷-۱۸

فاکس: ۸۸۹۵۳۵۹۳

پست الکترونیک: info@safagroup.com

وب سایت: www.safagroup.com



شرکت تهیه تاسیسات مکش و دهش :
Mackesh & Dahesh Co
تهویه تاسیسات مکش و دهش
مدیرعامل: علیرضا سلیمانزاده

نوع تولید: تولیدکننده انواع فن‌های صنعتی، جت‌فن‌های پارکینگ، چیلر، هواساز،

ابرواشر، فن گونل برجهای خنک‌کننده

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دکتر مفتاح جنوبی، ساختمان ۲۱، واحد ۳۲،

کد پستی: ۱۵۷۱۶۷۳۵۵۵

تلفن: ۸۸۳۰۹۳۳۷

فاکس: ۸۸۳۰۹۳۲۶

پست الکترونیک: MAckesh.dahesh.co@gmail.com

وب سایت: MAckeshdahesh.com